



وزارت صحت عامہ  
انسٹیٹوت علوم صحی پوهاند غضنفر  
دیپارٹمنٹ فارمیسی

# ثقافت اسلامی

نویسنده:

قاضی احمد گل احمدی

۱۳۹۴





وزارت صحت عامه  
انسٹیٹوت علوم صحی پوهاند غضنفر  
دیپارٹمنٹ فارمسی

# ثقافت اسلامی

نویسنده: قاضی احمد گل احمدی

احمدی، احمدگل، ۱۳۹۴  
ثقافت اسلامی، نویسنده: قاضی احمدگل احمدی، کابل: انتشارات عازم  
چاپ اول: ۱۳۹۴

## ثقافت اسلامی

نویسنده:

قاضی احمدگل احمدی

ویراستار:

اکمل عازم

ناشر:

مطبعه و انتشارات عازم

تیراژ:

۵۰۰ جلد

چاپ اول:

۱۳۹۴





## پیام وزارت صحت عامه

وزارت صحت عامه مسرت دارد که برنامه تجدید نصاب تحصیلی دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحتی پوهاند غضنفر به پایه اكمال رسیده و نصاب درسی می‌تواند نیازمندی‌های آموزشی برای محصلان این رشته را جهت عرضه خدمات بهتر برای مردم نیازمند کشور فراهم سازد.

بدون شک رفاه، توسعه و پیشرفت یک جامعه مستلزم صحت بهتر افراد آن است، حفظ و ارتقای صحت افراد نیز به نوبه خود نیازمند تنظیم و مدیریت مؤثر سیستم‌های عرضه خدمات صحتی و رعایت اصول و معیارات اساسی در جریان این خدمات می‌باشد. در واقع خدمات صحتی معیاری که متضمن تحقق استفاده معقول ادویه و حصول اطمینان از کیفیت، مؤثریت و مسئولیت دواها و تدارک، توزیع و کاربرد آنها با رعایت شرایط و ضوابط معین می‌باشد، نمی‌تواند بدون مسئولین و کارمندان شایسته فراهم گردد. با توجه به اینکه فارمسی یک رکن عمده نظام صحت و دوا یک فکتور اساسی سیستم‌های عرضه خدمات صحتی را تشکیل می‌دهد، می‌توان به اهمیت موجودیت افراد دارای دانش و مهارت لازم مسلکی در زنجیره عرضه خدمات دواپی پی برد.

البته این اهمیت هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت قابل عطف می‌باشد. چنانچه نهادهای تحصیلات عالی فارمسی در کشور محدود بوده و تعداد فارغان آنها نمی‌تواند جوابگوی همه نیازمندی‌های کشور از نظر منابع بشری فارمسی باشد، از اینرو لازم است مؤسسات آموزشی نیمه عالی این رشته نیز از توجه به دور نمانند. خوشبختانه نقش مؤثر سکتور خصوصی در جهت تحت پوشش قرار دادن نیازمندی‌های کشور از نظر افراد مسلکی فارمسی رو به گسترش بوده، ولی اطمینان از کیفیت آموزشی این همه فارغان از اهمیت خاص برخوردار است، که بایست مورد توجه جدی قرار گیرد.

نصاب تحصیلی قبلی با نظر داشت تحولات و پیشرفت‌های گسترده که جهان و منطقه شاهد آن است نمیتوانست نیازهای بالقوه کنونی جامعه را مرفوع سازد و لازم است همگام با دگرگونی‌ها، ابزار و دانش اهل مسلک‌های مرتبط به صحت نیز تجدید گردیده و نیازهای جدید را هدف قرار دهد تا کیفیت خدمات ارتقا یابد و مشتری نظام صحت ما به هدف اصلی خود که همانا اعاده و بهبود صحتش است، دست یافته و از این نظام ابراز رضایت نماید.

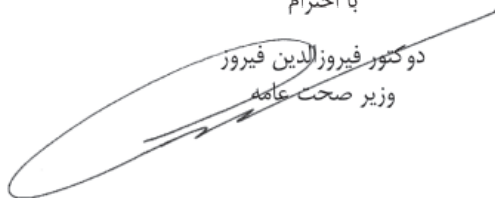
با توجه به موارد مذکور، انستیتوت علوم صحتی پوهاند غضنفر با یک ابتکار و تصمیم بجا و بموقع دست به کار شده و با تجدید نصاب تحصیلی بخش فارمسی آن انستیتوت در هماهنگی با نصاب تحصیلی پوهنحی فارمسی پوهنتون کابل مسؤولیت خود را ایفا نموده است که وزارت صحت عامه این موفقیت را به رهبری و مسؤولین انستیتوت مذکور تبریک گفته و برایشان موفقیت‌های بیشتر را آرزو می‌کند.

این تجدید نصاب در یک پروسه منظم و معیاری توسط یک کمیته تخنیکی و تخصصی مؤظف مشمول اشخاص نخبه و صاحب نظر از نهادهای اکادمیک و اجرایی ذیربط صورت گرفته و کمیته مذکور نیز مسؤولیت خود را به بهترین وجه لازم به انجام رسانیده و رسالت خود را در قبال کشور و مردم ایفا نمود که وزارت صحت عامه به آن ارج گذاشته و از اعضای محترم کمیته مؤظف و تمام اشخاصی که به نحوی در این پروسه ملی سهم داشته اند، صمیمانه سپاسگذاری می‌نماید.

همچنان جا دارد از پوهنحی فارمسی، پوهنتون کابل بخاطر کمک‌های تخنیکی ایشان و از پروژه محترم تقویت سیستم‌های فارمسی (SPS) که توسط مؤسسه علوم اداره برای صحت (MSH) و با تمویل اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده امریکا (USAID) تطبیق می‌گردد، بخاطر انجام کمک‌های مالی و تخنیکی بی‌شایبه از آغاز تا ختم پروسه تجدید نصاب متذکره، ابراز سپاس نمایم.

با احترام

دوکتور فیروزالدین فیروز  
وزیر صحت عامه



## اظهار سپاس

حمد و سپاس خداوند (ج) را که ما را توفیق بخشید تا مسؤولیت بزرگ را که در تهیه مواد آموزشی برای آینده‌سازان مسلک فارمسی داریم با موفقیت و توأم با دست‌آوردهای بزرگ به پایه اکمال برسانیم. اینک به نمایندگی از ریاست انستیتوت علوم صحنی پوهاند غضنفر خورسندم که مجموعه علمی کریکولم، شامل ۲۱ عنوان کتاب درسی برای رشته فارمسی این انستیتوت و انستیتوت‌های خصوصی را تقدیم شما می‌نمایم. این کریکولم تحول عظیم و اسناد مهم در انکشاف خدمات صحنی دوائی در کشور به شمار می‌آید. با در نظر داشت اهداف تجدید نصاب تحصیلی مسلک فارمسی برای تدوین این آثار با ارزش فعالیت‌های عمده چون ایجاد گروپ کاری، تدویر ورکشاپ‌های نیاز سنجی و معرفی نصاب، حدوداً ۴۰ مجالس گروپ کاری، عقد قرار داد برای تحریر هر کتاب با نویسندگانهای مجرب از پوهنتون کابل و انستیتوت علوم صحنی پوهاند غضنفر، ارزیابی و تصحیح کتاب‌ها به وسیله گروپ کاری برای تحقق اهداف کریکولم جدید، نهایی سازی بسته‌های آموزشی شامل رهنمود برای استاد، رهنمود برای کارهای عملی و اصل کتاب، استفاده از جدیدترین منابع و مآخذ برای تدوین این کتب از فعالیت‌های اساسی و درخور توجه این انستیتوت و همکاران ما به شمار می‌آید که مطابق پلان مطروحه مؤفقانه تطبیق گردیده است.

اینجانب به نمایندگی از انستیتوت علوم صحنی پوهاند غضنفر می‌خواهم از همکاری‌های تمویل کننده‌گان پروگرام فوق، اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده (USAID)، پروژه تقویت سیستم فارمسی (SPS) که در فراهم نمودن هزینه مالی و تکنیکی برای پروسه مذکور و ارایه مشورت‌ها و فیدبک‌های گرانبها که در جریان تطبیق پروژه با ما داشتند، اظهار سپاس و قدردانی نمایم.

همچنان‌جا دارد که از حمایت وزارت‌های محترم صحت عامه و تحصیلات عالی، پوهنتون محترم کابل بخصوص رهبری و استادان پوهنحی فارمسی ریاست عمومی امور فارمسی، پوهنتون طبی کابل، استادان دیپارتمنت‌های انستیتوت علوم صحنی پوهاند غضنفر، اتحادیه انستیتوت‌های علوم صحنی خصوصی و اتحادیه سراسری فارمستان افغانستان که نماینده‌های ایشان در مهیا ساختن زمینه‌های مناسب کاری از طریق هم‌آهنگی و مشوره‌های نیک سهم‌گیری فعال در ورکشاپ‌ها و گروپ‌های کاری این پروسه را حمایت و همکاری نموده اند، اظهار سپاس نمایم.

بدیهی است که تطبیق این برنامه بدون اداره مؤثر، همکاری صادقانه تکنیکی، فداکاری، تعهد و سعی و تلاش مخلصانه مؤسسه همکار SPS که در تمام موارد ذکر شده با ما در تهیه، تدوین و ترتیب این کریکولم و مواد درسی آن سهیم بودند، ممکن نبود، خاصاً از توجه محترم محمد ظفر عمری رئیس پروژه و زحمات محترم احمد نجیب راشد مشاور تجدید کریکولم آن مؤسسه سپاسگذاری نمایم.

یقیناً تهیه و ترتیب این نصاب در نتیجه مساعی همه جانبه تیم فوق صورت گرفته است، که لازم است بار دیگر از ایشان و ادارات محترم مربوطه اظهار امتنان و قدردانی نموده و از خداوند (ج) موفقیت مزید را برای ایشان خواهانم.

با احترام

دوکتور کیمیا عزیز

رئیس انستیتوت علوم صحنی پوهاند غضنفر



### اعضای گروپ کاری:

- ۱) پوهاند محمد نسیم صدیقی رییس پوهنځی فارمسی
- ۲) دوکتور کیمیا عزیز رییس انستیتوت علوم صحی پوهاند غزنفر
- ۳) محمد ظفر عمری رییس پروژه MSH/SPS
- ۴) پوهنمل آقا محمد ژکفر معاون پوهنځی فارمسی
- ۵) دوکتور سیدعرب شاه عرب شاهي رییس اتحادیه انستیتوت‌های علوم صحی خصوصی افغانستان
- ۶) فارمسست عبدالخلیل خاکزاد رییس انستیتوت فارمسی ابن سینا
- ۷) محمد داوود معصومی آمر دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحی پوهاند غزنفر
- ۸) احمد نجیب راشد مشاور تجدید کوریکولم، پروژه MSH/SPS

### اعضای همکار:

- ۱) پوهنمل محمد شفیق مشال استاد پوهنځی فارمسی
- ۲) احمد جاوید احسان مسؤول خدمات فارمسی پروژه MSH/SPS
- ۳) دوکتور عبدالستار جبارزی معاون علمی انستیتوت علوم صحی پوهاند غزنفر
- ۴) دوکتور صنیع الله زلمی استاد پوهنتون طبی کابل
- ۵) عبدالظاهر صدیقی مشاور پروژه MSH/SPS
- ۶) فارمسست مریم فهیم استاد انستیتوت علوم صحی پوهاند غزنفر
- ۷) دوکتور ذبیح الله مومند مدیر عمومی محصلان انستیتوت علوم صحی پوهاند غزنفر
- ۸) دوکتور ذبیح الله غوثی افسر منابع بشری پروژه MSH/SPS
- ۹) تانا ولیجی مشاور پروژه MSH/SPS
- ۱۰) عبدالطیف فقیری مسؤول اداری MSH/SPS

## پیشگفتار

مسرت داریم، که کتاب درسی هذا به همت اساتید محترم پوهنتون کابل، پوهنحی فارمسی و دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحی پوهاند غضنفر اقبال چاپ یافت.

مواد درسی رُکن مهم یک نصاب تحصیلی را تشکیل داده و به کمک آن دانش ها، مهارت ها و تغییرات ذهنی و سلوکی به مستفید شونده گان برنامه تحصیلی انتقال داده می شود. کتاب هذا در تطابق با کریکولم جدید دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحی پوهاند غضنفر به رشته تحریر در آمده است. در کتاب هذا تمام اصول مروج کتاب نویسی مراعات گردیده و مشکل دیپارتمنت فارمسی را از نگاه کمبود کُتب و مواد درسی مرفوع خواهد ساخت.

کتاب هذا با در نظر داشت سویه تحصیلی مستفید شونده گان (معاون فارمسست - چهارده پاس مسلکی) تحریر گردیده و جهت تدریس برای دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحی پوهاند غضنفر در سطح مرکز ولایت و تمام انستیتوت های علوم صحی خصوصی تهیه گردیده است.

گروپ کاری تجدید کریکولم دیپارتمنت فارمسی انستیتوت علوم صحی پوهاند غضنفر زحمات نویسنده گان محترم را در تحریر کتاب هذا با دیده قدر نگریسته و موفقیت های هرچه بیشتر شان را در راه خدمت به اولاد وطن از بارگاه ایزد منان خواهان است.

با احترام

گروپ کاری تجدید کریکولم دیپارتمنت فارمسی

انستیتوت علوم صحی پوهاند غضنفر



## فهرست مندرجات

صفحات	عناوین
	<b>مقدمه</b>
۱	<b>فصل اول: مفاهیم</b>
۳	اهمیت ثقافت اسلامی
۷	<b>فصل دوم: اسلام و ایمان</b>
۱۳	اختلاف تناقض نیست
۱۳	مقصد از ارائه تعریف‌های متعدد
۱۳	تعریف گزیده
۱۴	ارکان اسلام
۱۴	ایمان
۱۵	انواع ایمان
۱۶	وحدت عقیده‌وی در ادیان سماوی قبل از تحریف
۱۸	ارکان ایمان
۱۸	انواع مؤمن به
۱۸	مناسبت میان ایمان و اسلام
۲۰	نقش ایمان در بخش اجتماعی جامعه انسانی
۲۷	در جهان چرا امنیت نیست
۲۹	<b>فصل سوم: جهان بینی اسلامی</b>
۳۰	خط فکری در جهان بینی اسلامی
۳۱	موضوعات جهان بینی اسلامی
۳۳	<b>فصل چهارم: خالق شناسی</b>
۳۳	شهادت قرآن عظیم الشان به وجود خالق
۳۴	شهادت عقل به وجود خالق
۳۴	توحید
۳۵	اقسام توحید
۳۶	اقسام توحید الوهیت
۳۶	شرح اقسام توحید الوهیت
۳۷	توحید اسما و صفات
۳۷	شروط توحید اسما و صفات
۳۹	اهمیت و مکانت توحید در اسلام
۳۹	عناصر توحید
۳۹	عنصر اول: اخلاص و بندگی تنها برای الله تعالی است

۳۹	عنصر دوم: انکار از طاغوت
۴۰	عنصر سوم: پرهیز از شرک
۴۰	آثار ارزنده توحید در زنده‌گی
۴۰	۱- توحید سبب آزادی انسان
۴۰	۲- توحید سبب تکوین شخصیت متعادل
۴۰	۳- توحید سبب آرامش نفس
۴۱	۴- توحید اساس برادری و برابری
۴۱	تعریف شرک
۴۱	اقسام شرک
۴۲	شرک اکبر
۴۲	شرک اصغر
۴۲	شرک خفی
۴۲	سبب خفی بودن شرک
۴۳	اسلام راه‌های شرک را مسدود می‌کند
۴۳	افراط و زیاده روی
۴۳	غلو در مورد نیکان و پارسایان
۴۳	تعظیم قبور
۴۳	مسجد قرار دادن قبر
۴۴	نماز به سوی قبر
۴۴	بلند کردن قبرها
۴۴	عید و جشن گرفتن قبور
۴۴	مفاسد و اضرار شرک
۴۴	شرک سبب تحقیر انسان
۴۵	شرک سبب ولانه خرافات است
۴۵	شرک منبع خوف‌ها است
۴۵	شرک ظلم بزرگ است

### فصل پنجم: تعریف کلمات: کرامت، شفاعت، توسل

۴۷	۱- کرامت
۴۷	کراماتی که در قرآن‌کریم ذکر شده اند
۴۸	ب- کرامت حضرت مریم رضی الله عنها
۴۸	کرامت حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها
۴۹	کرامتی که در احادیث نبوی ذکر شده است
۴۹	۲- شفاعت
۵۰	اقسام شفاعت
۵۰	شروط شفاعت
۵۱	درمورد شرط سوم
۵۱	توسل

۵۱	انواع توسل
۵۱	توسل مشروع و غیرمشروع
۵۲	توسل به دعای فرد صالح زنده
۵۲	توسل غیر مشروع
۵۵	<b>فصل ششم: انسان شناسی در جهان بینی اسلامی</b>
۵۵	اصل انسان
۵۶	شخصیت انسان در قرآن کریم
۵۹	مشکل انسان در عصر حاضر
۶۰	پس مشکل در کجاست؟
۶۱	انسان سازی در جهان بینی اسلامی
۶۵	<b>فصل هفتم: طبیعت شناسی</b>
۶۵	ارزش طبیعت در جهان بینی اسلامی
۶۶	نظری بر طبیعت
۶۶	رابطه با دنیا از دیدگاه اسلام
۶۷	دنیا منحیث وسیله
۶۹	پیدایش طبیعت و اجزای آن
۷۱	<b>فصل هشتم: فلسفه عبادات در دین مقدس اسلام</b>
۷۱	نماز در لغت و اصطلاح
۷۲	صلاه (نماز) در اصطلاح قرآن
۷۳	فلسفه های نماز مومنان
۸۵	خصوصیت و ویژه گی های نمازهای حضرت محمد (ص)
۸۹	کیفیت نماز بعضی از صحابه و دوستان خدا
۹۰	حکم با عجله نماز خواندن
۹۰	جزای بی نمازان
۹۲	حکمت و فلسفه روزه
۹۲	رمضان ماه نزول قرآن عظیم الشان
۹۳	نقش روزه در ساختار فرد و جامعه
۹۴	نقش روزه
۹۴	نقش روزه در ساختار شخصیت فردی انسان
۹۷	حکمت و فلسفه زکات
۱۰۰	فلسفه های زکات
۱۰۲	فضایل زکات
۱۰۳	حکمت و فلسفه حج
۱۰۷	فلسفه حج
۱۱۶	<b>مأخذ و مراجع</b>

## مقدمه

الله (ج) را سپاسگزارم که این بنده‌ی ضعیف خود را توفیق عنایت فرموده تا کتاب ثقافت اسلامی را که یکی از مضامین اصلی و اساسی و بسیار مهم می باشد برای جوانان کشور اسلامی و عزیزمان افغانستان به چاپ برسانم این مضمون که در تمام پوهنحی‌های مختلف پوهنتون‌ها و انستیتوت‌های دولتی و خصوصی تدریس می‌گردد اکثراً به شکل کتاب‌ها و چپترها بوده ولی به خاطر خدمت بیشتر درین عرصه لازم دیدم تا کتاب را ترتیب و تنظیم نمایم تا محصلین کشور در این مضمون به مشکلات مواجه نشوند و کتاب را که در دست دارید موضوعات و مطالب آن از مصادر و مراجع اصلی شان اخذ و بدون کدام تغییر و اضافات درج کتاب گردیده و همچنان در اخیر کتاب منابع و مأخذ آن را نقل نموده ام تا در وقت ضرورت محصلین و دیگر خواننده گان و استفاده کننده گان کتاب به مراجع اصلی مراجعه بتوانند. در اخیر از تمام خواننده گان، محصلین و استادان محترمانه خواهشمندم تا در صورت برخورد با اشتباهات و غلط‌های چاپی در این کتاب برای بنده اطلاع دهند تا در طبع بعدی اصلاح شود.

با احترام

قاضی احمد گل احمدی

# فصل اول

## مفاهیم

### مقدمه

در این فصل درمورد تعریف، موضوع، اهداف و ضرورت مضمون ثقافت اسلامی بطور خلاصه بحث می‌شود و همچنین در باره رابطه میان علوم دینی و علوم عصری حکم اموختن علوم دینی و علوم عصری از دیدگاه دین مقدس اسلام بحث مختصر خواهد شد.

### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش پیرامون مفاهیم ثقافت اسلامی
- کسب دانش در مورد ضرورت به مضمون ثقافت اسلامی
- کسب دانش در مورد رابطه علوم دینی با علوم عصری

### تعریف ثقافت اسلامی

ثقافت در لغت: کلمه ثقافت از کلمه‌ی عربی (تقف گرفته شده که به معنی مختلفی چون مهارت، یافتن، گرفتن، پیروز شدن، تهذیب، تادیب و راست نمودن چیز کج، آمده است. مؤلف فرهنگ محیط‌المحیط می‌گوید: ثقافت به معنای مهارت در دانستن چیزی از نگاه علمی و عملی می‌باشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> (في ادراك الشيء علماً و عملاً) محیط‌المحیط بطرس البستانی بیروت مکتبه لبنان ۱۹۸۷م ص ۸۲ اصل الثقافه فی اللغه مأخوذ من الفعل ثقف، بضم القاف و كسرهما و له عدة معان منها الادراك و الاخذ والظفر قال تعالى (... وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ) النساء ۹۱

ألحدق والفظة و الفهم يقال: دجل ثقف و ثقف اي اصبح حدقاً و فهماً و فطنا. ألتهديب و التاديب يقول: ثقف المعلم الطايب. اي هذب و علمه و ادبه تقويم المعوج، يقال ثقفه تمثيقاً، اي سواه و قومه بعد امواج لسان العرب تأليف محمد بن منظور قاهره دارالحدیث ط ۱۴۲۳-۱۰۲۰۳ / ۶۸۴-۶۸۵ و مختار الصحاح تأليف محمد بن ابی بكر الرازی، قاهره دارالحدیث ط اول ۱۴۲۱-۲۰۰ ط ۵۸-

ثقافت در بعضی موارد معادل کلمه‌ی فرهنگ در زبان دری، کلتور (در زبان فرانسوی) و کلچر Culture (در زبان انگلیسی) استعمال شده است، ولی کلمه فرهنگ نمی‌تواند که ترجمه دقیق برای کلمه ثقافت باشد.<sup>۲</sup> ثقافت اسلامی در اصطلاح: دانشمندان اسلامی درمورد ثقافت اسلامی تعریفات زیادی را بیان داشته‌اند که خلاصه همه را می‌تواند در تعریف ذیل مورد مطالعه قرارداد: ثقافت اسلامی عبارت از شناخت ضرورت‌های اعتقادی، عملی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام است که به صورت غیرتخصصی دانستن آن بالای هر مسلمان فرض عین می‌باشد.

## اهداف ثقافت اسلامی

اهداف ثقافت اسلامی به شکل زیر خلاصه می‌گردد:

۱. **بنای عقیده‌ی درست:** یکی از وظایف ثقافت اسلامی جابه‌جا نمودن عقیده‌ی درست اسلامی که توحید الله<sup>(ع)</sup> اساس و زیربنای آن را تشکیل می‌دهد می‌باشد، جوان مؤمن باید به شکل اکادی‌میک الله<sup>(ع)</sup> را با تمام صفات آن بشناسد. دین مقدس اسلام همیشه برای آگاهی انسان‌ها سعی و تلاش ورزیده و برای عقل‌مندان حقیقت‌ها را بیان داشته و از امور دروغین، خرافات، افسانه‌پردازی‌ها، اوهام جمود فکری و غیره امور منافی عقل، انسان را برحذر داشته بناء هرچه عقل انسان را آشفته و گمراه نماید ممنوع و حرام قرارداد است.
۲. **بنای شخصیت اسلامی:** ثقافت اسلامی مکتبی برای انسان‌سازی است و از این که پوهنتون فابریکه‌ی انسان‌سازی می‌باشد، قلب اساسی آنرا ثقافت اسلامی تشکیل می‌دهد، زیرا جوان مسلمان را لازم است تا تمامی بخش‌های روحی، روانی، جسمی، عقلی و فرهنگی اسلام را درک نماید، با شخصیت عالی اسلامی در جامعه امروزی زنده‌گی نماید.
۳. **دفاع از معتقدات اسلامی:** ثقافت اسلامی قوی‌ترین سنگر برای دفاع از معتقدات اسلامی و ریشه‌دار شدن اندیشه‌ی اسلامی بگونه‌ی اکادی‌میک می‌باشد، جوانان دانشمند با درک ثقافت اسلامی می‌دانند که آنان قبل از این که انجنیر، داکتر، ژورنالیست، فارمسست، وترنر، زراعت‌دان، میخانیک، جامعه شناس، فلسفه‌دان، حقوق‌دان و هنرمند باشد او یک مسلمان است، او باید تمامی زنده‌گی خویش را در سایه‌های هدایات قرآنی سپری نماید و همیشه در مقابل خرافات و لکه‌هایی که به اسلام چسپانیده می‌شود، خواه از طرف دشمنان اسلام و یا هم دوستان جاهل باشد مبارزه می‌کند.
۴. **مقابله با فرهنگ‌های غیراسلامی:** در جهان امروزی فرهنگ‌های مبتدل و یا هم فرهنگ‌های خرافی زیادی وجود دارد که هرکدام به گونه‌ی برای پخش ارزش‌های خویش جوانان را به بیراهه می‌کشاند، ثقافت اسلامی در مقابل هر فرهنگی که با اساسات اسلامی در تصادم باشد مقابله می‌کند، و آنان را با دلیل و برهان از صحنه‌ی حیات جوانان مسلمان خارج می‌کند.

<sup>۲</sup> کلمه «اسلامی» چون واضح است بناء از تشریح آن خودداری گردید.

## اهمیت ثقافت اسلامی

چرا ثقافت اسلامی می‌خوانیم و اهمیت آن در کدام نقاط نهفته است؟

**جواب اول:** ما ثقافت اسلامی می‌خوانیم زیرا در دین مقدس اسلام دانستن ضرورت‌های دین فرض عین است.

دین مقدس اسلام بر پایه علم و دانش استوار است و علم را بالای هر مرد و زن مسلمان فرض نموده است ولی در این راستا باید دانست که آموختن علوم در شریعت اسلامی به دو بخش تقسیم گردیده است:

**(۱) فرض کفائی:** تمام علوم که به نفع بشریت است و برای جامعه‌ی اسلامی مفید تمام شده و بدون آن زنده‌گی مسلمانان به مشکلات مواجه می‌گردد، از دیدگاه دین مقدس اسلام فرض کفائی می‌باشد، یعنی لازم است تا برای آموختن و آموختاندن این علوم مراکز تعلیمی و تحصیلی موجود باشد و برای تربیه کادرها سعی و تلاش ورزد، هرگاه تعدادی از افراد در تخصص در این علوم خود را کاندید کردند و مردم هم با ایشان همکاری نمودند، آن علم بالای آنان فرض کفائی شده و از ذمه دیگران ساقط می‌گردد و در صورتی که هیچ‌کس در زمینه سعی و تلاش نوزد تمام افراد جامعه در پیشگاه الله<sup>(ع)</sup> گنهگار و مسؤول می‌باشند. به این اساس تمامی علوم که شامل (شرعیات، حقوق، طب، انجنیری، ژورنالیزم، اقتصاد، ادبیات....) علوم فرض کفائی بوده و هرگاه مسلمانان برای تربیه‌ی کادرها در این زمینه سعی و تلاش نه ورزند همه گنهگار می‌شوند و مسؤول می‌باشند.

ولی هرگاه برای این تخصصات اشخاص تعیین شدند که همه بیاموزند و هم در کشور عملاً کار نمایند، این علوم بالای آنها فرض کفائی شده و از ذمه دیگران ساقط می‌گردد و در صورتی که هیچ‌کس در زمینه سعی و تلاش نوزد تمام افراد جامعه در پیشگاه خداوند<sup>(ع)</sup> گنهگار و مسؤول می‌باشند. به این اساس تمامی علوم که شامل (شرعیات، حقوق، طب، انجنیری، ژورنالیزم، اقتصاد، ادبیات، و ترنری، زراعت، هنر اسلامی،....) و غیره علوم فرض کفائی بوده و هرگاه مسلمانان برای تربیه کاردها در این زمینه سعی و تلاش نوزند همه گنهگار می‌شوند، ولی هرگاه برای این تخصصات اشخاص تعیین شدند که هم بیاموزند و هم در کشور عملاً کار نمایند، این علوم بالای آنها فرض عین شده و از ذمه دیگران ساقط می‌گردد.

**(۲) فرض عین:** لازم است که هر مسلمان در مورد عقیده و نظام‌های مختلف اسلامی مثل نظام عبادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و غیره معلومات داشته باشد و دانستن ضرورت‌های دین به اندازه‌ی که انسان بتواند زنده‌گی بیست و چهار ۲۴ ساعته خود را مطابق آن عیار سازد بالای هر مسلمان فرض عین می‌باشد. البته تخصصات علوم اسلامی دقیق مربوط پوهنحی‌های شرعیات می‌شود، ولی دانستن احکام اسلامی به اساس آنچه قبلاً گفتیم بالای هر مسلمان فرض عین است که غرض این که مقصد ما ثقافت اسلامی را به شکل یک مضمون اساسی در پوهنتون‌های دولتی و خصوصی کشور خویش که یک کشور مسلمان و مردم آن مسلمان می‌باشند می‌خوانیم.

**جواب دوم:** ما ثقافت اسلامی می‌خوانیم تا زنده‌گی هدفمند داشته باشیم.

هدفمند بودن: شما دو جوانی را تصور کنید که یکی به زنده‌گی دنیوی و اخروی خویش سعی و تلاش می‌کند او تقسیم اوقات ۲۴ ساعته خود را منظم دارد صبح به وقت از خواب برخاسته بعد از ادای نماز صبح و تلاوت صفحات از قرآن کریم به مطالعه دروس خویش می‌پردازد، بعد از طرف صبح از منزل خود برآمده مستقیماً به پوهنتون می‌آید. او شاید در بعضی اوقات موتر شخصی نداشته باشد، توسط سرویس‌های شهری و گاهی هم بایسکل وغیره به هرشکلی که باشد خود را به دروس خود می‌رساند، و بعد از ختم درس دوباره به منزل ایشان رفته بعد از صرف طعام و ادای نماز ظهر باز به تطبیق تقسیم اوقات منظم خویش تلاش می‌ورزد. این انسان هدفمند برای زنده‌گی خویش پلان چهار ۴ الی پنج ۵ ساله دارد، زحمت می‌کشد شب و روز مصروف مطالعه و نوشتن است، زیرا او هدفمند است و در مورد زنده‌گی چهار (۴) سال بعد فکر می‌کند و بعد از اخذ شهادت‌نامه زنده‌گی نورمال داشته هم به خود و هم به جامعه و مردم خدمت می‌نماید، در مقابل جوان دیگری است که هدف خاصی در زنده‌گی ندارد، او صبح از خانه برآمده و سرگردان این طرف و آن طرف می‌رود، منتظر است تا دیگران برایش تقسیم اوقات بسازند، و دیگران برایش اسباب رزق را آماده سازند، او سرگردان تمام روز را سپری نموده و بالاخره سال‌های زیبای عمر خود را بیهوده در مقابل سینماها و در ایستگاه‌ها و تفریح‌گاه‌ها سپری می‌کند و در نتیجه بار دوش جامعه می‌گردد، روزی که آن جوان اولی به مقام عالی زنده‌گی می‌رسد این شخص از بدبختی‌های زنده‌گی در شکایت است.

انسان که هدفمند نباشد مجبور است که دنباله‌ی دیگران برود، طفیلی زنده‌گی کند مانند موتری باشد که ماشین‌اش خراب است و باید عقب موتر دیگری بسته شود انسان‌های بی‌هدف منتظر است که دیگران برای شان برنامه بسازند، وطن شان را دیگران آباد نمایند، دفاع شان به دوش دیگران باشد و خود ایشان فقط مصروف خوش‌گذرانی باشند.

یگانه چیزی که انسان را هدفمند می‌سازد دین مقدس اسلام است، ایمان است ارتباط با رب‌العالمین است، ایمان بود که عرب‌های را که سال‌ها چوپان بودند به رهبران جهان مبدل نمود، و همین ایمان و قوت ایمان بود که تواضع را در اوج قدرت در قلب‌های آنان جاگزین نموده بود که هدف آنان خدمت با خود نه بلکه خدمت با بشریت بود.

**جواب سوم:** ما ثقافت اسلامی می‌خوانیم تا صاحب خط فکری روشن باشیم.

هرگاه انسان هدف داشته باشد ولی خط فکری معین نداشته باشد که مطابق آن حرکت کند بازهم اشتباه می‌کند.

این خط فکری را الله (ع) برای هر مؤمن معتقد در قرآن عظیم‌الشان ترسیم می‌کند.

و الگویش رسول الله صلی الله علیه وسلم را معرفی نموده است.

انسان مؤمن مانند انجنیری است که مطابق نقشه‌ی که رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش بیان داشته



است عمل می کند، او می داند که تغییر در این نقشه خواه زیادت باشد و یا نقصان سبب بدبختی وی می گردد، بناءً خط فکری اش مشخص است و مطابق آن به هدف خویش در حرکت است.

**جواب چهارم:** ما ثقافت را می خوانیم تا با وجدان زنده گی نماییم.

وجدان زنده: از دیدگاه روان شناسی ضمیر و احساس همان شعور نفسی و روانی را می گویند که در نهاد انسان پیدا می شود و کردار و اعمال انسان را کنترل می کند، انسانی که دارای وجدان زنده است ضرورت به پولیس و مراقبت بیرونی ندارد و (ایمان حیثیت پولیس را دارد که او را در هر حال مراقبت می کند).

**جواب پنجم:** ما ثقافت اسلامی می خوانیم تا با شخصیت عالی زنده گی کنیم.

شخصیت عالی: رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> در مدت زنده گی خویش پوهنتون را تأسیس کرده که شاگردانش همه از زن و مرد پسر و دختر با شخصیت های عالی زنده گی می نمودند او سیزده (۱۳) سال درس شخصیت سازی داد تا اینکه نظام اسلامی را تأسیس کرد هنگامی که برای مدینه منوره سفیری را انتخاب می نمود جوانی را تعیین کرد که سن ایشان بیست ۲۰ سال بود (مصعب بن عمیر نخستین سفیر در اسلام بود) همه می دانست که این جوان با این که سن شان کمتر است ولی شخصیت وی از شخصیت سایر اصحاب گرامی که سن بلند داشتند کمتر نیست، هنگامی که به رهبریت قوت های اسلامی به روم قومندانی را اختیار نمود جوانی ۱۸ ساله (اسامه بن زید سپهسالار اسلام در مقابل رومیان) بود، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب<sup>(رض)</sup> شخصیت دانشمند و شجاع عبدالله بن عباس<sup>(رض)</sup> استاد و مفسران جهان اسلام.

رسول گرامی اسلام چنین جوانی را تربیه نموده بود که هر کدام می توانست جهان را رهبری نماید زنان چون (بی بی سمیه) نخستین شهید اسلام بی بی نصیبه مدافع رسول<sup>(ص)</sup> در غزوه بدر ام المؤمنین سلمه<sup>(رض)</sup> مشاور رسول<sup>(ص)</sup> در صلح حدیبیه ام المؤمنین (عایشه صدیقه)<sup>(رض)</sup> استاذ صحابه کرام و بزرگترین حدیث شناس و راوی احادیث) و سایر دختران و زنانی که نام هر یکی را با خط زرین حفظ نموده است.

### سوالات فصل اول:

۱. ثقافت اسلامی اسلامی را تعریف نماید.
۲. اهداف ثقافت اسلامی را مختصراً تحریر دارید.
۳. اموختن علوم عصری از دیدگاه اسلام چه حکم دارد.
۴. فرق بین فرض عین و فرض کفایی چیست واضح سازید.

## فصل دوم

### اسلام و ایمان

#### مقدمه:

در این فصل موضوعات که تدریس می گردد: تعریف اسلام و ایمان ارکان ایمان و اسلام، مناسبت بین آنها، اشیا مومن به، ایمان مفصل و ایمان مجمل و همچنان نظریات علما در مورد ارکان ایمان توضیحات داده خواهد شد.

#### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش پیرامون اسلام و ایمان
- کسب دانش در مورد مفهوم اسلام و ایمان
- کسب دانش در مورد فرق بین ایمان و اسلام

#### تعریف اسلام

اسلام را می توان با تعریف های ذیل معرفی نمود:

**تعریف اول:** در حدیث جبرئیل علیه السلام که به صورت مرد صحرا نشینی آمده و از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال های نمود تا حاضرین بشنوند و مسایل دین خود را بیاموزند، چنین آمده است:

«الإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (صحیح مسلم، کتاب الایمان)

«اسلام آنست که شهادت بدهی که هیچ معبود برحقى جز الله وجود ندارد و محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده الله است و برپا دارید نماز را و ادا کنید زکات را و روزه بگیرید ماه رمضان را و در صورت استطاعت و توانایی حج بیت الله را انجام دهی.

پس اسلام عبارت از یکنوع عقیده و امور است که درین حدیث گنجانیده شده است و شرح آن بعداً خواهد آمد.

**تعریف دوم:** اسلام عبارت از خضوع، تسلیم شدن و فرمانبرداری از الله (ج) پروردگار عالمیان است به این شرط که تسلیمی اختیاری بوده و جبری نباشد، زیرا خضوع و تسلیمی جبری در برابر پروردگار جهان که

عبارت از تابع بودن به سنت‌ها و قوانین کائنات می‌باشد، امر عام بوده و تمام مخلوقات را شامل می‌شود و چنین تسلیمی و خضوع هیچ نوع ثواب و عقابی را به دنبال ندارد.

«أَفْعَبِرَ دِينِ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (آل عمران/ ۸۳)

«آیا دین دیگری به غیر از دین الله<sup>(ع)</sup> می‌خواهند، (درحالی‌که) فرمانبردار و منقاد الله<sup>(ع)</sup> است هر که در

آسمان‌ها و در زمین است به خوشی و ناچاری.»

پس تمام مخلوقات تابع قوانینی الهی بوده و در وجود، بقا و فنا خود خاضع سنت‌های الله<sup>(ع)</sup> می‌باشد و انسان نیز در تبعیت اجباری مانند سایر مخلوقات است، اما خضوع اختیاری در برابر الله<sup>(ع)</sup> است که جوهر اسلام را تشکیل می‌دهد و انسان مکلف به آن بوده و ثواب و عقاب را به دنبال دارد و مظهر آن انقیاد تام و با رضایت کامل و بدون قید و شرط از شریعت الهی می‌باشد.

پس اسلام به این معنی، عبارت دین پسندیده‌ی الله<sup>(ع)</sup> است که به پیامبران گرامی‌اش وحی نموده است و

فرستاده‌گان گرامی الله<sup>(ع)</sup> آن را به مردم رسانده اند.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ

يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران/ ۱۹)

«هر آئینه دین پسندیده نزد الله<sup>(ع)</sup> اسلام است و اختلاف نکردند آنهایی که داده شده اند کتاب، مگر پس از

آن که آمد به ایشان دانشی، از روی حسد میان ایشان، و هر که کافر شود به آیت‌های الله<sup>(ع)</sup>، پس الله<sup>(ع)</sup> زود

حساب گیرنده است»

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران/ ۸۵)

«هر که طلب کند غیر از اسلام دین دیگری را پس هرگز قبول کرده نشود از وی و اوست در آخرت از

زیان کاران»

«وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۲۲)

«و او آنکه منقاد ساخت روی خود را (خویشتن را) به الله<sup>(ع)</sup> و او نیکوکار باشد، پس هر آئینه چنگ زده است

به حلقه (دستاویز) محکم و به سوی الله<sup>(ع)</sup> است عاقبت تمام کارها»

«وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ \* أَمْ

كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقره/ ۱۳۲/۱۳۳)

«و وصیت کرده به آن کلمه ابراهیم پسران خود را و یعقوب را که ای پسران من هر آئینه الله<sup>(ع)</sup> برگزید بر

شما دین را پس هرگز نمیرید مگر درحالی که شما مسلمان باشید. آیا شما حاضر بودید آنگاه که پیش آمد

یعقوب را مرگ وقتی که گفت به فرزندان خود، چه را می‌پرستید بعد از من، گفتند می‌پرستیم معبود ترا و معبود

پدران ترا که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق اند، معبود یگانه را و ما برای او منقادیم»

بعد از آن کلمه‌ی «اسلام» به صورت خصوصی به دینی اطلاق می‌گردد که محمد صلی الله علیه

وسلم از سوی پروردگارش آورده است و آن عبارت از انقیاد کامل و بدون قید و شرط از آن دین می‌باشد و با

همین انقیاد است که خضوع اختیاری انسان در برابر الله<sup>(ع)</sup> ظاهر می‌گردد. و چنانچه گفتیم همین انقیاد جوهر و اصل اسلام را تشکیل می‌دهد به همین معنای خاصش لفظ اسلام در آیت شریف نیز استعمال گردیده است.

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ج»

«امروز دین شما را برای تان تکمیل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به حیث دین برای

تان پسندیدم»

بنابراین، تعریف اسلام به معنای خاص این کلمه که در وقت ذکر مطلق آن مطلوب می‌باشد چنین است که «اسلام عبارت از خضوع و تسلیمی اختیاری در برابر رب کائنات می‌باشد و مظهر آن همانا انقیاد و پیروی از شریعتی است که الله<sup>(ع)</sup> به رسولش محمد صلی الله علیه وسلم وحی نموده و ایشان را امر کرده است تا آنرا به مردم برسانند»

**تعریف سوم:** اسلام عبارت از نظام عام و قانون کامل و شاملی است که تمام زنده‌گی و برنامه‌های سلوکی و عملکرد انسان را دربرداشته و آنرا محمد صلی الله علیه وسلم از سوی پروردگارش آورده و مأمور به تبلیغ آن به مردم بوده است و به پیروی و یا مخالفت از آن ثواب و عقاب مرتب می‌گردد. الله<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران ۸۵)

«و کسی که غیر از اسلام دین دیگری می‌طلبد هرگز از او قبول نمی‌شود و او در آخرت از زیان کاران

است»

پس درین آیت شریف، دین متضمن تمام معانی و مفاهیمی است که قبلاً ذکر گردید و مجموع آنها همان اسلامی است که محمد صلی الله علیه وسلم از سوی پروردگار جهان آورده است.

**تعریف چهارم:** اسلام عبارت از مجموعه احکام عقیدتی، اخلاقی، عبادات، معاملات و اخبارهایی است که الله<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم و سنت مطهره‌ی نبوی بر رسولش محمد صلی الله علیه وسلم نازل فرموده و ایشان را مأمور به تبلیغ آن به تمام مردم گردانیده است. الله<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (المائدة/۶۷)

«ای پیامبر برسان آنچه بر تو نازل شده است از جانب پروردگارت و اگر چنین نکردی پس نرساندی پیغام

اورا. الله ترا نگه می‌دارد از مردم. هر آئینه الله<sup>(ع)</sup> راه نمی‌نماید گروه کفار را»

و آنچه را الله<sup>(ع)</sup> نازل نموده است همانا قرآن و سنت است که تمام احکامی که قبلاً ذکر نمودیم در آن دو

گنجانیده شده است و دین الله (اسلام) همین می‌باشد.

**تعریف پنجم:** اسلام عبارت از جواب‌های صحیح و حقیقی در برابر سه سؤالی است که عقل و فکر بشر را

در گذشته و حال به خود مشغول ساخته است. این سوال‌ها در ذهن و فکر هر انسانی می‌گذرد که با خود به

خلوت نشستہ و در امور زندہ گی به تفکر بپردازد و یا جنازہ ی را مشایعت و به زیارت قبرستانی برود. این سوال‌ها قرار ذیل است:

از کجا آمده ایم؟

چرا آمده ایم؟

به کجا می‌رویم؟

جواب‌های صحیحی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در برابر این سوال‌ها از سوی الله (ع) ارائه کرده است مجموعه و تفصیلات این جواب‌ها عبارت از اسلام است.

در مورد سوال اول می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَأُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَحْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (الحج/۵)

«ای مردم اگر در شک هستید از زنده شدن دوباره (بعد از مرگ) پس هر آئینه آفریدیم شما را از خاک، سپس نطفه؟ باز از خون بسته، باز از پاره‌ی گوشت صورت داده شده و غیرصورت داده شده تا واضح سازیم برای شما و (تصویر خلقت را) قرار می‌دهیم در رحم‌ها آنرا که بخواهیم تا وقت معین. باز بیرون می‌آریم شما را (از رحم) طفلی باز (تربیت می‌کنیم) تا برسید به کمال قوت خود و بعضی از شما آنست که فوت می‌کند و بعضی از شما آنست که باز گردانیده می‌شود به بدترین (مرحله‌ی) عمر تا اینکه نمی‌داند چیزی را بعد از دانستن آن»

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا \* ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (المؤمنون/۱۲-۱۴)

«همانا آفریدیم انسان را از خلاصه‌ی کشیده شده از گل، پس گردانیدیم آن را نطفه‌ی در قرارگاه، پس ساختیم آن نطفه را خون بسته، پس ساختیم آن خون بسته را پاره‌ی گوشت، پس ساختیم آن پاره‌ی گوشت را استخوان‌ها پس پوشانیدیم استخوان‌ها را گوشت، باز آفریدیم او را آفرینش دیگری، پس بزرگ و با برکت است الله که نیکوترین آفریننده‌گان است»

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ \* ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (السجدة/۷-۹)

«آنکه آفرید هرچیز را به صورت نیکویش و آغاز نمود آفرینش انسان را از گل، باز پیدا کرد اولاد او را از عصاره‌ی از آب بیقدر، باز درست اندام کرد او را و دمید در وی از روح خود و پیدا کرد برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها، (مگر) اندکی شکرگزار هستید.»

«هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا \* إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ»

## فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (الانسان/۱-۲)

«هر آئینه) آمده است برانسان مدتی از زمانه که نبود چیزی ذکر شده. همانا آفریدیم انسان را از نطفه‌ی درهم آمیخته (درحالی که) می‌آزماییم او را پس گردانیدیم او را شنوا و بینا»  
**«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ \* خُلِقَ مِنْ مَّا دَافِقُ \* يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (الطارق/۵-۷)**  
 «پس باید ببیند انسان که از چه چیزی آفریده شده است، آفریده شده است از آب جهنده که می‌برآید از میان پشت و استخوان‌های سینه»

این آیات مبارکه و امثال آن بیان می‌کند که انسان اصلاً وجود نداشت و معدوم محض بود. الله (ع) او را از خاک آفرید و بعد از آن ادامه‌ی نسل او را در «آب مهین» قرارداد به نحوی که در آیات فوق ذکر شده است. بنابراین انسان اول که آدم علیه السلام است، از خاک آفریده شده و بعد از آن نسل و ذریعه‌ی او را از «آب جهنده‌ی آفرید که از بین صلب و ترائب خارج می‌شود»  
 در جواب سؤال دوم، الله (ع) در قرآن کریم می‌فرماید:

**«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات/۵۶)**

«و نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای این که مرا عبادت کنند»

و عبادت متضمن معرفت درست الله (ع)، محبت با او و خضوع و تسلیمی در برابر او و پیروی از برنامه‌ها و اصولی می‌باشد که برای انسان وضع کرده است تا به وسیله‌ی آن نفس خود را تکمیل نموده و به مستوایی برساند که سزاوار آن بوده و استعداد آن را دارد و در دنیا و آخرت به سعادت و کامیابی حقیقی برسد. پس انسان برای عبادت به مفهوم وسیع آن خلق شده است که در بحث‌های آینده به شرح و توضیح آن خواهیم پرداخت.

در مورد سوال سوم می‌فرماید:

**«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (الإنشاق/۶)**

«ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را دیدار می‌کنی»

**«اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (الروم/۱۱)**

«الله درآغاز می‌آفریند خلق را باز اعاده می‌کند آن را باز به سوی او گردانیده می‌شود.»

**«إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ**

**ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (الزمر/۷)**

«باز به سوی پروردگارتان است بازگشت شما پس خبر می‌دهد شما را به آنچه عمل می‌کردید»

**«وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (النجم/۴۲)**

«و اینکه بازگشت به سوی پروردگارت است»

**«إِن إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَىٰ» (العلق/۸)**

«بیشک به سوی پروردگارت تو بازگشتن است»

این آیات مبارکه مسیر انسان را بعد از مرگ بیان می‌کند که عبارت از برگشت به سوی الله (ع) می‌باشد تا



جزای اعمالی را دریابد که در دنیا انجام داده است و به مقامی برسد که موافق و مناسب حالش می باشد، یعنی اگر نفس خود را با عبادت الله<sup>(ع)</sup> ترکیه کرده و از جمله‌ی نیکوکاران بود، به سرای نیکوکاران (جنت) داخل می‌شود و اگر نفس خود را با کثافت‌های گناه و معصیت آلوده ساخته و همراه با همان خبثات از دنیا رفته بود، به سرای ناپاکان (جهنم) جای می‌گیرد. البته شرح این موضوع نیز در آینده خواهد آمد.

**تعریف ششم:** اسلام عبارت از روح حقیقی انسان و نور هدایت بر فراراه او و شفای کافی و کامل برای تمام امراض اوست، اسلام راه مستقیمی است که هرکسی که در مسیر آن حرکت کند به هیچ صورت گمراه نمی‌شود.

«وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (الشوری/۵۲-۵۳)

«و همچنین وحی کردیم به سوی تو روح(قرآن) را از حکم خود، تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان چیست، و لیکن گردانیدیم آن را روشنی که هدایت می‌کنیم به آن کسی را که بخواهیم از بنده‌گان خود، به تحقیق تو هدایت می‌کنی به سوی راه راست، راه الله<sup>(ع)</sup> آنکه اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است»

«وَأَنْزَلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (الاسرا/۸۲)

«و فرود می‌آریم از قرآن آنچه که شفا و رحمت است برای مؤمنان و نمی‌افزاید ستمگاران را مگر زیان»  
«قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً» (فصلت/۴۴)

«بگو آن (قرآن) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و شفا است»

واضح است که این تعریف از اسلام، در حقیقت تعریف آن با بعضی صفاتی است که هیچگونه جدایی از آن ندارد. بنابراین می‌توان اسلام را با ذکر صفات دیگر آن نیز تعریف کرد. چنانچه می‌توان گفت که: اسلام عبارت از دین فطرت است.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (الروم/۳۰)

«پس راست بدار روی خود را به دین (الله<sup>(ع)</sup>) یکسو شده(از افراط و تفریط)، (لازم بگیر بر خود) فطرت الله<sup>(ع)</sup> را که پیدا کرد مردم را برآن، هیچ تبدیلی نیست دین الله<sup>(ع)</sup> را، اینست دین راست و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند»

همچنان می‌توان گفت که: اسلام عبارت از دین توحید است و یا دین عدل است و یا اسلام دین علم است

و غیره....

زیرا این مواصفات و مفاهیم به کامل‌ترین صورت آن در اسلام موجود بوده و دعوت اسلام به سوی همین مفاهیم بوده و برآن تأکید می‌کند.



## تعریف‌های دیگری از اسلام

باید توجه داشت که تعریف‌های متنوعی که از اسلام در این بحث ارائه کردیم بر سبیل مثال است نه بر سبیل حصر، زیرا می‌توانیم که تعریف‌های دیگری و با الفاظ مختلفی ارائه کنیم البته به شرط اینکه مضمون تعریف‌های ارائه شده صحیح بوده و بر معنا و مفهوم اسلام منطبق بوده و الفاظ آن واضح و هیچ نوع غموض و اشتباهی در آن راه نداشته باشد.

## اختلاف تناقض نیست

ثانیاً باید توجه داشت که تعریف‌هایی که قبلاً ارائه شد، همه‌ی آنها صحیح بوده و هیچ تناقض و اختلاف جوهری بین آنها وجود ندارد، زیرا هرکدام از آنها متضمن همان مفهومی است که در تعریف دیگر گنجانیده شده است و اختلاف بین آنها فقط اختلاف لفظی بوده و در معنایی که در قالب این ویا آن تعریف ابراز شده است هیچ تناقضی وجود ندارد و این مقدار از اختلاف در وحدت و هم‌آهنگی مضامین این تعریف‌ها و دلالت آن بر اسلام چه به شکل صریح ویا به صورت ضمنی و لازمی، تأثیری نمی‌گذارد.

## مقصد از ارائه تعریف‌های متعدد

هدف ما از ایراد تعریف‌های متعدد از اسلام اینست که دعوتگر عزیز شماری از تعریف‌ها و جملاتی را با خود داشته باشد و بتواند که بادر نظر داشت حالت مدعو، اندازه فهم و درک او، حدود سلامت فکری و فطری او، نوع شبهات و سوالاتی که در قلبش راه یافته است و بالآخره مفاهیمی که به فهم آن در مورد اسلام ضرورت دارد، مطابق آن یکی ازین تعریف‌ها را برگزیند.

مثلاً شخصی که با فلسفه سروکار داشته در صحرای فلسفه سرگردان است، زمانی که در مورد اسلام سوال می‌کند، مناسب است که مطابق تعریف پنجم به او جواب داده شود و آن اینکه «اسلام عبارت از جواب‌های صحیح و حقیقی آن سوال‌های است که در ذهن هرانسان متفکر خطوط می‌کند مانند: از کجا آمده‌ایم؟ چرا آمده‌ایم؟ به کجا می‌رویم؟

جواب این سوال‌ها مطابق شریعتی داده شود که محمد صلی الله علیه وسلم به مردم رسانده است. همینگونه به کسی که با مسایل قانون و علوم اجتماعی سر و کار دارد و می‌پرسد که اسلام چیست؟ باید مطابق تعریف سوم برایش جواب داده شود و شخص غیرمسلمان زمانی که در مورد اسلام می‌پرسد باید مطابق تعریف اول برایش جواب داده شود.

## تعریف گزیده

تعریفی که درین بحث مورد گزینش ما می‌باشد و آن را اساسی برای معرفی ارکان اسلام قرار می‌دهیم، همان تعریف اول است که در حدیث معروف به «حدیث جبرئیل» از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است، زیرا این تعریف همه‌ی آن مفاهیمی را دربر دارد که تعریف‌های دیگر در ضمن خود دارد.

## ارکان اسلام

در حدیثی که به «حدیث جبرئیل» شناخته شده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب جبرئیل علیه السلام می‌فرماید:

«اسلام آنست که شهادت دهی بر این که هیچ معبودی برحقى جز الله (ج) واحد نیست و محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده‌ی اوست و نماز را برپا داری و زکات را بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی امکانات رفتن به حج را داشتی حج بیت الله را انجام دهی»

مطابق این حدیث شریف ارکان اسلام از سه امر اساسی تشکیل می‌یابد:

**اول:** شهادت «لا إله إلا الله»

**دوم:** شهادت «محمد رسول الله»

**سوم:** اعمال صالحه که در رأس آن نماز، زکات، روزه و حج قرار دارد و ازین چهار عمل به خاطر اهمیت آن در اسلام ذکر شده است و مسلمان را تنبیه می‌کند که عمل صالح نیز از ارکان دین بوده و تنها بر زبان آوردن کلمه‌ی شهادت کفایت نمی‌کند بلکه باید مطابق مضمون و مفهوم آن عمل صورت گیرد.

در نتیجه گفته می‌توانیم که اسلام دارای پنج رکن اساسی بوده که عبارت اند از:

۱. کلمه طیبه

۲. نماز

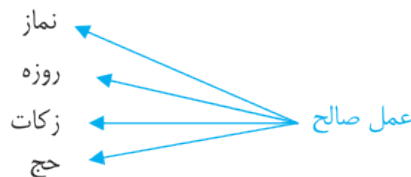
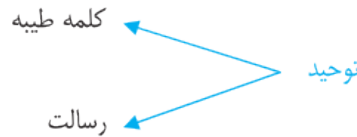
۳. روزه

۴. زکات

۵. حج

و از طرف دیگر می‌توانیم که چون کلمه طیبه عبارت است از دو رکن توحید و رسالت می‌باشد و نماز، روزه، زکات و حج در عمل صالح شامل می‌شود که به این ترتیب اسلام دارای سه رکن است: توحید، رسالت و عمل صالح.

خلاصه اینک:



## ایمان

تعریف ایمان: ایمان که لغتاً به مفهوم باور کردن و یقین کامل بود، از نگاه اسلام دارای سه جز اساسی است که عبارت از:

الف: تصدیق قلبی

ب: اقرار زبانی

ج: عمل به آنچه تصدیق به دل و اقرار به زبان صورت گرفته می‌باشد.

در اینجا دیده می‌شود که زبان گواه و شاهد بر دل بوده و عمل بر هردو یعنی بر قلب و زبان شاهد و گواه است.

**تبصره:** باید متوجه بود که در داشتن ایمان بر یک موضوع که در واقع عبارت از یقین کامل بر همان موضوع است - هر سه جز (تصدیق قلبی - اقرار زبانی و عمل بر آن) خاصاً جز اولی (تصدیق قلبی) و جزء دومی (اقرار زبانی) حتمی و ضروریست در غیر آن ایمان شده نمی‌تواند یعنی تصدیق قلبی بدون اقرار زبانی ویا اقرار زبانی بدون تصدیق قلبی ایمان نیست چنانچه منافقین تنها به اقرار زبانی - ایمان دار شده نمی‌توانند. همچنین کفار متعصب و حسود که قلباً حقیقت اسلام را می‌دانند اما به خاطر حسادت و تعصب درونی - اعتراف به زبان را ننگ و عار دانسته لذا آنها نیز ایمان دار شده نمی‌توانند.

بنابراین آنانی که راجع به هریک از قضایای اسلام - از اقرار زبانی و اعتراف به آن انکار نموده شرم و ننگ می‌نمایند - ایمان دار و مسلمان نیستند گرچه دعوی ایمان و اسلام نمایند چنانچه ابوطالب کاکای پیغمبر هنگام مرگ از اقرار به زبان و از اعتراف به رسالت پیغمبر عار نموده ابا ورزید لذا از جهان به صفت یک کافر گذشت.

البته اقرار زبانی در صورت معذرت‌های شرعی مانند گنگ بودن یا خوف کشتن ویا تعذیب - ساقط می‌گردد به شرطی که عقیده‌ی اسلامی شخص معذور با تصدیق و اطمینان قلبی‌اش همراه باشد.)

## انواع ایمان

در اسلام ایمان داشتن به دو نوع صورت می‌پذیرد: ایمان مجمل و ایمان مفصل

(۱) **ایمان مجمل:** که با این جمله تمثیل و بیان می‌گردد: (آمنت بالله کما هو باسمائه و صفاته و قبلت

جميع احکامه)

**ترجمه:** به الله و به اسماً و صفاتش طوریکه در قرآن ویا احادیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم وارد است - ایمان داشته و تمامی احکام و فرامین الله را از دل و جان قبول دارم.

(۲) **ایمان مفصل:** که در قرآن کریم و احادیث صحیح و ثابت رسول کریم صلی الله علیه وسلم وارد

گردیده که مفهوم ایمان مفصل و تفصیلی را به صورت نسبی با جمله ذیل ارائه می‌توانیم و خوشبختانه که حتی حفظ سینه هر طفل مسلمان می‌باشد. (آمنت بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الاخر و القدر خیره و شره من الله تعالی)

**ترجمه:** به الله و به ملائک و به کتاب‌ها و به پیغمبرانش و به روز قیامت ایمان داشته و ایمان داریم براینکه خیر و شر - خوبی و بدی و اندازه و تقدیر هرچیز فقط و فقط به الله (ج) ل جلاله تعلق داشته نه به مخلوق بیچاره و محتاج که خودش از جمله نیازمندان و محتاجان است.

و طوریکه قبلاً اشاره شد ایمانداران همه از آدم علیه السلام تا پیغمبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم (جمع پیغمبران) - ملایک - اولیاً الله - جن و انس ایماندار و مؤمن همه و همه بر همین اصول شش گانه ایمان الی الابد - عقیده کامل دارند. و جمله اخیریکه احياناً اضافه می‌گردد و عبارت از: (و البعث بعد الموت) است - به معنی زنده شدن بعد از مرگ بوده - به جمله (والیوم الاخر) تعلق می‌پذیرد لذا عمدتاً ارکان و اصول اساسی اسلام عبارت از همین شش چیزی است که در قرآن کریم و احادیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم صراحت دارد.)

### وحدت عقیده‌وی در ادیان سماوی قبل از تحریف

عقیده‌ی صحیح و سالم اسلامی همانا عقیده‌ی است که از آغاز پیدایش بشر تاکنون و الی ختم جهان و جهانیان تمامی پیامبران علیه السلام و مؤمنان راستین یعنی ملک، جن و انس و هر مؤمنی که باشد به آن معتقد بوده و یگانه مصدر و منبع آن ارشادات الهی از طریق پیامبران به جهان و جهانیان بوده و است. همین وحدت و هم‌آهنگی عقیده و ایمان در ادیان حقیقاً سماوی است که بار دیگر به اهمیت عقیده و اصالت آن می‌افزاید درحالی که برخلاف - دیده می‌شود که در ادیان سماوی احکام عملی یعنی - شریعت هر دین از هم متفاوت بوده که این خود فرعیت عمل را نسبت به عقیده واضح می‌سازد پس نتیجه اینست که ادیان سماوی که بدون تحریفات و تغییرات باشند - دارای عین عقیده‌ی توحیدی و یکتاپرستی بوده درحالی که شریعت و یا احکام عملی در ادیان آسمانی از هم متفاوت‌اند: خداوند می‌فرماید: (... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا... ) (المائدة / ۴۸)

**مضمون آیت:** (برای هریک از شما (پیغمبران - با در نظر داشت استعدادها و توانمندی پیروان تان) شریعت و منهج جداگانه‌یی ساختیم.)

به عبارت واضح‌تر این که از حضرت آدم علیه السلام پدر بشریت تا سید و آقای اولاد آدم حضرت رسول اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و الی یوم القیامه تمامی ایمانداران به الله (ج) ل جلاله و فرامینش ایمان داشته، ملک باشد یا پیغمبر - جن باشد یا انس - بالاخره اولیاً الله و دوستان پروردگار همه و همه بر عین عقیده‌ی خداپرستی و یکتاپرستی و بر راه مستقیم توحید پا برجا و ثابت قدم بوده و می‌باشند. و به این نکته نیز متوجه باید شد که واقعاً تمامی ادیان آسمانی در حقیقت اسلام بوده و به نام اسلام یاد گردیده‌اند. طوری که پیغمبران و اولیاً الله همیشه از خداوند خواسته‌اند تا از جمله‌ی مسلمانان باشند چنانچه قرآن کریم از اوشان حکایت می‌کند. (سوره‌ی بقره آیت ۱۲۸ مطالعه گردد.)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ... (البقرة / ۱۲۸)

**ترجمه:** (پروردگارا! ما و فرزندان ما را از جمله‌ی فرمانبران (مسلمانان) گردان.)

همچنان سوره آل عمران آیت ۵۲ مطالعه گردد که حواریون.<sup>۲</sup> و مخلصان عیسی (علی السلام) گفتند:

<sup>۲</sup> معنی حقیقی حواری لباس شوی بوده چه حواریون پیشه لباس شستن را داشتند.

... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۵۲)

**ترجمه:** مایان مددگاران راه خدا- به الله ایمان آورده‌ایم و گواه باش بر اینکه ما فرمانبردار و مسلمانیم. همچنین سوره حج آیه‌ی ۷۸ مطالعه گردد.

هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا (الحج/ ۷۸)

مضمون آیت: (الله شما را در کتابهای سابقه‌ی پیش از قرآن و نیز در قرآن فرمانبران (مسلمانان) نامید). به همین ترتیب آیات قرآنی همه- موضوع فوق را که عبارت از وحدت عقیده وی و هم‌آهنگی در ارکان ایمان و نیز عبارت از مسلمان بودن پیروان ادیان آسمانی قبل از تحریف است- تأیید و تأکید می‌دارد. توضیح این که: ملائیک، پیامبران، اولیا الله و غیره مؤمنان بدون جزئی‌ترین اختلاف- از عین عقیده‌ی صحیح و درست توحید و یکتاپرستی پیروی و متابعت نموده‌اند لذا هر ایمان‌داری که به الله (ج) لجلاله و پیغمبرانش ایمان داشته و به اوامر و نواهی خداوند متابعت و پیروی می‌نماید- به نام اسلام و یا مسلمان نامیده شده و می‌شوند چه دین حق و پذیرفته شده- نزد الله (ج) لجلاله همانا اسلام است و بس.

به سوره‌ی آل عمران آیت ۱۸ مراجعه گردد: **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...** (آل عمران/ ۱۸)

**ترجمه:** بدون شک و تردید یگانه دین پذیرفته شده نزد الله عبارت از اسلام است. بناءً تمامی ادیان سماوی که احکام آن بر پیغمبران پروردگار وحی و نازل گردیده است- اسلام و پیروان است. شایسته مسلمانان بوده و مسلمانان خوانده شده‌اند.

مذکورات همه ظاهر و آشکار است و نیازی به توضیح ندارد.

در اینجا بر مبنای قرآن و حدیث

و احادیث معتبره و روایات صحیحین آمده است که

الله است و پیغمبر

و تعریف آن است که هر کس که

و پیغمبر را بپذیرد و

و بگوید که لا اله الا الله

و که در روز قیامت

چیز از او بماند جز

آنچه با او است

و بعد از آن هر کس که

و در روز قیامت

یا کسی که گفته باشد

و در روز قیامت

تا به یوم القیامه

و در روز قیامت

باید که از او بماند

و در روز قیامت

و در روز قیامت

و در روز قیامت

و در روز قیامت

و در روز قیامت

و در روز قیامت

و در روز قیامت

## ارکان ایمان

در مورد ارکان ایمان علما سه نظر دارند

۱. جمهور محققین معتقد اند، که ایمان فقط یک رکن دارد و آن عبارت از تصدیق قلبی است، اقرار به زبان شرط ایمان، برای اجرای احکام در دنیا است، زیرا اقرار بر زبان علامت و دلیلی برای ایمان قلبی است، این نظریه ابومنصور ماتریدی است.
۲. برخی دیگر علماً را عقیده بر آن است که ایمان دارای دو رکن است و آن عبارت از اقرار به زبان و تصدیق به قلب است، این نظریه امام ابوحنیفه و فخرالاسلام بزدوی و امام سرخسی و ابوالحسن اشعری می‌باشد.
۳. بخش دیگر از علماً معتقد اند که ایمان دارای سه رکن است و آن عبارت از اقرار زبان، تصدیق قلب و عمل با ارکان (جوارح) است. این نظریه اکثر محدثین، فقها، امام شافعی، معتزله و خوارج است. با در نظر داشت این سخن که نزد معتزله ترک یک رکن از ارکان ایمان کفر است و نزد خوارج مرتکب گناه کبیره کافر شمرده می‌شود، اما محدثین، فقها و امام شافعی مرتکب گناه کبیره را کافر نمی‌دانند.

## انواع مؤمن به

هدف از انواع مؤمن به اشیای اند که بدون ایمان داشتن به آن انسان شرعاً مؤمن گفته نمی‌شود، به عبارت دیگر انواع مؤمن به بستگی به شاخص‌های دارند که در ایمان (حدیث ایمان) که در ایمان مفصل مورد بحث قرار گرفته اند که در (آمنت بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الاخر و القدر خیره و شره من الله تعالی و البعث بعدالموت) مذکور اند که به طور خلاصه عبارت اند از: ایمان به الله متعال، ایمان به ملائیکه، ایمان به کتابهای الله تعالی، ایمان به پیامبران علیهم السلام، ایمان به روز آخرت، ایمان به تقدیر خیر و شر (قضا و قدر) و ایمان به زنده شدن بعد از مرگ.

اینها نکاتی اند که شخص مکلف بدون عقیده و اقرار و ایمان به آنها شرعاً مسلمان گفته نمی‌شود.

## مناسبت میان ایمان و اسلام

در تناسب میان اسلام و ایمان و رابطه آنها با همدیگر علماً به دو دسته تقسیم شده اند: برخی علماً می‌گویند: که ایمان و اسلام دو لفظ متفاوت دارای مصداق واحد هستند، به عبارت دیگر ایمان و اسلام الفاظ مترادف اند که معنای شان یکی است چون اسلام عبارت از فرمان برداری و فروتنی در قبول احکام و اعتراف و اذعان به آنها است و ایمان هم چیزی جز این نیست پس اسلام و ایمان اگرچه از نظر مفهوم متفاوت اند؛ اما از حیثیت مصداق یکی هستند. چنانچه آیه مبارکه ذیل به آن دلالت دارد:

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ \* فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (الذاریات/۳۵-۳۶)

ما تمام مومنان را که در شهرهای قوم لوط زنده گی می‌کردند (قبل از نزول عذاب از شهرها) بیرون بردیم در آن مناطق جز یک خاندان مسلمان نیافتیم.



به این خاطر ایمان از کسی پذیرفته نیست که مومن باشد ولی مسلمان نباشد یا آن که مسلمان باشد مومن نباشد.

نظریه دوم در مورد ایمان و اسلام چنان است که: ایمان و اسلام از هم متغایر اند و تفاوت دارند، چنانچه الله متعال فرموده است:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (الحجرات/۱۴)

عرب های بادیه نشین گفتند: ایمان آوردیم، بگو شما ایمان نیاورده اید بلکه بگوئید: مسلمان و تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده ایم چرا که هنوز ایمان به دلهای تان راه نیافته است.  
در این آیه ایمان از اعراب بادیه نشین نفی و اسلام برای شان ثابت شده است، بنابراین ایمان و اسلام باهم متفاوت اند.

همچنان در حدیث مفصل (که به نام حدیث جبرئیل) مشهور است پیامبر صلی الله علیه وسلم فرق میان ایمان و اسلام را واضح ساخته است: (قال فاخبرني عن الاسلام فقال: أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن  
مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ  
اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا)؛<sup>۴</sup>

گفت: آگاه بساز من را از اسلام فرمود: اسلام آن است که گواهی بدهی براینکه نیست معبودی مگر الله و اینکه محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده اوست و نماز برپا بداری و زکات بدهی و رمضان را روزه بگیری و اگر خرج راه داشته باشی حج خانه الله متعال را ادا نمائی.

هنگامی که از ایمان، وی را سوال کرد فرمود: (الإِيمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى)؛<sup>۵</sup>

اینکه ایمان بیاوری به الله و فرشته گان و به کتب و پیامبران او و روز آخر و اندازه خیر و شر که همه از جانب اوست.

از این حدیث شریف برمی آید که ایمان و اسلام متفاوت اند، همچنان که از لحاظ لغت، اسلام به معنی تسلیم شدن ظاهری و انقیاد آشکار است که در اجرای احکام مدنظر است، ولی ایمان بیشتر به موضوع تصدیق قلبی، عقیده و اندیشه مربوط می شود.

اما این نزاع و اختلاف شکلی و ظاهری است؛ زیرا از حیث حقیقت ایمان و اسلام دو نام برای یک مسمی اند، هرگاه هردو یکجا ذکر شوند مفاهیم مختلف را افاده می کنند و هرگاه هریکی به تنهایی ذکر گردد مفهوم هردو را افاده می نماید.

<sup>۴</sup> السنن الكبرى أبو بكر أحمد بن علي البيهقي الهند ببلدة حيدر آباد الطبعة: الأولى . ۱۳۴۴هـ ج ۲ ص ۳۷۰.

<sup>۵</sup> السنن الكبرى أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي ببلدة حيدر آباد الطبعة: الأولى . ۱۳۴۴هـ ج ۲ ص ۷۴.

## نقش ایمان در بخش اجتماعی جامعه انسانی

انسان در هنگام زنده‌گی نمودن در جامعه یک سلسله از ضروریات‌ها و نیازمندی‌های اجتماعی دارد که عبارت‌اند از:

- نقش ایمان در استحکام روابط فامیل، اقارب و ارتباطات میان افراد جامعه نقش ایمان در تعلیم و تربیه چون مکتب، مدرسه، مسجد، پوهنتون و غیره.
- نقش ایمان در آرامش و امنیت.
- نقش ایمان در عدالت دولتی و امنیت جهانی.
- نقش دین مقدس اسلام را در زنده‌گی اجتماعی انسانی می‌توان در سه بخش اساسی مورد مطالعه قرار داد:

### نقش ایمان در بخش اجتماعی



### نقش ایمان در بخش روابط فامیلی و اجتماعی

دین مقدس اسلام برای همه‌ی اعضای فامیل، اقارب، همسایه‌گان و همشهریان قوانین را به اساس حقوق و امتیازات بیان داشته است که نتیجه‌ی آن همبستگی و روابط نیک میان اعضای خانواده، اقارب و همسایه‌گان و سایر شهروندان تأمین می‌گردد.

فامیل، اقارب و همسایه‌گان + حقوق و امتیازات ایمانی = همبستگی فامیل و روابط نیک نظام اجتماعی اسلام بهترین وسیله نجات جامعه بشری است، زیرا دین مقدس اسلام برای حفظ رابطه‌ها یک سلسله قوانینی دارد که می‌توان پیوند انسان را با خانواده، اقارب و سایر انسان‌ها به‌گونه توجیه نماید که در نتیجه خوشبختی و سعادت همه به صورت عادلانه تضمین گردد. در دین مقدس اسلام رابطه فرد با فرد و جامعه‌اش به اساس احترام و حقوق متقابل بیان شده است که نتیجه‌اش دوام و استمرار رابطه فامیلی خانواده‌گی می‌باشد؛ به گونه مثال:

<sup>۱</sup> عن أبي هريرة (رض) قَالَ جاء رجلٌ إلى رسول الله (ص) فقال يا رسول الله من أجق الناس بحسن صحابي قال أمك قال ثم من قال ثم أمك قال ثم أمك قال ثم من قال ثم أبوك و قال ابن شُرْمَة و يحي بن ايوب حدثنا أبو زرعة مثله



در قسمت مادر: در دین مقدس اسلام برای احترام مقام مادر آیات و احادیث بسیار زیادی بیان شده است. و در بعضی از روایات حضرت محمد (ص) برای بعضی از صحابه بیان داشته که خدمت مادرت را انجام ده که جنت زیر قدم‌هایش می باشد. به همین اساس دختران و پسران متدین، مادران خویش را نور چشمان خود دانسته، آنان را با نهایت درجه احترام می کنند، در هنگام مشکلات و مریضی شان، همیشه در خدمت آنان قرار داشته، و تا آخرین لحظات عمر خدمتگزارش می باشد. این احترام مادر از همان رهنمایی دین سرچشمه گرفته است.

حضرت ابی هریره (رض) روایت می کند که شخصی به نزد رسول الله (ص) آمده و گفت: ای رسول خدا! کی حق زیاد به معامله‌ی نیک من دارد؟

آنحضرت (ص) فرمود: مادرت

شخص گفت: بعد از آن

آن حضرت (ص) فرمود: مادرت

آن شخص گفت " بعد از آن

آن حضرت (ص) فرمود: مادرت

آن شخص گفت: بعد از آن

آن حضرت (ص) فرمود: پدرت

درین حدیث شریف پیامبر (ص) برای مسلمان می فهماند که نسبت به تمامی اشخاصی که او را در زنده‌گی ارزش می دهد و با ایشان دوستی می کند ترجم، رویه نیک، دلسوزی، صمیمیت و محبت بیشتر با مادرش داشته باشد، حتی در رابطه با پدر نیز مادر را بیشتر حق داده است.

در قسمت پدر "پدر نیز مانند مادر در میان فامیل دارای ارزش فراوان بوده و فرزندان شان مطابق ارشاد پیامبر (ص) که پدر را دروازه‌ی از دروازه‌های جنت معرفی نموده است.

حضرت ابی دردا (رض) می فرماید که از رسول (ص) شنیدم که می گفت: پدر وسط‌ترین دروازه‌های جنت است، هرگاه بخواهی این دروازه را از دست بده و یا هم آنرا حفظ نما.

قرآن عظیم الشان برای احترام بیشتر والدین تصریح نموده است که (ولا تقل لهما اف) برای والدین تان واژه (اف) را استعمال نکنید زیرا این کلمه به خسته‌گی و دل‌تنگی دلالت می کند که یک مسلمان نباید درمقابل والدین خویش چنین لفظ زشت را که سبب ناخشنودی آنان گردد استعمال نماید، و هرگاه دقیقاً متوجه شویم که از استعمال یک کلمه‌ی اف که به نزد بعضی‌ها ساده معلوم می شود نهی و ممانعت مطلق صورت گرفته است بناءً فکر کنید که برخورد هم زشت بیشتر ازین چقدر ناروا و زشت می باشد.

بناءً بالای هر مسلمان لازم است که در معامله با والدین نهایت درجه‌ی احترام را رعایت نماید.

در قسمت همسر: دین مقدس اسلام احترام و عزت نمودن به همسران را جزء اساسی برنامه‌های زنده‌گی یک مؤمن قرارداده است برای خانم‌ها و شوهران یک سلسله از اوامر و ارشاداتی است که باید آنرا مراعات

نمایند، و اساس زنده‌گی فامیلی بین خانم و شوهر را به اساس مودت و رحمت بیان داشته است.

احترام خانم را ویژه‌ی مردان دانسته است.

**(احسنکم خلقا احسنکم خلقا لاهله)**. بهترین شما از نگاه اخلاق، با اخلاق‌ترین شما با همسران شان

می‌باشد.

همچنان پیامبر<sup>(ص)</sup> همیشه مردم را به معامله نیک با خانم‌های شان وصیت می‌کردند: حضرت ابی هریره<sup>(رض)</sup> از نبی کریم<sup>(ص)</sup> روایت می‌کند که فرمودند:

هرکسی که به خداوند و روز آخرت ایمان دارد در هنگام حضور یابی در کدام کاری باید سخن خیر بگوید و یا هم خاموش باشد و همچنان در مورد خانم‌ها وصیت نمود.

امام نووی می‌گوید: منظور سخن پیامبر<sup>(ص)</sup>: **(و استوصوا بالنساء)** اینست که در آن تشویق مردان به ملایمت و نرمی با زنان و با آنان روش نیک نموده است.

حضرت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> عزت دادن خانم‌ها را ویژه‌ی مردان خداپرست دانسته و اهانت آنان را خاصیت زشت مردان پست دانسته است **(ما اکرم النساء الا کریم وما اهانن الا لئیم)** اطاعت شوهر را ویژه‌ی همسران مؤمن دانسته و با توجهات سالم و برای زنده‌گی انسان با احترام جانبین دوام این زنده‌گی را تضمین نموده است.

زنده‌گی و شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> بهترین الگو و نمونه برای تمام مردان مومن است که آنحضرت هیچگاهی در مقابل همسران خویش از خشونت و تندی کار نگرفته و درین مورد حدیث صریحی است که آن را یکتا از همسران پیامبر<sup>(ص)</sup> روایت کرده است:

حضرت بی بی عایشه<sup>(رض)</sup> روایت می‌کند که رسول الله<sup>(ص)</sup> هیچگاه خادمی و یا خانمی را لت و کوب ننموده است.

در قسمت دختر و خواهر: دین مقدس اسلام داشتن دختر و خواهر را رحمت الهی پنداشته و هرگاه کسی با خواهر و دختر اخلاق خوب نموده و در هنگام معامه با ایشان از خدا بترسد این روش وی سبب دخول وی به جنت می‌گردد حضرت ابی سعید خدری<sup>(رض)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup> روایت می‌کند که فرمود: هرگاه کسی سه دختر و یا خواهر داشته باشد و یا هم دو دختر یا خواهر داشته باشد و با ایشان روش انسانی نماید، و در معامله با ایشان از خدا بترسد جنت نصیبش می‌گردد.

با دانستن این حدیث شریف هر مسلمان حقیقی و آراسته به قرآن داشتن خواهر و دختر را افتخار دانسته و به خاطر رضایت الهی در روش خویش با آنان همین حدیث شریف را اساس قرار می‌دهد.

انس<sup>(رض)</sup> می‌فرماید که رسول<sup>(ص)</sup> فرمود: هرکسی که دو دختر را سرپرستی کند تا این که آنان به سن جوانی رسند. در روز قیامت و او با هم یکجا می‌باشیم انس می‌گوید: حضرت<sup>(ص)</sup> انگستان خود را با هم جمع نمود.

از این حدیث شریف ثابت می‌گردد که تربیه نمودن دو دختر و سرپرستی و مراقبت درست از آنان سبب

می شود که انسان در روز قیامت با رسول کریم (ص) نزدیک باشد. و هرگاه کسی در زیر بیرق پیامبر (ص) باشد و مانند دو انگشت با هم نزدیک باشند. تمامی مشکلات روز قیامت وی مرفوع خواهد بود. زیرا او پیروی حقیقی از رسول کریم (ص) نموده است.

در قسمت سایر اقارب همسایه‌ها و سایر مردم: دین مقدس اسلام برای استحکام روابط با اقارب صله‌ی رحم را یک اساس مهم قراردادده است.

به اساس ارشادات الهی کسی که صلهٔ رحم را قطع می‌کند خدای عزوجل رابطه‌اش را با وی قطع می‌نماید. در این مورد احادیث زیادی روایت گردیده است.

برای همسایه‌ها حقوقی را بیان داشته و کسانی را که همسایه‌های شان از شر شان در امان نیستند منحنیث یک شخص بی ایمان پنداشته است.

توجه به زنان بیوه، یتیمان فقراً و مساکین: یک مسلمان در روابطه اجتماعی‌اش نباید از حال دیگران بیخبر باشد بلکه بر وی لازم است تا با بیوه‌ها مسکینان فقراً و یتیمان همیشه همکار بوده و در اموال خویش سهمی برای آنان تخصیص دهد.

ابو هریره (رض) می‌فرماید که رسول الله (ص) فرمود کسی که سرپرستی زن بیوه و مسکین را نماید مانند کسی است که در راه خدا سعی و تلاش ورزیده و من فکر می‌کنم که مانند کسی باشد که همیشه نماز می‌خواند و هیچ نمی‌نشیند و یا هم مانند روزه داری است که هیچگاهی از روزه گرفتن دوری نمی‌کند.

سهل بن سعد (رض) می‌فرماید که رسول الله (ص) فرمود: من و کفالت کننده‌ی یتیم در جنت این چنین هستیم، به طرف دو انگشت خود اشاره نموده و در میان شان کمی فاصله گذاشت.

و به همین شکل، احترام بزرگسالان، شفقت با خوردان را جزء مهم اخلاق یک مؤمن دانسته است. و بدین سان دین مقدس اسلام توانسته است که روابط خانواده و اجتماع را به اساس قوانین اخلاقی تامین نماید.

برعکس کسانی که از هدایات الهی خود را محروم ساخته‌اند و راه گمراهی را اختیار نموده‌اند، به‌خوبی درک می‌کنند که روزانهٔ پیوند خانواده‌گی آنان متلاشی شده و با وجود داشتن وسایل خوب مادی و معیشتی به مشکلات روحی، خانواده‌گی مبتلا می‌باشد.

روزنامه‌ی ملی انیس در شماره (۶۵) چهارشنبه ۱۸ جوزای ۱۳۸۴ مطابق ۸ جون ۲۰۰۵ در صفحه پنجم خویش تحت عنوان پیرزن انگلیسی ثروتش را به سگ‌ها بخشید چنین نوشته است.

یک پیرزن پولدار انگلیسی در کمال ناباوری یک میلیون و دوصد هزار پوند از ثروت خود را به سگ‌ها واگذار کرد. به گزارش روزنامه‌ی (سان ماریون هی وود) از اهالی مانچستر باوجود داشتن وارث، به اراده و میل شخصی خود به بنیاد خیریه سگ‌ها مراجعه کرد و همه ثروت خود را به نام این بنیاد کرد تا در راه خدمت رسانی به سگ‌ها خرج کنند.

خانم (هی وود) نهایتاً در اثر نارسایی قبلی درگذشت و پس از مرگ وارث او که دو برادر و یک خواهر

بودند با مطلع شدن از اقدام او سخت شوکه و مبهوت شدند. خدمتگار پنجاه و سه ساله وی که (جولیا مورک تروید) نام دارد به روزنامه‌رسان گفته که او از خانواده‌هایش بیزار بود و تنها حیوانات خانواده او بودند.

صدها چراغ دارد و بیراهه می‌رود  
بگذار تا که افتد و بیند سزای خویش

در بخش مکتب، مدرسه و پوهنتون: در دین مقدس اسلام معلم، مکتب، وسائل تعلیمی، و شاگرد دارای ارزش بسیار عالی می‌باشند. نخستین آیت قرآن پیامبر اسلام را به خواندن و قرائت امر نمود. خداوند عزوجل به قلم و آنچه نوشته می‌شود قسم یاد نموده است تا ارزش قلم و نوشتن را به خوبی درک نمایند. قرآن عظیم‌الشان بیان می‌دارد که انسان عالم و جاهل نمی‌تواند مساوی باشند. در مورد منزلت علماً و دانشمندان، استادان و معلمان، محصلین و متعلمین و سائر طالب‌العلمان حضرت رسول کریم (ص) احادیث زیادی را بیان داشته است. که این حدیث شریف به منزله مشت نمونه خروار خلاصه‌ی تمامی آنها می‌باشد. حضرت کثیر بن قیس (رض) می‌فرماید که من همراهی ابی دردأ (رض) در مسجد دمشق نشسته بودم که شخصی به نزدش آمده و گفت ای ابا دردأ من از شهر رسول الله (ص) به نزد شما آمده‌ام و من کدام ضرورت دیگری ندارم، مگر آنکه از رسول الله (ص) شنیدم که فرمود.

هرگاه کسی راهی را برای تحصیل علم و دانش پیش گیرد الله (ج) برایش راهی از راه‌های جنت را باز می‌کند، فرشته‌ها بالهای شانرا برای رضایت از طلب‌کننده‌گان علم هموار می‌کنند، برای انسان عالم مخلوقات آسمانها و زمین و ماهی‌های درمیان آنها طلب مغفرت می‌نمایند. فضیلت عالم نسبت به فضیلت عابد مثل فضیلت مهتاب در شب چهاردهم نسبت به سایر کوکب‌ها می‌باشد.

علماً وارثین پیامبران هستند و پیامبران دینار و درهمی به میراث نه گذاشتند، بلکه علم را به میراث گذاشتند و هرگاه کسی از علم نصیبی گیرد نصیب بزرگی حاصل نموده است.

معلم پدر و یا مادر معنوی شاگردان بوده، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (رض) می‌فرماید که (من علمنی حرفنا فقد صیرنی عبدا)

یعنی: کسی که یک حرف مرا تعلیم دهد مرا غلام خود گردانیده.

به این اساس ارشادات دین مقدس اسلام شاگردان با استادان خویش رابطه اخلاقی داشته، آنان را مثل والدین خود فکر نموده با ایشان معامله انسانی می‌نمایند. به دروس خویش آماده‌گی گرفته و زمانی از خانه خارج می‌شوند بدین فکر می‌باشند که ما از نزد فرزندان خویش بیرون شده به نزد بقیه فرزندان و اولادهای خویش به داخل صنف می‌روم و با این احساس پدران و مادران در داخل صنف برخورد صمیمانه و دلسوزانه داشته همیشه کوشش می‌نماید تا یک دقیقه وقت شاگردان بیهوده صرف نشود و برای پیشرفت استعدادها و توانمندی آنان شب و روز تلاش می‌ورزند دروس آنان را با چنان شیرینی و زیبایی تقدیم می‌کند که در فهم درس

شاگردان هیچ مشکلی نداشته باشند.

بناءً این استاد با ایمان همیشه سعی و تلاش می‌ورزد تا دروس خود را برای آنان به شکل درست ترتیب و تقدیم نماید، مشکلات آنان را حل کند، و در صورت بروز اشتباً از شاگردانش همان معامله‌ی می‌کند که با او اولادهای خود می‌کند و هیچ وقتی عقده‌مند نمی‌شود، و همیشه معیار ارتباط میان استاد و شاگرد در دین مقدس اسلام به اساس ارتباطات معنوی است.

استاد با ایمان شب و روز در خدمت شاگردان خود بوده سوالات آنانرا با پیشانی گشاده پاسخ می‌دهد و هیچگاهی احساس خسته‌گی نمی‌کند. هرگاه برای شان در طول روز، بیرون از صنف سوالی پیدا شود در هر لحظه که خواسته باشند برای شان پاسخ می‌دهد، بیاد دارم استادان محترمی را که در هنگام محصل بودند برای ما نمرات تیلیفون شانرا می‌دادند تا در هنگام ضرورت‌های علمی با ایشان تماس گرفته حل مشکل نماییم.

استادان با ایمان هیچگاهی استفاده‌جویی ننموده وقت شاگردان را بی‌ارزش نمی‌دانند. بدون مراقبت اداره و مقامات عالی به دروس خویش حاضر می‌شوند. و یگانه مراقبت خویش خدای (ج) را می‌دانند و همچنان از سایر استفاده‌جویی‌های نادرست مثل رشوت و غیره که مرتکب آن به لعنت خدای عزوجل گرفتار می‌شوند اجتناب می‌ورزند.

در هنگام امتحانات نیز موقف شان خیلی‌ها دوستانه بوده هیچگاهی با آنان مانند یک دشمن، پنجه نرم نکرده و از سوالات تعجزی و اسالیب ضعیف‌کننده استفاده نمی‌کنند و با این روش خویش هم از دیدگاه علمی تیوریک و هم از دیدگاه عملی مانند یک دشمن برخورد نکرده بلکه روشش مثل روش با اولادهایش می‌باشد، پراکتیک برای شاگردان شان الگو و نمونه مثال می‌باشد.

برعکس آنانی که از مزایای ایمانی برخوردار نیستند معیار اساسی در نزد آنان مادیت است، و هر حرف خود را در مقابل مال و متاع محاسبه می‌کنند و شاگردان آنان نیز با آنان معامله تجاران و دکانداران را می‌کنند که در چنین حالات علم و دانش به عوض سعادت و خوشبختی و سعادت انسان، وسیله‌ی برای خواهشات فردی و شخصی استعمال شده و در نتیجه چنین اشخاص اگر اختراع و تولیدی هم داشته باشند به نفع بشریت نبوده همیشه به ضد انسانیت استعمال خواهد شد.

شاگردان با ایمان و با اخلاق ارزش‌های اخلاقی را در تعامل با استادان شان در نظر داشته، استادان خویش را مانند پدران شان احترام نموده، در استخدام الفاظ خویش آداب و اخلاق را مراعات می‌نمایند، همیشه از اموری که سبب رنجش استادان می‌گردد اجتناب می‌ورزند این شاگردان حرمت مکتب، مسجد، پوهنتون و هر مؤسسه علمی را دانسته، هدف شان را که طلب علم و دانش است درک نموده از حرکات بیجا مانند انسان‌های بی‌دانش دوری می‌کنند.

آنان تیلیفون و موبایل را وسایل رفع ضرورت‌های انسان دانسته؛ مانند: جوانان بد اخلاقی که در راه‌ها و کوچه‌ها موسیقی‌های مبتذل را از طریق موبایل می‌شنوند و سبب اذیت دیگران می‌شوند ازین وسایل استفاده

منفی نمی‌کنند.

جوانان با ایمان و با اخلاق به اساس تربیه فامیلی عالی هیچ گاهی موسسات تحصیلی و تعلیمی را مانند تفریحگاه‌ها فکر نکرده از پوشیدن لباس‌های مبتذل خودداری می‌کنند. همچنان در هنگام دیدن نامحرمان خواهر و مادر خود را در نظر داشته با هیچ کسی معامله‌ی زشت نمی‌کنند.

### در داخل مکتب، پوهنتون و موسسه‌ی تحصیلی

جوانان شخصیت خویش را از طریق علم و دانش، گرفتن نمرات عالی مراعات اخلاقی، احترام به همه کارمندان و مسؤولین پوهنتون نشان می‌دهند و به این طریق همه به آینده‌ی خوب این جوانان امیدوار می‌شوند زیرا تنها جوانان با اخلاق و با دانش‌اند که می‌توانند در آینده مصدر خدمت به مردم، جامعه و دین مقدس اسلام گردند.

### در بخش قانون و دولت

نقش ایمان در ساختار قانونی و دولتی یک کشور به اساس مساوات میان اقشار و افراد جامعه می‌باشد. قانون الهی در نخستین مرحله انسان را من حیث یک مخلوق با ارزش کرامت داده است (ولقد کرمنا بنی آدم). این کرامت انسانی بدون در نظر داشت اختلافات قومی، نژادی، زبانی، قبیله‌ی و جنسی در نظر گرفته شده است. و از دیدگاه اسلام برتریت انسان‌ها به اساس تقوا و خیر رسانی به دیگران می‌باشد. اساسی‌ترین بخش قانونی نظام اسلام در مراعات عدالت است، زیرا قانونی که انسانها را کرامت دهد، سپس معیار برتریت را به اساس تقوا اقرار نماید و دولت به تطبیق عدالت حکم نماید سبب امنیت و آرامش در جامعه می‌گردد.

قانون + عدالت = امنیت

امروز چرا در کشور ما امنیت نیست؟ علتش کمبود عدالت است، پولداران به خاطر تطبیق نظام کاپیتالیستی به عوض نظام اقتصاد اسلام روز بروز پولدار و فربه می‌شوند و فقراً و مردم ناتوان روز بروز فقیرتر و ضعیف‌تر می‌شوند و هرگاه این نظام با همین سیستم دوران نماید روزی شود که فرزندان فقراً و مساکین حتی از بهره‌ی علم و دانش، کار و وظیفه نیز محروم گردند. در کشور هندوستان که ۵۲ میلیون دارند کسانی هم هستند که در کثافت‌دانی‌ها قطار بسته منتظر پس خورده‌ی هوتل‌ها می‌باشند.

## در جهان چرا امنیت نیست؟

برای این که در جهان نیز عدالت نیست، خطرناکترین دشمن بشریت که نظام اسرائیلی صهیونیست است، و تروریسم دولتی را همیشه تطبیق نموده توسط کشورهای ابرقدرت حمایت می‌گردد، این کشور تروریستی حق دارد که سلاح‌های اتمی بسازد، ولی بسیاری از کشورهای دیگر حق ندارند حتی از انرژی اتمی به شکل مسالمت‌آمیز آن استفاده کنند.



## سوالات فصل دوم:

### الف: سوالات تشریحی:

۱. تعریف اسلام که در حدیث جبریل ذکر گردیده تحریر دارید.
۲. اسلام عبارت است از جواب های صحیح و حقیقی در برابر سه سوال آن سوالات را تحریر دارید.
۳. در مورد فرق بین ایمان و اسلام معلومات خود را تحریر دارید.
۴. در مورد وحدت عقیدوی در ادیان سماوی معلومات خود را بنویسید.

### ب: سوالات صحیح و غلط: سوالات صحیح را (ص) و غلط (غ) نشانی نمایید:

- ۱- اسلام بدون ایمان و ایمان بدون اسلام ممکن نیست.
- ۲- ارکان اسلام عبارت اند: عمل صالح و ایمان به ملائکه ها
- ۳- ایمان نزد جمهور علما، سه رکن دارد ۱- اقرار به زبان ۲- تصدیق قلبی ۳- عمل
- ۴- جمهور محققین به این نظر است که ایمان پنج رکن دارد.

### ج: سوالات خانه خالی: ترجمه آیت های متبرکه را تحریر دارید.

۱. ان الدین عندالله الاسلام. ایه ۱۸ سوره ال عمران (.....)
۲. (ومن یتبع غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه وهو فی الاخرة من الخاسرین) ایه ۸۵ سوره ال عمران (.....)



## فصل سوم

# جهان بینی اسلامی

### اهداف آموزشی فصل

- کسب دانش پیرامون جهان بینی اسلامی
- کسب دانش درمورد خط فکری در جهان بینی اسلامی
- کسب دانش درمورد موضوعات جهان بینی اسلامی

### مقدمه

در این فصل تعریف جهان بینی، تعریف جهان بینی اسلامی، خط فکری در جهان بینی اسلامی و موضوعات آن بحث می شود همچنان ویژگی و برتری جهان بینی اسلامی بر سایر جهان بینی ها معلومات ارایه خواهد شد. جهان بینی اسلامی منحیث یک جهان بینی کامل، تمامی بخش های حیات انسان را در نظر داشته و برای رسیدن به حقیقت ها از تمامی وسایل استفاده می نماید.

به این اساس می توان جهان بینی اسلامی را چنین تعریف نمود:

تعریف جهان بینی اسلامی: جهان بینی اسلامی عبارت از بینش یک مسلمان در مورد جهان هستی استفاده از حس، عقل و روح الهی می باشد.

برتری جهان بینی اسلامی: جهان بینی اسلامی دارای یک سلسله برتری های می باشد که آنرا می توان قرار ذیل بیان داشت.

**الف:** جهان بینی اسلامی تمام بخش های معرفت انسان را شامل بده، حس، عقل و وحی را برای رسیدن به حقیقت ها وسیله خویش می سازد.

در این جهان بینی اسلامی تمامی دروازه ها بر روی انسان باز است که انسان می تواند از هر کدام به اندازه بی توانائی اش استفاده نماید.

**ب:** این جهان بینی تمامی تشنه گی های انسان را با تقدیم دلایل قوی مرفوع می سازد و انسان را در نیمه راه نگذاشته، بلکه برای درک لامحدود وسایلی را می دهد که انسان از دایره محدودیت عقلی خارج شده به واقعیت وحی که لامحدود ها را نیز بیان می دارد، تمسک نموده است.

**ج:** در این جهان بینی اسلامی به حس، علم و عقل احترام زیادی گذاشته شده است که انسان مؤمن می تواند از طریق حس، علم و عقل خویش بسیاری از حقیقت ها را کشف نماید.

**د:** در جهان بینی اسلامی برای هر پدیده حسی، علمی و عقلی حد و مرزی بیان شده است که افراط و

تفریط را از بین می برد.

بناءً جهان بینی اسلامی خطر فکری مشخص در شناخت حقیقت‌ها و رسیدن به وجود الله عزوجل دارد.

### خط فکری در جهان بینی اسلامی

در جهان بینی اسلامی برای انسان خط فکری داده شده است که در آن سه عنصر اساسی وجود دارد:



**الف:** نقش ماده (حس) در جهان بینی اسلامی: دین مقدس اسلام ماده را منحیث وسیله نزدیک ساختن انسان به حقیقت‌ها می‌پذیرد و آیات متعدد و اقعیت‌های طبیعت را بیان می‌کند این جهان بینی طبیعت و مردمان و سایر جهان مادی را مانند (قرآن مشاهده) بیان داشته، و استفاده از آنرا برای هر مؤمنی پیشنهاد نموده است.

ولی جهان بینی اسلامی به قصور و ظرفیت ناچیز حس باور داشته، در هنگام عاجزی حس از درک حقیقت‌ها به عقل نیز رجوع می‌نماید.

**ب:** نقش عقل (اندیشه) در جهان بینی اسلامی: - جهان بینی اسلامی عقل را بزرگترین ثروت انسان دانسته، و انسان را به خاطر داشتن همین ثروت نسبت به حیوانات برتری داده است.

خطاب‌های (أَفَلَا تَعْقِلُونَ)، (أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ)، (أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ) را همیشه برای پیروان خویش بیان داشته تا از معقولیت، تفکیر، تدبیر و اندیشه استفاده نموده، برای رسیدن به بسیاری از حقیقت‌ها که عقل یاور انسان است ازین ثروت استفاده نماید.

ولی این جهان بینی می‌داند که عقل انسان به اساس گفته امام شافعی رحمت الله علیه دارای یک حد و مرزی است که بالآخره وظیفه اش در همینجا ختم شده، نمی‌تواند از حد لازم پیش رود، بناءً عنصر دیگری را پیشنهاد می‌کند که آن عنصر وحی است.

انسان مؤمن همیشه حقیقت‌ها را به شکل دقیق آن مورد مطالعه قرار داده و ایمان خویش را نیز مطابق آن عیار می‌سازد.

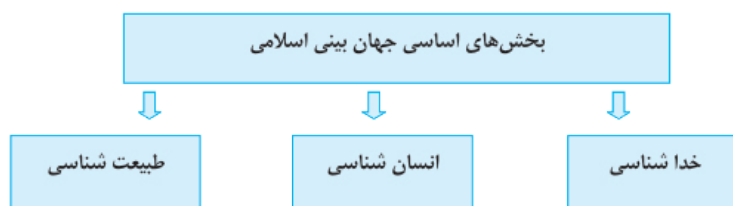
**ج:** نقش وحی در جهان بینی اسلامی: - بزرگترین برتریت جهان بینی اسلامی در استفاده از نعمت وحی

الهی می‌باشد زیرا در بسا از جهان بینی‌ها تنها حس و یا هم تجربه‌های حسی، عقل و ادراکات عقلی زیربناء بوده که پیروان و اندیشمندان آنرا در نیمه راه گذاشته و در بسا امور که حس و عقل از درک آن عاجز می‌ماند، یا کاملاً به بیراهه رفته راه افکار را اختیار می‌کنند و یا اینکه با تصورات عجیب و غریب نظریه پردازی می‌کنند.

اما جهان بینی اسلامی راه اندیشه و عقیده را تکمیل نموده بعد از اینکه از داشته‌های حسی، علمی و تجربوی خویش استفاده نمود عقل را نیز در نظر داشته از داشته‌های عقلی برای درک بسیاری از حقایق استفاده می‌کند، و هنگامی که حس و عقل از دانستن بعضی از حقیقت‌ها (به خصوص حقیقت‌های غیبی) عاجز ماندند به وحی الهی رجوع نموده مسیر خویش را کامل می‌سازد.

### موضوعات جهان بینی اسلامی

جهان بینی اسلامی شامل سه بخش اساسی ذیل است



**سوالات فصل سوم:****الف: سوالات تشریحی:**

- ۱- جهان‌بینی اسلامی را تعریف نماید.
  - ۲- درمورد خط فکری در جهان‌بینی اسلامی معلومات خود را تحریر دارید.
  - ۳- ویژگی جهان‌بینی اسلامی را مختصراً تحریر دارید.
  - ۴- رول وحی در جهان‌بینی اسلامی چی است واضح نمایید.
- ب: سوالات صحیح و غلط:** سوالات صحیح را با (ص) و غلط را (غ) نشانی نمایید.
۱. جهان‌بینی اسلامی از دو موضوع بحث می‌کند: ۱- خالق شناسی ۲- طبیعت شناسی
  ۲. در جهان‌بینی اسلامی عقل هیچ رول ندارد.
  ۳. یکی از برتریت جهان‌بینی اسلامی نقش وحی الهی در آن می‌باشد.
  ۴. یکی از موضوعات که در جهان‌بینی اسلامی بحث می‌شود انسان شناسی است.

**ج: سوالات خانه خالی:**

- ۱- بزرگترین برتریت جهان‌بینی اسلامی در استفاده از نعمت..... می‌باشد.
- ۲- جهان‌بینی اسلامی عقل را.....انسان دانسته.

## فصل چهارم

### خالق شناسی

#### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش پیرامون توحید و خالق شناسی
- کسب دانش در مورد دلایل عقلی و نقلی بر وجود خالق
- کسب دانش در مورد اقسام توحید و اقسام شرک
- کسب دانش در مورد آثار ار زنده توحید در زندگی و اضرار و مفسد شرک
- کسب دانش در مورد راهها و منافذ شرک و تاریخچه مختصر شرک و بت پرستی

#### مقدمه

در این فصل در مورد موضوعات: دلایل عقلی و نقلی بر وجود الله(ج) توحید و اقسام آن، شرک و اقسام آن، آثار ارزنده توحید در زندگی، عناصر توحید، مفسد و اضرار شرک، تاریخچه مختصر شرک و بت پرستی، راهها و منافذ شرک بحث خواهد شد.

جهان بینی اسلامی که اساس آن را قرآن عظیم الشان تشکیل می دهد، به وجود خالق ایمان دارد که این جهان را با قدرت خود خلق نموده است.

در جهان بینی اسلامی چیزی به نام تصادف وجود ندارد، زیرا انسان با عقل خود می داند که هیچ چیزی نمی تواند در جهان تصادفی باشد.

قرآن کریم، عقل انسان، ساینس و تکنالوژی، علما و دانشمندان رشته های مختلف علوم معاصر به وجود خالق باور دارد.

#### شهادت قرآن عظیم الشان به وجود خالق

قرآن عظیم الشان که آخرین کتاب الهی است برای هدایت انسانها نازل شده است، از این که هدف این کتاب بزرگ الهی ایمان، قناعت، رهنمائی رهیابی، و سعادت بشر می باشد، با اینکه قرآن عظیم الشان کلام پروردگار عالمیان است ولی از اینکه این کتاب برای رهنمائی بشریت نازل گردیده است.

بناءً دلایل آن با موافقت با عقل انسان دارد، و از اینکه عقل یک نعمت الهی برای انسان است، بناءً استفاده از آن را حکمت بزرگ بیان داشته.

قرآن کریم برای انسان دلیل می دهد که زمین، آسمان ها، خلقت انسان ها، خلقت تمام مخلوقات دلیلی اندکی خالق متعال آنان را خلق نموده است چنانچه الله (ج) می فرماید:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (البقرة/۱۶۴)

**ترجمه:** یقیناً که در خلقت آسمان ها و زمین و در پی یک دیگر آمدن شب و روز و کشتی هایی که در بحر در حرکت اند، با آنچه مردم از آن منفعت می گیرند، و همچنین آبی که الله (ج) از آسمان فرو فرستاده و به آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هرگونه جنبنده ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن باها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می اندیشند واقعاً نشان های وجود دارد. به همین گونه آیات زیادی در قرآن کریم است که ثابت می کند که هر مخلوقی دلیلی امت به وجود خالق واحد و لاشریک ولی متأسفانه کسانی که عقل خود را انکار می کند از نشانه های قدرت الهی منکر می گردند.

### شهادت عقل به وجود خالق

از دیدگاه عقل جهان بزرگ (طبیعت) و جهان کوچک (وجود انسان) خالق دارند که همه را با علم و قدرتش خلق نموده است.

زمانی از یک صحرائین پرسیده شد که شما به کدام دلیل به وجود خالق ایمان و اعتراف نموده اید؟ وی با داشتن معقولیت با همان دلایل عصر خویش بیان داشت که زمانی من به صحرا می روم با مجرد دیدن آثار قدم ها متیقن می گردم که شخصی ازین راه عبور نموده است و زمانی هم فضلات خشکیده شتران را می بینیم بدون شک یقین می نمایم که از این صحرا شترانی عبور نموده اند، و روی همین دلیل زمانی هم به آسمان ها و زمین می بینم بدون شک بدین یقین می شوم که همان کسانی که اثر قدیمی در روی صحرا ممکن نیست تصادفی باشد و یا هم موجودیت فضلات شتران به صورت تصادفی در صحرا پیدا شده باشد موجودیت این همه مخلوقات نیز ممکن نیست تصادفی باشد بلکه او را خالق است که به وجود آن مطابق دلایل عقل ایمان دارم.

### توحید

**توحید در لغت:** توحید مصدر است که به معنای یگانه دانستن یا کسی را به یگانه گی پنداشتن می باشد.  
**توحید در اصطلاح:** یگانه دانستن الله (ج) در الوهیت و ربوبیت؛ و اینکه او دارای اسماً نیک و صفات رفیع می باشد.

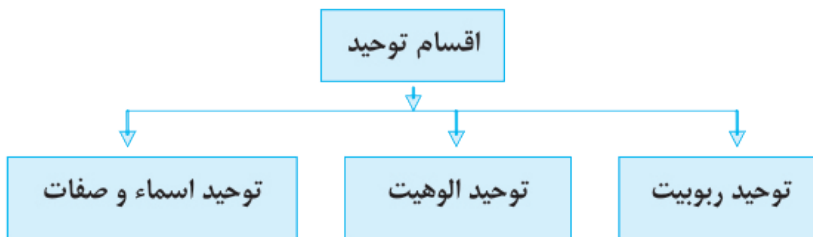
**حکم فراگیر توحید:** فراگیری توحید بر هر مرد و زن مسلمان فرض عین می باشد، خداوند (ج) می فرماید:

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (محمد/۱۹)

بدان که قطع هیچ معبودی جز خداوند (ج) وجود ندارد برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه، خدا از حرکات سکنتات شما کاملاً آگاه است.

### اقسام توحید

به اساس ارشادات قرآنی و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم توحید به اقسام مختلف تقسیم بندی که در این صفحات بخشی پیرامون اقسام توحید داریم.



**توحید ربوبیت:** ربوبیت مصدر فعل رب می باشد و از همین مصدر کلمه (رب) گرفته شده است، در زبان عربی (رب) به معنای مالک، مصلح، تربیه کننده و کسی که از او اطاعت می شود، می باشد.<sup>۲۵</sup>

**ربوبیت:** ایمان داشتن به یگانه گی الله (ج) در افعالش می باشد. مثل خلق نمودن رزق و روزی دادن، تدبیر امور، احیاء زنده گی (زنده نمودن) و میراندن و غیره منظور اینست که انسان مؤمن افعالی را که مربوط به الله (ج) می باشد شناخته و کسی را در افعال وی شریک نکند.

مشرکان و یهود و نصاری و مجوس به توحید ربوبیت اقرار نموده و غیر از دهریون در گذشته و (کمونستان) در زمان کنونی کسی آن را انکار نکرده، و این توحید انسان را به دین اسلام داخل نموده و باعث عصمت خون و مال و نجات او در آخرت از آتش جهنم نمی گردد مگر این که با آن توحید الوهیت را در دل خویش استوار نماید و این توحید در فطرت انسان ریشه دارد.

**توحید الوهیت:** الوهیت در لغت از کلمه (اله) گرفته شده که به معنی معبود می باشد و الوهیت به معنی عبادت است.

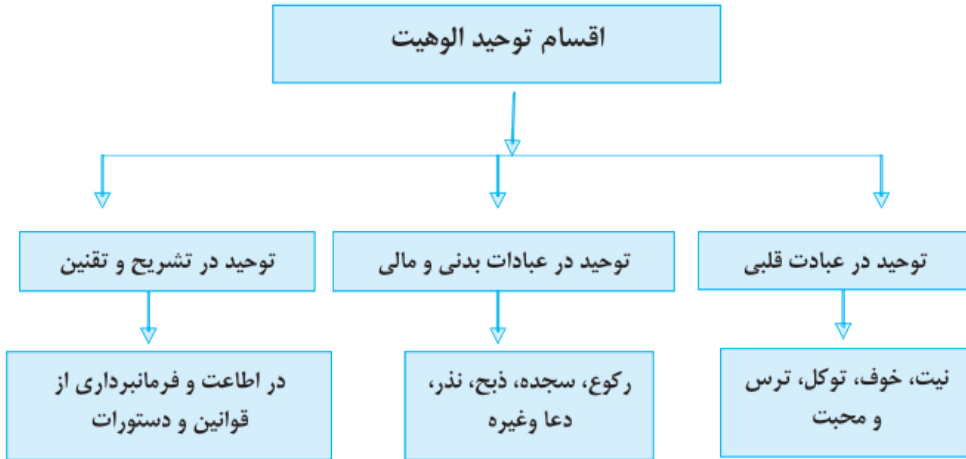
**توحید الوهیت در اصطلاح:** عقیده نمودن به یگانه گی الله (ج) به تمامی انواع عبادات است یعنی هرآنچه عبادات نامیده می شود، فقط به الله (ج) به نام الله (ج) و در مقابل الله (ج) انجام داده شود.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۵</sup> الاسلام عقیده و شریعه دارالشرق ط ۱۰، ۱۹۸۰، ص ۱۸

<sup>۲۶</sup> الاسلام عقیده و شریعه دارالشرق ط ۱۰، ۱۹۸۰، ص ۱۸

## اقسام توحید الوهیت

به اساس هدایت قرآنی و احادیث نبوی (ص) توحید الوهیت به سه (۳) دسته تقسیم شده است:



## شرح اقسام توحید الوهیت

یکی از مشکلاتی که انسان‌های یکتاپرست به آن مواجه می‌شوند. ندانستن اقسام عبادات است زیرا بسیاری از مردم فکر می‌کنند که عبادت عبارت از نماز، روزه، حج و زکات می‌باشد. بناءً این عبادات را فقط به الله (ج) انجام می‌دهند، و مشکل امت‌های قبلی که از دایره توحید خارج شدند، همین بود، زیرا آنان تقسیم درست عبادات را فراموش نموده؛ مثلاً: از مخلوقات بیشتر از خالق می‌ترسیدند ولی برعکس ترس باید فقط از خالق باشد و یا محبت بیشتر نسبت به مخلوق داشتند، بعضی از آنان دست دعا به بارگاه مخلوق بلند می‌کردند، و یا هم نذر و قربانی خود به نام‌های شخصیت‌های خوب آن زمان مثل لات، منات، عزای تقدیم نمودند، ولی از دیدگاه قرآن و سنت، عبادات منحصر به این بناءً‌ها نمی‌باشد، درین بحث پیرامون اقسام عبادت مختصراً صحبت می‌کنیم، تا با دانستن این حقیقت‌ها عبادات خود را فقط به الله (ع) انجام دهیم.

(۱) توحید در عبادات قلبی: نخست انسان یکتاپرستی تمام عبادات، مثل: نیت، خوف، توکل، ترس و محبت.

(۲) توحید در عبادات بدنی و مالی: مثل: رکوع، سجده، ذبح، نذر، دعا وغیره.

(۳) توحید در تشریح و تقنین: (در اطاعت و فرمانبرداری از قوانین) مثل تسلیم شدن و تطبیق نمودن قانون الهی.

از جمله اعتقاد به توحید الوهیت اعتقاد به این که تنها الله (ع) دارای صلاحیت تحلیل و تحریم است، می‌باشد. زیرا پذیرش قانون غیر، در حقیقت معبود قرار دادن آن است بناءً کسانی که به علما و امرای خود حق می‌دهند که برای شان حلال و حرام تعیین نمایند در حقیقت آنان را معبود خود قرارداده اند خداوند (ع) در مورد این گروه مردم می‌فرماید:



اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (التوبة/۳۱)

**ترجمه:** اینان (یهود و نصاری) دانشمندان و راهبان خود را به جز الله به خدایی گرفتند [زیرا آنچه را که دانشمندان و راهبان شان برای شان حلال می کردند حلال می شمردند و آنچه را که بر آنان حرام می ساختند حرام می شمردند و در امر و نهی هایی که با احکام الله<sup>(ع)</sup> مخالف بود، از آنان اطاعت می کردند. بدین گونه بود که آنچه را در کتابهای حق تعالی بود، نسخ کرده و از اعتبار ساقط کردند پس در حقیقت، به منزله کسانی شدند که برای خویش خدایانی غیر از خدایی یگانه گرفتند زیرا از علما و راهبان شان چنان اطاعت کردند که از خداوند اطاعت می شود] و [همچنان نصاری] مسیح ع پسر مریم را [به خدایی گرفتند و او را معبود خویش قرار دهند. این تعبیر اشاره به آن دارد که یهود نیز «عزیر» را معبود خویش گرفتند. امروز در کشورهای اسلامی نیز بسیاری از احزاب و موسسات و بسیاری از رهبران و حاکمان نقش معبود را در جامعه ایفا می کنند و خود را برای مردم به منزله بت قرارداده اند.] با این که مامور نبودند جز این که خدای یگانه را بپرستند.

### توحید اسما و صفات

توحید اسما و صفات عبارت است از: یگانه شمردن خداوند (ج) به آنچه که خود را در کتاب و سنت به آن وصف نموده باشد، یعنی بدون تحریف تعطیل، تکلیف و تمثیل هر آنچه که او اثبات کرده باشد، اثبات نمائیم. بناءً گفته می توانیم که توحید اسما و صفات عبارت است از:

۱. اثبات نامها و صفاتی است که الله (ج) و رسول ص آن را برای الله (ج) بیان داشته اند.
۲. نفی هر نام و صفتی است که در قرآن کریم و احادیث صحیح ذکر نشده باشد.
۳. اقرار به معانی این نامها و صفات.
۴. ایمان داشتن به تقاضاهای این نامها و صفات.

### شروط توحید اسما و صفات

در توحید اسما و صفات شرط است که نامها و صفات الهی را بدون تحریف، تعطیل، تکلیف، تمثیل ایمان داشته باشیم.

**تحریف:** تغییر چیزی از حالت اصلی آن می باشد و به دو قسم است.

۱. **تحریف لفظی:** زیادت و نقصان در حروف و حرکات یک کلمه می باشد؛ مثل: تغییر کلمه استوای به استوی در آیات شریف:

۲. الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (طه/۵)

۳. **تحریف معنوی:** تغییر معنی کلمه به معنای دیگری، مثل تفسیر معنای ید به معنی قوت و نعمت

**تعطیل:** نفی کی معنی یک صفت است بدون تبدیلی آن به معنی دیگری.

**تکیف:** بیان کیفیت صفات می‌باشد؛ مثلاً: بعضی منحرفین کیفیت صفات ید و استوی را تشریح و توضیح می‌کنند.

تمثیل: صفات خالق را مثل مخلوق ندانیم و تشبیه نکنیم چنانچه خداوند (ج) می‌فرماید:

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ... (النحل/۷۴)

**تقاضای توحید اسما و صفات:** توحید اسما و صفات تقاضا می‌کند که سه اصل اساسی را در نام‌ها و صفات الهی را مراعات کنیم.

**اصل اول:** جلال و عظمت خالق را در صفاتش در نظر داشته باشیم بناءً هیچ صفات خالق را ناقص ندانسته صفات خالق را با مخلوق تشبیه نکنیم چنانچه الله (ج) می‌فرماید:

... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (الشوری/۱۱)

و صفات مخلوق را مثل صفات خالق عقیده نکنیم زیرا صفات خالق صفات کامل، بدون نقصان و غیرمحتاج به چیزی می‌باشند، اما در صفات مخلوق صفات ناقص، محتاج به وسایل و غیرکامل می‌باشند.

**اصل دوم:** در نام‌ها و صفات الهی توقف نموده، فقط آنچه را که در قرآن و سنت صحیح ثابت است، عقیده کنیم، و از نام‌ها و صفات که ثابت نیستند خودداری کنیم.

**اصل سوم:** در فهم کیفیت این صفات زیاد دقیق نشویم، زیرا دانستن کیفیت صفات خالق از توان مخلوقات خارج است و تحقیق در آنچه فوق توانایی باشد سبب گمراهی می‌گردد. چنانچه خداوند (ج) می‌فرماید:

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ... (الانعام/۱۰۳)

ما در عالم اسباب زنده‌گی می‌کنیم و کیفیت هرچیزی را با مقایسه به عالم اسباب مطالعه می‌کنیم، درحالی که صفات خالق مافوق عالم اسباب است. بعضی از صفات مخلوق از نگاه لفظی مانند صفات خالق اند، ولی از نگاه معنی و کیفیت باهم کاملاً فرق دارند، خالق مهربان است و مخلوق هم می‌تواند مهربان باشد لکن فرق بین مهربانی خالق و مخلوق بسیار زیاد است.

**علت گمراهی در توحید:** در اینجا سوال مطرح می‌شود که بسیاری از کسانی هستند که ادعا دارند که موحد (یکتاپرست) هستند، ولی هرگاه عقیده‌ی آنان با قرآن عظیم‌الشان مقایسه گردد، مطابق آیات قرآنی موحد گفته نمی‌شوند، علت چیست؟

پاسخ این سوال را می‌توان درین نقاط بیان کرد:

- ۱) عدم توجه به آیات قرآنی که توحید و شرک را توضیح می‌کند.<sup>۲۷</sup>
- ۲) عدم توجه به قصه‌های قرآنی که صفات موحدین و مشرکین را بیان داشته است.
- ۳) مقدم قراردادن عقل نسبت به قرآن و اعتماد به آن بیشتر از توانایی درحالی که یک مسلمان باید عقل خود را اساس قرار ندهد، بلکه قرآن را اساس قرار داده، از عقل خود در فهم آیات قرآنی استفاده کند.

<sup>27</sup> در مورد آیات چون (ایک نعبد)، (ایک نستعین) و (لیس کمثله شی) درست نه اندیشیدن و مفهوم آنرا درست درک نمودن.

- ۴) اعتماد به قصه ها و روایات دروغین که مخالف آیات صریح قرآن و احادیث صحیحه می باشد.
- ۵) اعتماد به احادیث ضعیف و موضوعی، احادیثی که در کتب حدیث بیان شده است که این حدیث به دروغ و یا به شکل غلط به پیامبر نسبت داده شده است.
- ۶) متأثر شدن از فرهنگ و عادات نادرست جامعه
- ۷) مخلوقی را اضافه از حد عظمت دادن صفاتی را به او نسبت دادن که از صفات مخلوق نمی باشد و حتی عبادتی را به مخلوق انجام دادن.
- ۸) ثنا گفتن به پیامبران و شخصیت ها به شکل افراطی.

### اهمیت و مکانات توحید در اسلام

- معنی کلمه توحید اعتقاد- باور- تصدیق- اقرار و اعتراف بر این که معبودی برحق ذاتی است که لایق و سزاوار عبادت است و لازمه این اقرار باید در افعال سلوک و زبان ظاهر و آشکار گردد. پس اقرار به توحید ربوبیت مستلزم توحید الوهیت است و این توحید دین همه انبیا (ع) بوده و بخاطر همین مقصد برای رهنمایی انسان ها فرستاده شده اند. طوری که الله تعالی در قرآن کریم می فرماید:
- وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (النحل / ۳۶)
- ترجمه: هر آئینه فرستادیم در هر گروه رسول که عبادت کنید الله را و اجتناب کنید از طاغوت.

### عناصر توحید

- ۱- اخلاص و بندگی
- ۲- انکار از طاغوت
- ۳- پرهیز از شرک

**عنصر اول: اخلاص و بندگی تنها برای الله تعالی است.** طوری که می فرماید:

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ أْبْعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ... (الانعام / ۱۶۴)

ترجمه: بگو آیا غیر از الله پروردگاری دیگری را طلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است.

### عنصر دوم: انکار از طاغوت

انکار از همه طاغوت و بیزاری از آنانی که طاغوت را پرستش کردند و به آنان دوستی بستند چنانچه می فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (النحل / ۳۶)

ترجمه: هر آئینه فرستادیم در هر امت رسول که عبادت کنند الله را و اجتناب ورزند از طاغوت.

### عنصر سوم: پرهیز از شرک

پرهیز از همه اقسام شرک و بند ساختن راه‌های شرک که انسان را به سوی شرک می‌کشاند چنانچه الله تعالی در قرانکریم می‌فرماید: ترجمه (پس هر که امید دارد ملاقات پروردگار خویش را باید بکند کاری پسندیده و شریک نسازد در عبادت پروردگار خود هیچ کسی را.)

### آثار ارزنده توحید در زنده‌گی

- ۱- آزادی حقیقی انسان
- ۲- تکوین شخصیت متعادل
- ۳- سبب آرامش نفس
- ۴- اساس برادری و برابری

### ۱- توحید سبب آزادی انسان

توحید در حقیقت رهایی بخشی انسان از بندگی است جز بندگی پروردگاری که انسان را در بهترین صورت آفریده و عقلش را از خرافات و اوهام رهایی بخشیده و ضمیرش را از ذلت و تسلیم به غیرالله رها کرده و زندگیش را از تسلط فرعونیان و طاغوت زمان و خدایان دروغین آزادی بخشیده. از همینجا است که رهبران مشرک و طاغوت زمان جاهلیت در برابر دعوت همه انبیا به ویژه در برابر دعوت پیامبر اسلام محمد (ص) به مقاومت برخاستند، زیرا که آنها می‌دانستند که (لا اله الا الله) به مفهوم اعلان عمومی رهایی بشریت و اعلان سرنگونی همه جابران و طاغوتیان است و این گواهی قامت مومنان را چنین استوار می‌گرداند که جز در برابر پروردگار عالمیان در برابر هیچ هستی دیگری سرخم نمی‌کنند.

### ۲- توحید سبب تکوین شخصیت متعادل

توحید در تکوین شخصیت متعادل که هدفش در زندگی از دیگران متمایز است کمک می‌کند. انسان یکتا پرست یک الله دارد که در پنهان و خلوت ظاهر و آشکار به او روی آورده در حالات دشوار و آسان او را فرا می‌خواند. برخلاف آنان که قلب شان به خدایان متعدد تقسیم کرده اند که لحظه به لحظه به خدا روی آورده و لحظات به سوی بتان مدتی به این بت و مدتی به آن بت دیگری از همین جاست که یوسف (ع) می‌فرماید:

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرَأَيْتَ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرًا أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (يوسف/۳۹)

ترجمه: ای یاران زندان من آیا معبودان پراکنده بهتر است یا الله یکتا و غالب.

### ۳- توحید سبب آرامش نفس

توحید نفس انسان را آرامش می‌بخشد و خوف و بیم و ترسی که بر کفار و مشرکین چیره می‌شود بر او چیره شده نمی‌تواند، زیرا که انسان مومن و موحد همیشه همه راه‌های که خوف از آن داخل می‌شود بر خود

بسته کرده مانند اجل، خوف، ترس بر نفس و بر خانواده و فرزندان، خوف از انسان‌ها، جنیات و غیره. چون ایمان و توحید به الله تعالی همه مشکلات او را حل کرده است پس او مطمئن و آرام است زیرا او می‌داند که الله تعالی حافظ و مددگار مومنان است.

### ۴- توحید اساس برادری و برابری

توحید پایه برادری و برابری است، زیرا برادری و برابری در زندگی مردمی که برخی آنها اربابان باشد و برخی آنها بردگان هرگز تحقق نمی‌پذیرد، اما اگر همه بندگان خدا باشند در این صورت اصل برادری و برابری در میان شان تحقق می‌پذیرد. از همین رو دعوت همه پیامبران به ویژه دعوت پیامبر اسلام به همه شاهان و فرمان روایان روی زمین این بود که:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران / ۶۴)

### تعریف شرک

**شرک:** به معنی حصه و شریک به معنی حصه دار. شرک این است که شخصی با الله تعالی در چیزی که حق خالص الله تعالی باشد مخلوق را در آن شریک گرداند. مثل شرک بت پرستان، قبرپرستان، مشرکین، مجوس و غیره....

### اقسام شرک

- ۱- شرک اکبر
- ۲- شرک اصغر
- ۳- شرک خفی

### شرک اکبر

شرک اکبر عبارت است از پرستش معبودانی غیر از الله تعالی برابر است که این معبودان آفتاب باشد و یا مهتاب جماد باشد مانند سنگ و بتان و یا حیوانات باشد مانند گاو، گوساله و یا انسان باشد مانند فرعون، نمرود و غیره و یا اشخاص نیک باشد مانند انبیای عظام و اولیای کرام و یا آفریده‌های غیبی باشد مانند ملک، جن و شیطان. طوری که ملت‌های مختلف به آن مبتلا هستند و مخلوقات الله تعالی را به نحو از انجا عبادت می‌کنند.

**کفار شرک اکبر:** الله تعالی کفار این شرک را توبه و استغفار فرموده در غیر آن بخشیده نمی‌شود.

## شرک اصغر

شرک اصغر عبارت است از ریا. به دلیل قوله تعالی... **فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا**

**يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** (الکهف/۱۱۰)

**ترجمه:** پس هر که امید دارد ملاقات پروردگار خود را پس باید بکند عمل پسندیده را و شریک نسازد در عبادت پروردگار خود هیچ کسی را. در یک حدیث شریف پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: بدترین چیزی که در آن در مورد شما نگرانم شرک اصغر است. از ایشان سوال شد که: شرک اصغر چیست؟ فرمودند: ریا و ظاهرسازی. روزی که بندگان بخاطر اعمال شان عوض داده می‌شوند الله تعالی برای ریاکاران می‌گوید: بروید سوی آنانی که اعمال خویش را در دنیا برای شان نشان می‌دادید آیا جزا و خیری نزد شان می‌یابد.

**کفاره شرک اصغر:** کفاره این نوع شرک توبه و استغفار است.

## شرک خفی

راجع به شرک خفی رسول الله (ص) چنین فرموده است: شرک خفی و پنهان در این امت چون مورچه سیاه در سنگ سیاه در شب تاریک یعنی: هیچ کس از آن آگاه نمی‌باشد و آن وجود دارد. عبدالله بن عباس (رض) نمونه این قسم شرک را چنین بیان می‌کند: مثل کسی که می‌گوید:

۱. (ماشا الله و شئت یعنی اگر خواست الله و تو باشد (لولا الله و فلان) یعنی اگر الله و فلانی نمی‌بود گویا چنین و چنان می‌شد.

۲. (و یا بگوید کوش شیطان کر. چون شیطان لعین را متصرف فی الامور می‌داند.

**کفاره شرک خفی:** کفاره این شرک را رسول الله (ص) چنین فرموده است: **{اَلِهْم اِنِ اعُوْذِ بِكَ مِنْ اِن**

**اَشْرَكَ بِكَ شَيْئًا اَنَا اَعْلَمُ وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا اَعْلَمُ}**

**ترجمه:** ای الله به تو پناه می‌برم که شریک گردانم به تو چیزی را که میدانم و مغفرت می‌خواهم از گناهی که آن را نمی‌دانم.

## سبب خفی بودن شرک

۱) مردم گمان می‌کند که عبادت منحصر است در نماز، روزه، زکات، حج، رکوع، سجده و امثال آن و استغاثه، فریاد و استعانت از اهل قبور را عبادت نمی‌دانند، درحالیکه روح و جوهر عبادت دعا است چنانچه رسول الله (ص) می‌فرماید:

**(الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ)** یعنی دعائین عبادت است.

۲) ما این مردگان را طلب می‌کنیم و اعتقاد نداریم که آنها خدایان ما اند، ولی آنها واسطه است میان ما و خداوند. این دعوای شان منشأ می‌گیرد از جهل شان به الله تعالی که نزدیک شدن نزد شان به جز واسطه و شفیع امکان‌پذیر نیست. الله در قران کریم می‌فرماید: **وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَبِئْسَ**

قَرِيبٌ... (بقره/۱۸۶) یعنی هنگامی که بپرسد ترا بنده‌گان من درباره من پس من نزدیک ام.

### اسلام راه‌های شرک را مسدود می‌کند

- ۱- غلو در مورد نیکان
- ۲- افراط و زیاده روی
- ۳- تعظیم قبور

### افراط و زیاده روی

افراط و زیاده روی در تعظیم رسول الله (ص) چنانچه می‌فرماید: **{لاتطروني كما طرت النصارى عيسى ابن مريم اما انا عبد فقولوا عبدالله ورسوله}** متفق علیه. یعنی بیش از حد در مدح من مبالغه نکنید طوری که نصاری در مدح عیسی ابن مریم مبالغه کردند یقیناً من بنده الله هستم بناءً بگوئید بنده الله و رسول او. قرآنکریم در شریف‌ترین مقامات پیامبر (ص) را به صفت بندگی ستوده است.

### غلو در مورد نیکان و پارسایان

از جمله اموری که اسلام از آن منع نموده اغراق و غلو در شأن صالحان و پارسایان است. اولین شرک که در روی زمین به وقوع پیوست شرک قوم نوح (ع) بود که سبب آن غلو در حق نیکان و صالحان بود. چنانچه در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس در مورد خدایان آنها چون: (ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر) آمده است: که آنها نام‌های مردان صلح از قوم نوح (ع) بودند زمانی که که ایشان درگذشتند شیطان بر قوم آنان وسوسه کرد که پیکره‌ها بگذارید آنها چنین کردند. اما آن پیکره‌ها را پرستش نمی‌کردند. بعد از گذشت آنان (نسل معاصر به پارسایان) علم و دانش فراموش شد و نسل‌های بعدی آن پیکره‌ها را پرستش کردند.

### تعظیم قبور

۱. مسجد قرار دادن قبر
۲. نماز به سوی قبر
۳. بلند کردن قبر
۴. عید و جشن گرفتن قبر

### مسجد قرار دادن قبر

امام مسلم روایت می‌کند که رسول الله (ص) پنج روز قبل از رحلت شان فرمودند: **(الا ان من كان قبلكم كانوا يتخذون قبور انبياهم مساجد الا فلا تتخذوا القبور مساجد فاني انما کم عن ذلك)**. رواه مسلم.



**ترجمه:** آگاه باشید آنانی که قبل از شما بودند قبور انبیاء شان را مسجد می‌گرفتند با خبر که قبرها را مسجد نگیرید. پس من شما را از آن نهی می‌کنم.  
 عن ام المومنین عایشه<sup>(رض)</sup> قالت قال: **{لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبیاهم مساجد}** متفق علیه.  
**ترجمه:** لعنت خدا باد بر یهود و نصاری که قبرهای پیامبران شان را مساجد می‌گرفتند.

### نماز به سوی قبر

در روایت مسلم آمده است که رسول الله<sup>(ص)</sup> فرموده است: **{لا تجلسوا علی القبور ولا تصلوا اليها}** یعنی نه بالای قبرها بشیند و نه به سوی آن نماز بخوانید.

### بلند کردن قبرها

مسلم از علی<sup>(رض)</sup> روایت می‌کند که: **{ان النبي صلی الله علیه وسلم بعثه وامره الا يدع قبراً مشرفاً الاسواه}** یعنی پیامبر<sup>(ص)</sup> او را فرستاد و امر کرد که هیچ قبر بلندی را نگذارد مگر این که آن را بر زمین برابر سازد.

### عید و جشن گرفتن قبور

ابوداود در حدیث مرفوع از ابو هریره روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرموده: **{لا تجعلوا ابوتکم قبوراً ولا تجعلوا قبری عیداً فان صلاتکم تبلیغی حیث کنت}** یعنی خانه‌های خود را قبر نگردانید و قبر مرا عید نگردانید. بر من درود بفرستید زیرا هر جایی که باشید درود شما بر من می‌رسد.

### مفاسد و اضرار شرک

- ۱ - شرک سبب تحقیر انسان است.
- ۲ - شرک سبب ولانه خرافات است.
- ۳ - شرک منبع خوف ها است.
- ۴ - شرک ظلم بزرگ است.

### شرک سبب تحقیر انسان

شرک کرامت انسان را تحقیر نموده، درحالی‌که الله تعالی انسان را عزت داده همه آنچه که در زمین و آسمان است برای او مُسخر گردانیده، اما انسان قدر خویش را ندانسته برخی عناصر هستی را به خدایی برگزیده و به آن خضوع نموده چه اهانت و تحقیر برای انسان بزرگتر از این که تا امروز صدها میلیون انسان گاو را به صفت یک معبود مقدس می‌پرستند **{العیاذ بالله}**.



### شرک سبب و لانه خرافات است

کسی که در هستی به وجود مؤثر دیگری غیر از الله اعتقاد داشته باشد عقل او به قبول هر نوع خرافات آماده می‌شود به این ترتیب حرف‌های کاهنان، عرفان، ساحران و منجمان که ادعای غیب را می‌کنند در جامعه شرک زده حاکم و به سرعت رواج پیدا می‌کنند. در همچو جامعه به اسباب و سنن آفرینش توجه نشده بر دم و دعاهای شرکی و تعویذهای خرافی و نامشروع، جادو، توله و امثال آن اتکا می‌شود.

### شرک منبع خوفها است

شرک منبع خوفها است و در مقابل، توحید امن و آرامش است، زیرا کسی که عقلش خرافات را بپذیرد و به باطل و خرافات عقیده کند از جهات متعدد می‌ترسد. از خدایان دروغین می‌ترسد و همیشه در بیم و هراس به سر می‌برد. از اوهام و خرافاتی که آن کاهنان و ساحران و معتقدین شان میان مردم پخش می‌کند می‌ترسد از همین رو بدشگونی، بدفالی و دهشت بدون کدام سبب ظاهری در فضای شرک آلوده پخش و نشر می‌گردد.

### شرک ظلم بزرگ است

چنانچه الله تعالی می‌فرماید: **إِنَّ الشُّرْكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ** (لقمان / ۱۳)

**ترجمه:** یقیناً شرک ظلم بزرگ است

## سوالات فصل چهارم

### الف: سوالات تشریحی:

- ۱- یک دلیل نقلی بر وجود الله (ج) ذکر نمایید.
  - ۲- توحید الوهیت را تعریف و با مثال واضح نمایید.
  - ۳- شروط توحید اسما و صفات را بنویسید.
  - ۴- تاریخچه مختصر شرک و بت پرستی را تحریر دارید.
  - ۵- آثار ارزنده توحید را در چهار نکته خلاصه نمایید.
  - ۶- مفاسد و اضرار شرک را بنویسید.
  - ۷- عناصر توحید را نام ببرید.
- ب: سوالات صحیح و غلط:** سوال صحیح را با (ص) و غلط را با (غ) نشانی نمایید.
۱. توحید الوهیت عبارت اند از ایمان داشتن به یگانه‌گی الله (ج) در افعال الله (ج)
  ۲. یکی از اضرار و مفاسد شرک این است که شرک منبع خرافات است.
  ۳. توحید سبب آرمش نفس می‌گردد.
  ۴. شرک و بت پرستی اولین بار در قوم نوح (ع) به وقوع پیوند.
  ۵. غلو در تعظیم نیکان جواز دارد، ولی در حق اولیا کرام ندارد.

### ج: سوالات خانه خالی:

- ۱- توحید در عبادت بدنی و مالی مثل..... و غیره...
- ۲- توحید اسما و صفات عبارت است.....
- ۳- تحریف عبارت است از تغییر چیزی از حالت.....
- ۴- شرک اکبر عبارت است از.....

## فصل پنجم

### تعریف کلمات: کرامت، شفاعت، توسل

#### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش در مورد تعریف کرامت، توسل و شفاعت
- کسب دانش در مورد دلایل نقلی کرامت، توسل و شفاعت
- کسب دانش در مورد توسل مشروع و غیرمشروع
- کسب دانش در مورد اقسام شفاعت

#### مقدمه

در این فصل تعریف کرامت، فرق بین کرامت و معجزه، مثال‌های کرامت که در قرآن کریم و احادیث نبوی ذکر گردیده، توسل، توسل مشروع و غیر مشروع تعریف شفاعت و اقسام آن بحث خواهد شد.

#### ۱- کرامت:

چنانچه معلوم است معجزه امر خارق‌العاده است که از سوی مدعی نبوت برای اثبات حقانیت رسالتش صادر می‌شود که مقرون با تحدی و مبارزه طلبی بوده و سایر مردم از انجام آن عاجز و ناتوان می‌باشند. اما خوارق عادات دیگری که با تحدی و ادعای نبوت همراه نمی‌باشند، اما خداوند متعال به خاطر احترام و بزرگداشت مقام دوستان خود و پیروان راستین و نیکوکار پیامبرانش امور خارق‌العاده را به دست آنها جاری می‌سازد، که همین نوع امور خارق‌العاده را (کرامت) می‌نامند، در ظاهر حال کرامت غالباً در سطحی پایین‌تر از معجزات قرار دارند، که غالباً جنبه عمومی و همه‌گانی نداشته و بین مردم انتشار پیدا نمی‌کنند. با این توضیحات تفاوت میان معجزه و کرامت به خوبی آشکار شده و دیگر باهم تشابه و التباس پیدا نمی‌کنند، زیرا هر امر خارق‌العاده‌ای موجب اثبات نبوت و رسالت از جانب خداوند (ج) نمی‌گردد مگر اینکه با ادعای نبوت و مبارزه طلبی همراه باشد.

#### کراماتی که در قرآن کریم ذکر شده اند

#### الف- داستان اصحاب کهف

حادثه از این قرار بود که گروهی از مؤمنان که از دست ظلم و ستم پادشاه کافر و ستم پیشه به تنگ آمده

بودند، تصمیم گرفتند فرار کنند و به غار یکی از کوه‌های مجاور پناهنده شدند، خداوند به مدت سیصد و نه سال خواب را بر آنها چیره ساخت، بعد آنان را بر انگیخت و از این خواب طولانی و غیرعادی بیدار شان نمود. این حادثه از دید انسان‌ها یک امر غیرعادی و خارق‌العاده محسوب می‌گردد. اما خداوند متعال این جوانان پرهیزکار و یکتاپرست را مورد احترام و لطف خود قرار داد، درحالی که هیچکدام از زمره پیامبران نبودند. قرآن ابتداءً به صورت اجمالی و مختصر به ذکر آنها پرداخت و در سوره کهف آیات (۹-۱۲) چنین می‌فرماید:

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا \* إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا \* فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا \* ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (الكهف/۹-۱)

یعنی: گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم و شگفت انگیز ما بودند. آنگاه که آن جوانان به غار پنا بردند و گفتند: پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره‌مند گردان، و راه نجاتی برایمان فراهم نما... پس ما دعای ایشان را اجابت کردیم و پرده‌های خواب را چندین سال بر گوش‌هایشان فرو افکندیم. سپس آنها را بر انگیختیم تا بدانیم "یعنی این امر آشکار گردد که کدام یک از آن دو گروه مدت خواب خود را بهتر حساب کرده اند.

از اینجا در می‌یابیم که آیات قرآن کریم دو چیز را به اثبات رسانده اند:

**اول:** وقوع کرامت از جانب آن جوانان یکتاپرست.

**دوم:** وقوع امور خارق‌العاده و غیر متعارف را، با توجه به قدرت پروردگار، عقلاً امری ممکن و شدنی به شمار آورده است. سپس با خبر صادق به نقل آن پرداخته و آن را بدون کمترین تردیدی امر پذیرفتنی می‌داند.

### ب- کرامت حضرت مریم رضی الله عنها

**خوراک غذایی روزانه‌اش در محراب عبادت:** که بدون آوردن انسان یا هیچ سبب مادی دیگری همه روزه حاضر و آماده می‌شد، که با توجه به اسباب و ابزار مادی و محسوس زنده‌گی، این حادثه امری غیرطبیعی، خارق‌العاده و خارج از توانایی‌های بشر است، قرآن کریم به این کرامت الهی در حق مریم علیه‌السلام اشاره نموده می‌فرماید.

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳/۳۷)

**ترجمه:** پس قبول کرد آن را پروردگارش به قبول نیکو و نما دادش نمای نیک و سپردش به ذکریا هرگاه می‌درآمد بر مریم ذکریا در حجره‌ی مریم می‌یافت نزدش خوردنی. گفت ای مریم از کجا می‌آید ترا این روزی گفت: آن از نزد خدا می‌آید. هر آینه خدا روزی می‌دهد هر که را خواهد بی‌شمار.

یعنی: خداوند ذکریا را سرپرست او ساخت، هر زمانی که ذکریا وارد عبادتگاه او می‌شد غذای (تمیز و زیادی را) در پیش او می‌یافت، به مریم گفت: این از کجا برایت می‌آید؟ مریم گفت: این از نزد خداوند متعال می‌آید.

بی‌گمان خداوند به هر کس که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.

کرامت دوم: هنگامی که مریم علیه السلام احساس نمود، درد زایمان دارد، از خانواده کناره گرفت و به مکانی دورتر در قسمت شرقی منازل خاندانش خلوت گزید و زیر درخت خرماى خشک و بی‌باری نشست. لطف و مرحمت پروردگار به یاری‌اش شتافت و حوادث زیادی برایش اتفاق افتاد از جمله اینکه: زمانی تنه‌ی خرما را تکان می‌داد خرماى نارس و مرغوب و دست‌چین برایش فرو می‌بارید. در سوره می‌فرماید:

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (۲۴/۱۹) وَهَزَيْتُ بِكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حِينًا (مریم/۲۵)

یعنی: تنه‌ی خرما را بجنبان و تکان بده، تا خرماى نارس، دست‌چینی برتو فرو بارد.

### کرامت حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها

نزول آیات قرآن کریم برای پاکى و بی‌گناهی حضرت ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها در برابر اتهامات ناروای اهل افک، یکی از کرامات بزرگ ایشان می‌باشد. زیرا طریقه‌ی عادى برائت و بی‌گناهی متهم، از طریق محاکم و دادگاه‌های قضایی و آوردن دلایل و شواهد کافی برای قاضی، میسر می‌گردد، اما اگر صراحتاً از طریق وحی و آیات قرآن این بی‌گناهی به اثبات برسد، خود امری خارق‌العاده و نشانه کرامت و عظمت شان حضرت ام المؤمنین می‌باشد از این قبیل کرامات در قرآن کریم زیاد آمده است.

### کرامتی که در احادیث نبوی ذکر شده است

در احادیث صحیح پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم کرامات زیادی برای مردان صالح و نیکوکار امت‌های پیشین ذکر شده است.

طوری که کثرت و صحت این احادیث وقوع آنها را امری قطعی و انکار ناپذیر می‌گرداند.

**اول:** داستان سه تن از امت‌های پیشین که در کوهستانی عبور می‌کردند تا این که شب هنگام به غاری رسیده وارد آن شدند ناگهان بر اثر ریزش کوه صخره‌ی عظیمی فرود آمده مدخل ورودی غار را مسدود کرد و آنها به دام افتادن راه و چاره‌ای هم نداشتند جز آن که هرکدام اعمال نیک خود را واسطه قرارداد به بارگاه خداوند به دعا و نیایش پرداختند همان بود که دعایشان نزد پروردگار پذیرفته شده و ناگهان به لطف و مرحمت ذات اقدس الهی صخره سخت و بزرگ از جا دور می‌گردد و آنها صحیح و سالم از غار بیرون می‌آیند... آخر حدیث.<sup>۲۸</sup>

### ۲- شفاعت

یکی از اصطلاحات عقیده‌ی اسلامی اصطلاح شفاعت است که احیاناً مفهوم نادرستی از آن در میان عوام

<sup>۲۸</sup> امام بخاری و مسلم.

مطرح می‌شود بناءً لازم است درین مورد کمی روشنی انداخته شود.

**تعریف شفاعت:** شفاعت در زبان عربی، به معنای وساطت و میانجیگری است و اثبات آن در آخرت از جمله مسلمان عقیده اسلامی و جزوی از ایمان به روز رستاخیز، محسوب می‌گردد. البته شفاعت در دنیا هم وجود دارد، اما منظور از آن فقط دعا و مسئلت در پیشگاه پروردگار توسط یک شخص زنده، برای برآورده شدن حاجت شخص دیگر است. از این سبب وقوع آن پس از مرگ شفاعت کننده امکان‌پذیر نیست و تنها در عالم آخرت واقع می‌شود.

### اقسام شفاعت

شفاعت در جهان آخرت دو نوع است:

**اول:** شفاعت عظمی یا خاصه است که مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌باشد و آن همان امتیاز و ویژگی هست که در قرآن کریم و حدیث شریف به عنوان (مقام محمود) از آن یاد گردیده است.

... عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (الاسراء/۷۹)

یعنی: امید است که پروردگارت تو را به مقام محمود (درخور ستایش) برانگیزد، که عبارت از همان شفاعت ایشان در روز قیامت در پیشگاه پروردگار است تا باری تعالی داوری را در میان خلائق منتظر و سرگردان میدان حشر آغاز نموده، و آنها را از رنج انتظار و هول آور آن روز سخت رها سازد، خداوند هم شفاعت ایشان را پذیرفته محاسبه و داوری را در میان خلائق آغاز می‌نماید.

**دوم:** شفاعت عامه است که عبارت است از شفاعت برای مؤمنان گنہکاری که مستحق دوزخ شده اند تا خداوند از تقصیر شان بگذرد و شایسته ورود به بهشت شوند با از نگاه کیفیت عذاب و مدت آن در دوزخ برایشان تخفیف آورده شود این نوع شفاعت مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نبوده بلکه علاوه برایشان سایر انبیاء و اولیاء صالحان، شهدا و فرشتگان نیز اجازه دارند تا برای برخی از گنہکاران شفاعت کنند.

### شروط شفاعت

اما باید خاطر نشان کرد که شفاعت در روز قیامت، مشروط به سه طریقه است:

**اول:** اجازه و اذن پروردگار به شفاعت کننده.

**دوم:** رضایت و موافقت پروردگار درمورد مشفوع له.

**سوم:** مسلمان و موحد بودن کسی که برایش شفاعت می‌شود.

قرآن کریم با اشاره به شرط اول می‌فرماید:

... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ... (البقره/۲۵۵)

**ترجمه:** کیست که در نزد او، جز به اجازه او شفاعت کند و در مورد شرط دوم نیز می‌فرماید:

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ... (سبا/۲۳)

هیچ شفاعتی نزد او سودی ندارد جز این کسانی که اجازه داده است و همچنان می‌فرماید: ...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا

لَمَنْ ارْتَضَى... (الانبیاء/۲۸)

و آنها (فرشته‌گان) شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا (به شفاعت برای او) راضی است.

### در مورد شرط سوم:

نصوص قرآن کریم و سنت نبوی دلالت دارند که خداوند نه تنها برای مؤمنان موحد، اجازه شفاعت می‌دهد. لذا اهل کفر و شرک از این شفاعت بهره‌مند نخواهد شد.

چنانچه خداوند درباره کافران می‌گوید:

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (المدثر/۴۸)

**ترجمه:** شفاعت کننده‌گان به حال آنها سودی نمی‌بخشد.

همچنان رسول مقبول صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

(هر پیامبری را دعای مستجابی بود اما هرکدام از ایشان در استفاده از دعای خویش عجله کردند، جز من که دعایم را برای امتم در روز رستاخیز نگهداشتیم و این دعا ان‌شاءالله هر فردی از امت مرا که وفات کند و چیزی را برای خدا شریک قرار ندهد شامل می‌گردد.<sup>۲۹</sup>)

### توسل

**تعریف:** توسل در لغت به معنی و یک چیزی به وسیله و واسطه یک چیز دیگر است.

اما در اصطلاح اسلامی توسل عبارت است از: تقرب به درگاه خدا با انجام طاعات و ترک منکرات، چنانچه امام راغب اصفهانی در مفردات القرآن می‌گوید (حقیقت توسل به درگاه پروردگار متعال عبارت از: پیمودن را او با علم و عبادت و جستجوی مکارم شریعت).

### انواع توسل

پس از مراجعه به قرآن و سنت و بررسی آراء و نظریات پیشوایان و علمای برجسته اسلام و مطالعه منابع معتبر و معتمد مذاهب اسلامی، به خصوص مذهب حنفی، می‌توان توسل را به دو نوع عمده و اساسی، تقسیم و خلاصه نمود:

### توسل مشروع و غیرمشروع

۱- **توسل مشروع:** توسل مشروع، توسل به اموری است که برای مشروعیت و جواز آن، در کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم دلیل وجود داشته باشد. مانند:

**الف:** توسل به درگاه الهی با اسماً و صفات او:

مثلاً به درگاه الهی روی آورده بگوید: ترا به رحمتت و احسانت و عظمتت سوال می‌کنم که حاجتم را برآورده سازی. چنانچه پروردگار خود امر فرموده که **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا... (الاعراف/۱۸۰)**. خداوند دارای نیکوترین نامهاست. پس او را با آنها بخوانید.



ب: توسل به اعمال صالحه خویش:

بطور مثال بگوید: اگر من فلان کار نیک را به خاطر رضای تو انجام داده باشم، پس به خاطر آن بر من رحم کن و نیازم را مرفوع نما. چنانچه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... (المائدة/۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید.

جمه‌هور مفسرین مراد از وسیله در آیه فوق را، اعمال صالحه دانسته‌اند و از جمله امام ابواللیث سمرقندی

(متوفای ۳۷۵هـ) از پیشوایان مذهب حنفی و ملقب به امام الهدی، در تفسیر این آیه می‌گوید:

یعنی: طلب قربت و فضیلت کنید با اعمال صالحه، علامه زمخشری (متوفای ۵۳۷هـ) در تفسیر کشف و امام نسفی، در تفسیر مدارک، نیز وسیله را به اعمال صالحه و ترک منکرات تفسیر کرده‌اند. امام شهاب الدین محمود آلوسی بغدادی (متوفای ۱۲۷۰هـ) مفسر بزرگ و مفتی اعظم مذهب حنفی در عصر خویش در تفسیر روح المعانی در ذیل آیه بالا می‌نویسد: وسیله بر وزن فعلیه، یعنی آنچه که توسط آن به خدا عزوجل توسل و تقرب صورت گیرد از انجام طاعات و ترک منکرات.

همچنان در صحیحین از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرموده: در یک روز بارانی سه نفر به غاری پناه بردند، اما دبری نگذشت که یک صخره بزرگ از بالای کوه سرازیر شد و مدخل غار را مسدود کرد و آنها در خطر مرگ قرار گرفتند، لذا هریک از آنها به ترتیب، یک عمل نیکی را که قبلاً انجام داده بودند، به یاد آورده به درگاه خدای وسیله پیش کردند، خداوند دعای ایشان را پذیرفت و صخره از مدخل غار دو رفته و آنها نجات یافتند.

### توسل به دعای فرد صالح زنده

چنانچه برادران یوسف به پدر گفتند:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (یوسف/۹۷)

ای پدر از خداوند برای ما طلب آمرزش کن، که ما خطا کار بودیم.

### توسل غیرمشموع

و آن عبارت از توسل به چیزهای است که در کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم اصل و

دلیلی برایش وجود نداشته باشد.

مانند: توسل به ذوات انبیاء و اولیاء و صالحان یا توسل به جایگاه. یا مقام، یا حرمت، یا خاطر، یا برکت و یا

طفیل ایشان. چون در کتاب الله و سنت هیچ دلیلی برای انجام این نوع توسل وجود ندارد و انجام آنرا شرعا

ناجایز و حرام دانسته‌اند.

از امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه (متوفای ۱۵۰هـ) روایت شده که وی گفته است:

لا ينبغي لأحد أن يدعو الله إلا به و أكره أن يقول: أسألك بمقعد العز من عرشك و أكره أن يقول: و

بحق أنبيائك و رسلك و بحق البيت الحرام:

یعنی: برای هیچکس روا نیست که خدا را بخواند، مگر با خود او و من مکروه و ناپسند می‌پندارم که کسی



بگوید: ترا به جایگاه عزت عرشت سوال می‌کنم و مکروه و ناپسند می‌پندارم که بگویی: به حق انبیاء و پیامبران و بحق بیت الحرام سوال می‌کنم.

امام محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز معروف به ابن عابدین شامی (متوفای ۱۲۵۱هـ) در حاشیه‌ای که به نام "رد المختار" بر: الدرالمختار" نوشته و به فتاوی شامی شهرت دارد، در تفسیر این جمله ابوحنیفه که می‌گوید: مگر با خود او می‌نویسد: یعنی مگر با ذات و صفات و اسمای او.

امام شاه ولی الله دهلوی می‌گوید: یعنی بعضی‌ها به این باورند که خداوند فرمان‌روا و مدبر است، اما به بعضی از بنده‌گان خویش خلعت شرف و تاله پوشانیده و آنها را در پاره‌ای از امور خاص قدرت تصرف داده است و شفاعت ایشان را درباره بندگانش می‌پذیرد، همانگونه که شاهنشاه در هر منطقه‌ای شخصی را به عنوان پادشاه نصب می‌کند و جز در برخی امور بزرگ، بقیه تدبیر امور آنجا را به وی واگذار می‌کند، اینچنین پندار بیماری اکثریت یهود و نصارا و مشرکان و برخی از منافقان امت محمد صلی الله علیه وسلم تا امروز است.

شهاب الدین محمود آلوسی در تفسیر روح المعانی در ذیل آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (المائدة/۳۵) پس از آن که وسیله را به اعمال صالحه

تفسیر می‌کند می‌افزاید.

بعضی‌ها به این آیه کریمه بر مشروعیت استغاثه به صالحین و وسیله قرار دادن آنها میان خدا و بندگان و خدا را به آنها قسم دادن، استدلال کرده اند مثل چنین گفتن که بار الها! ما ترا به فلانی قسم می‌دهیم که حاجتمان را برآورده کنی و برخی از آنها بنده‌ای از بندگان صالح را که غایب و چنین کند و گمان می‌کنند که این کار از باب تقدیم وسیله است و گاهی آنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت می‌کنند که گویا او گفته باشد. هرگاه که مشکلات بر شما غلبه کرد به اهل قبور مراجعه کنید، یا به اهل قبور استغاثه کنید همه آنها که گفتیم فرسنگ‌ها از حق و حقیقت فاصله دارد.

## سوالات فصل پنجم:

### الف: سوالات شریعی:

۱. کلمات کرامت، توسل و شفاعت را تعریف نماید.
۲. دلایل نقلی کرامت، توسل و شفاعت را بنویسید.
۳. معلومات خود را در مورد توسل مشروع و غیر مشروع تحریر دارید.
۴. چند مثال کرامت که در قرانکریم یادآوری شده ذکر نمایید.
۵. در مورد کرامت عایشه (رض) که در قرانکریم یادآوری گردیده معلومات دهید.
۶. شروط شفاعت را ذکر نماید.
۷. شفاعت برچند قسم است و شفاعت عظمی را تعریف نماید.

### ب: سوالات صحیح و غلط:

- ۱- کرامت از انبیا (ع) صادر می‌گردد.
- ۲- هر نبی پیش از نبوت ولی است و صاحب کرامت
- ۳- یکی از اقسام توسل مشروع توسل به اسما و صفات الله (ج) می‌باشد.
- ۴- از جمله اقسام توسل غیر مشروع وسیله گرفتن اهل قبور می‌باشد.

### ج: سوالات خانه خالی:

- ۱- کرامت مریم (رض) اینکده.....،
- ۲- کرامت عایشه (رض) نزول آیات قرنکریم برای.....
- ۳- شفاعت در زبان عربی به معنی.....

## فصل ششم

# انسان شناسی در جهان بینی اسلامی

### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش در مورد انسان شناسی در جهان بینی اسلامی
- کسب دانش در مورد اصلیت انسان
- کسب دانش در مورد شخصیت انسان در قرآن کریم
- کسب دانش در مورد انسان سازی در جهان بینی اسلامی

### مقدمه

در این فصل از موضوعاتی که بحث می شود نظریات ماتریالیستان، ایدئالیستان در مورد اصلیت انسان، شخصیت انسان در قرآن کریم مشکل جامعه بشری در عصر حاضر و راه های حل آن و غیره موضوعات بحث می شود.

### اصل انسان

در مورد اصل انسان نظریات مختلفی وجود دارد که هر کدام انسان را از دیدگاه خود مورد مطالعه قرار داده و انسان را به این طرف و آن طرف کشانده اند، ولی دین مقدس اسلام تمامی نظریات منفی را که انسان به آن نسبت داده می شود نفی نموده جایگاه انسان را نسبت به همه برتر و افضل تر می داند، بهترست در اینجا خلاصه این نظریات را ذکر نموده و سپس اصل انسان را از دیدگاه قرآن مورد مطالعه قرار دهیم:

نظریات ماتریالیستی (ماده پرستی): ماتریالیستی اصل انسان را ماده دانسته و همیشه تحقیقات آنان به همین اساس مادی می باشد.

هرگاه انسان به اساس این نظریه مورد مطالعه قرار گیرد شاید بسا حیوانات نسبت به انسان ها برتریت حاصل نمایند، زیرا در امور مادی حتی بعضی حیوانات نسبت به انسان ها قوه و توانایی بیشتر دارند مثلاً: هرگاه خوردن امتیاز باشد حیوانات نسبت به انسان ها بیشتر می خورند. اگر کمال انسان در برداشتن وزن باشد مورچه ها پنجاه چند وزن خود بار می برند. اگر دیدن کمال باشد بعضی حیوانات زیر برف را می بیند و یا هم مسافت بسیار دور را بدون وسایل دیده می توانند. اگر بو نمودن کمال باشد بعضی از حیوانات حس شامه بسیار

قوی داشته وبا بو نمودن می‌توانند ماین‌ها و مخدرات را به ساده‌گی کشف نمایند، که بسیاری این صفات در انسان‌ها ضعیف می‌باشد. اگر مقاومت در مقابل سرما باشد بسیاری حیوانات در سردترین نقاط بدون کدام وسایل تسخین زنده‌گی می‌کنند ویا هم در آبهای بسیار سرد که انسان توان غسل را در آن ندارد به بسیار ساده‌گی شنا می‌کنند.

بعضی از ماتریالیستان اصل انسان را به حیوانات نسبت داده و شادی‌ها و شامپانزی‌ها را اصل قرار می‌دهند و انسان را شکل پیشرفته‌ از آنان می‌دانند و بعضی‌ها پا فراتر گذاشته صداها و آوازهای انسان را گرفته از آوازهای پرنده‌گان می‌دانند. با چنین نظریات ضعیف و سطحی انسان را بسیار حقیر ساخته اند و شخصیت عالی انسانی وی را وابسته به حیوانات واصل حیوانی تلقی می‌کنند.

نظریات ایدئالیستی: این نظریات انسان را به ارواح‌های مختلف نسبت داده انسان را به اقسام مختلفی چون صاحبان ارواح عالی و صاحبان ارواح‌های شریر و زشت نسبت می‌دهند و به این شکل طبقات ادنی را مانند حیوانات در خدمت خود قرار می‌دهند و با آنان همیشه معامله غیرانسانی می‌نماید. این نظریات را شما می‌توانید در اعتقادات هندوییزم و صهیونیستان به خوبی مورد مطالعه قرار دهید.

### شخصیت انسان در قرآن کریم

چنانچه قبلاً خواندیم فیلسوفان جهان که شپهای دراز تا سپیده دم‌ها بحث و پژوهش نموده اند، هر یکی در مورد انسان به نظریات عجیب و غریبی رسیده اند.

یکی انسان را صورت پیشرفته میمون‌ها و شامپانزی‌ها معرفی نموده است دیگر انسان را منکر شده چهارمی اش او را در بخش مادی وی در قطار سایر حیوانات قرار داده و آخرین هم او را برده عقلش قرار داده و بالاخره به گفته مولانای بلخی رومی.

هر کسی از ظن خود شد یار من      وز درون من نجست اسرار من

قرآن عظیم‌الشان، انسان را به صورت کل آن معرفی نموده به انسان می‌فهماند که او یک موجود بیکاره نبوده و تنها یک موجود مادی ویا هم عقلانی محض نیست بلکه او صفاتی دارد که در بسا حالات مقام و منزلتش را از فرشته‌های نیز برتر می‌سازد:

شخصیت قرآنی انسان را در نقاط ذیل می‌توان مورد مطالعه قرارداد.

الف: اصل پیدایش وی بسیار پاک و مقدس است، زیرا بعد از خلقت صورت مادی آدم<sup>(ص)</sup> روح پاکي در

وی دمیده شد.

**فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (الحجر/۲۹)**

**ترجمه:** هرگاه او را برابر ساختم و در او روح خود را دماندم برایش سجده کنید.

**ب:** اشرف المخلوقات (شریف‌ترین مخلوقات): انسان برای اینکه به هیچ مخلوقات دیگری سر تسلیمی نه نهد و برای این که جانشین خداوند(ج) در زمین است بهترین مخلوقات خوانده شده است تا این شرافت خود را درک نموده سر خود را به جز ذات پروردگار به هیچ کس و چیز دیگری خم نکند.

ج: برایش کرامت داده شده است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... (سورة الاسراء/۷۰)

ترجمه: برای انسان کرامت داده شده است.

تمامی مخلوقات در خدمت او قرار دارند، حتی فرشته‌ها در خدمت انسان‌ها می‌باشد، جن‌ها استخوان‌های باقیمانده از غذای انسان را می‌خورند، وظیفه آبادی زمین به انسان داده شده و بزرگترین امانت الهی که قرآن عظیم‌الشان می‌باشد برای انسان نازل شده است.

د: انسان با چهره زیبا خلق شده است: خداوند متعال می‌فرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (سورة التین/۴)

ترجمه: ما انسان را با چهره زیبا خلق نموده‌ایم.

هرگاه به طرف انسان به خوبی نظر اندازیم خواهیم دید که انسان به صورت بسیار زیبا خلق شده که تمامی اعضای بدن او برای رهبریت جهان آماده می‌باشد. انسان دارای انگشتان زیبایی می‌باشد که می‌تواند امور بسیار مهمی را با این انگشتان انجام دهد، ساختمان فزیک انسان دارای برتری‌هایی است که نسبت به حیوانات با زیبایی خاصی ساخته شده است اضافه بر همه عقل فکر، اندیشه و توانایی‌های علمی انسان برتریت و زیبایی انسان را بر همه مخلوقات ثابت می‌کند.

ه: علم مهم‌ترین زیورش می‌باشد: ارزش انسان در میان ملایکه‌ها وقتی به اوج خود رسید که خداوند متعال نخستین معلم انسان شده اموری را برای حضرت آدم آموخت.

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا... (البقرة/۳۱)

ترجمه: و بیاموخت آدم را، نام‌های اشیاء را.

فرشته‌ها از دانستن آن اقرار بی‌خبری نمودند.

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا... (البقرة/۳۲)

ترجمه: گفتند: به پاکی یاد می‌کنیم ترا نیست هیچ دانشی به ما مگر آنچه تو آموختی ما را.

سپس برای این که ملایکه‌ها بیشتر به عزت و شرافت آدم پی برند به انسان امر نمود تا برای آدم سجده احترام کنند. تمامی ملایکه‌ها برای وی به امر خداوند سجده احترام نمودند.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (البقرة/۳۴)

ترجمه: و چون گفتیم به فرشته‌گان که سجده کنید به آدم.

احترام ملایکه‌ها برای انسان در صورت سجده احترامی در حقیقت منزلت وی را در دیدگاه فرشته‌گان به اوج‌اش رساند.

و: انسان جانشین خداوند در زمین است: خداوند<sup>(ع)</sup> انسان را من حیث جانشین خویش در زمین مقرر نمود تا تمامی احکام الهی را در روی زمین تطبیق نماید. انسان مانند سفیر خداوند متعال<sup>(ع)</sup> در روی زمین تمامی احکام الهی را هم بالای خود هم بالای سایر مخلوقات تطبیق و تنظیم می‌نماید. این بزرگترین شرف است که خداوند متعال برای انسان‌ها داده است.

ز: وظیفه انسان آبادی زمین و عبادت پروردگار می‌باشد: وظیفه آبادی زمین مخصوص انسان می‌باشد، زیرا ملایکه‌ها به اساس نداشتن قوه برتریت جویی و نفس نمی‌توانند زمین را آباد کنند، بلکه انسان همیشه علاقمند برتریت بوده و هر روز کوشش می‌کند که سیستم زنده گی، شرکت‌ها وسایل ترانسپورتی، مخابراتی و تخنیکی را هرچه بیشتر و بهتر اعمار نمی‌نماید و همچنان حیوانات به اساس نداشتن عقل نمی‌توانستند که زمین را آباد کنند، زیرا آنان مطابق فطرت تنها ساختمان‌های می‌سازند که با گذشت قرون زیادی باهم فرق نداشته و همان مسیر فطری را مطابق شعور خویش پیروی می‌کنند.

ح: انسان مخلوق با اختیار است: امانت اختیار که برای مخلوقات دیگری بیان شد و آنان نتوانستند این امانت را به دوش کشند. انسان این امانت را متحمل شد.

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من بیچاره زند

بناءً انسان با درک مفاهیم فوق می‌داند که:

۱- او مخلوقی است با هدف.

۲- خلقت او هدفمند بوده هدف او مقدس وسایل وصول به هدف نیز مقدس می‌باشد.

۳- دنیا وسیله است که مانند یک موتور برای انسان خلق شده است.

خود انسان هدف بوده و هدف انسان رضایت پروردگار می‌باشد.

به همان سان که شخصی هدف دارد که هرروز به وظیفه خویش برود و برای رسیدن به منزل مقصود موتور می‌خرد این موتور وسیله است او را به منزل مقصود می‌رساند هرگاه موتور را هدف بسازد اشتباه می‌کند دنیا نیز مانند همین موتور وسیله است. انسان را به هدف اصلی که رضایت پروردگار است می‌رساند دنیا چیز بدی نیست یک ساعت عمر دنیا از میلیون‌ها میلیون دالر با ارزش تر است می‌گویند: روزی یکتن از دانشمندان در مورد آخرت صحبت می‌کرد. یکی از شاگردانش، مقداری از پول را گرفته پاره پاره نمود آن دانشمند برایش گفت: این عمل خودت ویژه گی اسلام را تمثیل نمی‌کند و هدف اسلام هم این نیست که انسان از دنیا رو بگرداند بلکه هدف من، خارج نمودن محبت پول از قلب می‌باشد این ثروت را از قلبت بیرون نما در جیب بگذار و مصرف نما.

۴- انسان مؤمن می‌داند که او انسان با کرامت است نباید این چهره مکرم خویش را در مقابل بتها، انسان‌ها، سنگ‌ها خم نموده به آن سجده نماید می‌گویند روزی حضرت عمر<sup>(رض)</sup> نزد حجرالاسود آمد او را بوسید و برایش خطاب نمود: که ای سنگ ساه! من می‌دانم که تو یکبارچه سنگ هستی هیچ نفع و ضرری کرده نمی‌توانی و اگر من پیامبر را نمیدیدم که ترا می‌بوسد هرگز ترا نمی‌بوسیدم.<sup>۳۰</sup>

حضرت عمر<sup>(رض)</sup> با فهم عقیده اسلامی میدانست که مسلمانان به سنگ سجده نمی‌کنند، به کعبه سجده نمی‌کنند. به پیامبر سجده نمی‌کنند.

زیرا اینها مخلوق هستند تنها به خالق همه سجده جایز است، مسلمانان حجرالاسود را مطابق یک سنت پیامبر بوسه می‌کنند، بدین عقیده که این سنگ ضرر و نفعی رسانده نمی‌تواند، مسلمانان به سوی کعبه

<sup>۳۰</sup> اشاره به حدیث شریف است که صحیح بخاری شریف روایت نموده است.

منحیث قبله مسلمانان رو می‌آورند. تا در نمازهای شان ترتیب و تنظیم باشد، ولی کعبه را سجده نمی‌کنند، زیرا کعبه مخلوق است. از خاک و گل ساخته شده است. فقط رمز یکپارچه سازی و توحید مسلمانان است.

حدثنا محمد بن کثیر احبرنا سفیان عن الاعمش عن ابراهیم عن عابس بن ربیعہ عن عمر (رض) جأ الي الحجر الاسود فقبله فقال ابی اعلم انک حجر لاتصر و لا تنفع و لونا ابی رایست (ص) یقبلک. (حدیث بخاری ۴۹۴)

### مشکل انسان در عصر حاضر

مشکل اساسی جهان امروزی در انسان سازی است. به اساس گفته از دانشمندان انسان‌ها توانستند که نسبت به ماهی‌ها بهتر و خوبتر شنا نمایند و توانستند که بهتر از پرنده‌گان به آسمان پرواز نمایند و بالاخره توانستند که وسایل پیشرفته بسازند که جهان بزرگ را مانند یک قریه کوچک بسازند ولی آنچه نتوانستند بسازند خود انسان است.

امروز بزرگترین مشکل جهان در خود انسان است. این انسان با وجود داشتن تمامی امکانات تکنالوژی بازهم در بسا حالات خود را حقیرتر از حیوانات می‌سازد و حتی جریمه این انسان به اندازه می‌شود که اگر یک درنده یک حوانی را شکار کند و یا یک انسانی را در جنگل نابود سازد. این انسان در یک لحظه هزاران انسان مظلوم را به خاک و خون مبدل می‌کند.

نخستین هدف قرآن عظیم الشان انسان سازی می‌باشد، زیرا مشکل تمامی بشریت زمانی به اوج می‌رسد که انسانها نتوانند خودسازی کنند. در عصر امروزی بسیاری از کشورهای جهان با بحث و تحقیقات فراوان در مورد وسایل مادی توانستند که بهترین وسایل را کشف و به دسترس انسان قرار دهد. همین انسان‌ها توانستند که این جهان بزرگ را مانند یک قریه کوچک ساخته از یک کرانه آن به کرانه دیگر با بسیار سهولت نقل و حرکت نمایند. یک انسان می‌تواند با برادر انسانی خویش از مسافه‌های بسیار دور به فاصله هزاران کیلومتر تماس گرفته و در هر لحظه از اخبار و حادثات جهان به بسیار ساده‌گی اطلاع حاصل نماید، ولی مشکل اساسی انسانها درین است که آنان در عصر ساینس و تکنالوژی صرف دو کار کرده اند:

۱- وسیله سازی

۲- کشف بخش‌های مادی در زمین و کهکشانها.

۱- بخش وسیله سازی: از دیدگاه اسلام وسیله سازی برای رفاه بشریت کار بسیار خوب و ارزشمند

است زیرا انسان منحیث یک موجود با کرامت و با ارزش ضرورت دارد که با وسایل بسیار عالی زنده‌گی نماید و بسیاری از حقیقت‌ها را با استفاده ازین وسایل درک نماید و این وسایل را در راه معرفت انسان شناسی، انسان سازی و بالاخره خداشناسی و جهان‌بینی انسانی به کار برد.

ولی مشکل عصر امروزی ما اینست که آنان با ساختن وسایل بسیار عصری و مدرن خود وسایل را وسیله ندانسته بلکه همین وسایل دست ساخته خود را هدف قرار دادند و مانند بت‌پرستان دو باره به پرستش وسایل دست ساخته خود آغاز نمودند ارزش انسان را بسیار کم دانستند و امروز ما شاهد کشته شدن ملیون‌ها انسان



به خاطر رسیدن بعضی از انسان‌ها به همین وسایل می‌باشد وقتی در کشوری نفت وجود دارد. اهل این کشور همه روزه به خاطر این سرمایه خویشت باید جان خود را از دست دهند، زیرا کسان دیگری هستند که می‌خواهند به این نفت دسترسی داشته باشند، بعضی از مردن به خاطر خاک خود روزانه ده‌ها کشته و زخمی دارند، زیرا خاک آنان مورد پسند دیگران شده است، آنان مجبورند یا خانه و کاشانه و وطن خود را ترک نمایند، و یا هم کشته شوند و خانه و وطن‌های شان در تصرف دیگران قرار داده شود و هرگاه بخواهند که از حق خود دفاع نمایند. بازهم همین انسان خود پسند، قانونی را به نفع خود ترتیب نموده که هرغاصب و ظالم را (مترقی، آزادی خواه، بشردوست، متمدن) دانسته برعکس هر مظلومی را که حقش خورده شد، وطنش غضب شده اطفالش یتیم شده زن‌های‌شان بیوه شده، دختران و خواهران شان مورد تجاوز لشکریان انسان قرار گرفته، خانه‌های شان با بلدوزرها و یا هم با بم‌های خطرناک منفجر شده. به نام‌های (عقب مانده، تروریست، وحشی، جنایت‌کار و غیره) به شمار می‌روند.

### پس مشکل در کجاست؟

مشکل درین است که وسیله ساخته شده، ولی انسان ساخته نشده است و شاعر بیچاره در طول عمر خویش نعره می‌زند که:

از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست.

امروز همین انسان برای همچو انسان زیستن در حیرت‌اند. به سبب همین مشکل بنیان خانواده‌ها رو به نابودی است، احترام والدین از بین می‌روند، باهم زیستن روز بروز آسیب می‌بیند، هر کشور دیگری می‌گردد، همین انسان بالاخره دست به جنایاتی می‌زند که حتی حیوانات هم همین جنایت را مرتکب نمی‌شوند.

گفت آن کس که می‌طلبی یافت نمی‌شود

آن کس که یافت می‌نشود آنم آرزوست

۲- موضوع کشف در کپکشان: امروز انسان‌ها همه روزه با دستیابی به وسایل مختلف امور مادی سبقت نموده‌اند، با ساختن تلسکوپ‌ها کپکشان‌ها را مشاهده نمودند، با ساختن میکروسکوپ‌ها موجودات ذروی و مایکروب‌ها را کشف نمودند و با ساختن وسایل انتقالی خود را به مریخ رسانیدند، ولی چه پیامی برای انسانیت آوردند، جنگ اтомی جنگ سیاره‌ها و بالاخره قتل‌های دسته جمعی انسان‌ها چون هیروشیما و ناکاساکی، چون جنگ‌ها اول و دوم جهانی و بالاخره انتظار جنگ سوم و خطرناک جهانی، که شاید پیشرفت وسایل جنگی به نابودی همه بیانجامد و شاید هم قیامت انسانی.

راه حل: در میان این همه بدبختی‌ها بازهم کتاب الهی راه حل تمامی این مشکلات را تقدیم نموده و انسان را نخست برای انسان می‌شناساند و سپس برای انسان‌سازی برنامه‌هایی را تقدیم انسان‌ها می‌کند که ما درین مبحث نخست روی همین دو موضوع صحبت خواهیم داشت: انسان‌شناسی قرآنی، انسان‌سازی قرآنی.



## انسان سازی در جهان بینی اسلامی

فلسفه اساسی عبادات در دین اسلام انسان سازی و بعدها جامعه سازی می باشد، عباداتی را که دین مقدس اسلام بیان داشته است، هدف اساسی آن انسان سازی است. دین اسلام همان کاری را می کند که انسان برای به دست آوردن یک موثر انجام می دهد. بالای موثر پنج کار آرایی شده تا که موثر ساخته شده است.

- ۱- کشف معدن
- ۲- استخراج معدن
- ۳- ذوب معدن
- ۴- قطعه سازی
- ۵- اتصال این قطعه ها

دین چی کار می کند، هر کاری را ما برای ساختن یک موثر می کنم، دین بالای انسان می کند:

۱- کشف معدن: نخست دین انسان را کشف می کند، اگر دین نباشد ما خود را کشف نکرده ایم، مثلاً کسانی کی دین ندارد، نظرات مختلف دارند، یکی می گوید اساس انسان شهوت است، دیگری انسان یک موجود اقتصادی است، دیگری انسان را به اصل میمون ها و شامپانزی ها می سپارد. ولی هرگاه این نظریات را عاقلانه مورد بحث قرار دهیم، به خوبی می دانیم که اکثریت نظریات مادی نمی تواند برتریت انسان را نسبت به انسان ها قوه و توانایی بیشتر دارند، مثلاً: هرگاه خوردن امتیاز باشد حیوانات نسبت به انسان ها بیشتر می خورند.

بلند بردن وزن اگر کمال باشد، مورچه ها پنجاه چند خود بار می برند اگر دیدن کمال باشد بعضی حیوانات زیر برف را می بینند. اگر بو نمودن کمال باشد بعضی از حیوانات قوای شامعه بسیار قوی داشته و با بو نمودن می توانند ماین ها و مخدرات را به ساده گی کشف نمایند، که بسیاری این صفات در انسان ها ضعیف می باشد. دین برای انسان چیزی دیگری می گوید، انسان را به گونه دیگری معرفی می کند که برتریت انسان ها را نسبت به مخلوقات دیگر ثابت می کند، نه تنها انسان برتریت بر حیوانات و جن ها دارد، بلکه برتریت وی گاهگاهی نسبت به ملایکه ها نیز ثابت می گردد، دین مقدس اسلام می گوید.

الف: اصل پیدایش وی بسیار پاک و مقدس است: زیرا بعد از خلقت صورت مادی آدم<sup>(ع)</sup> روح پاکی در وی دمیده شد.

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص/۷۲)

**ترجمه:** هرگاه او را برابر ساختیم و در او روح خود را دماندم برایش سجده کنید.

امام قرطبی در تفسیر این آیت مبارک می فرماید: روح جسم لطیفی می باشد و خداوند حیات را در بدن انسان خلق می کند، در حقیقت اینجا خداوند<sup>(ع)</sup> مخلوق را به ذات خویش بخاطر شرف بخشیدن و کرامت دادن برای انسان نسبت داده است، زیرا روح یکی از مخلوقات الهی است، چنانچه بعضی از مخلوقات دیگر را برای شرف بخشیدن به آنان به خود نسبت داده است.

(أَرْضِي و سَمَائِي و بَيْتِي و نَاقَةَ اللَّهِ و شَهْرَ اللَّهِ) زمین من، آسمان من، خانه من شتر خدا، ماه خدا، ما کعبه شریف و مساجد را خانه خدا می‌گوییم، درحالیکه خداوند<sup>(ع)</sup> از داشتن خانه پاک می‌باشد، ولی این نسبت برای شرف دادن به این خانه‌هاست، زیرا درین خانه‌ها عبادت خداوند می‌شود، این خانه‌ها جای عبادت خداوند<sup>(ع)</sup> است بنام خانه‌های خداوند نامیده شده‌اند.

ب: اشرف المخلوقات (شریف‌ترین مخلوقات) می‌باشد.

ج: برایش کرامت داده شده است **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... (الاسراء/۷۰)**

د: انسان با چهره زیبا خلق شده است.

ه: علم مهم‌ترین زیورش می‌باشد.

و: انسان مخلوق با اختیار است.

۲- استخراج معدن: دین مقدس اسلام بعد از این که این معدن گرانها را در میان سایر مخلوقات کشف نمود برای این که او را از میان دیگران خارج نمی‌سازد برای انسان وظایف مشخصی می‌دهد که ارزش او را نسبت به دیگران برتر می‌سازد.

الف: انسان خلیفه (جانشین) خداوند در زمین است: خداوند<sup>(ع)</sup> انسان را من حیث جانشین خویش در زمین مقرر نمود، تا تمامی احکام الهی را، در روی زمین تطبیق نماید. بناءً این وظیفه خلافت نه به ملایکه داده شده است، نه به جن و نه هم به کدام مخلوقی دیگری داده شده است، انسان سفیر خدای عزوجل در زمین است و با این سفارت خویش تمامی اوامر الهی را بر خود و بر هر عضو این جامعه تطبیق می‌کند و این بزرگترین شرف این انسان است، زیرا از دیدگاه وظیفوی قدسیت در وظیفه حاصلش شد.

ب: وظیفه انسان آبادی زمین و عبادت پروردگار می‌باشد: وظیفه آبادی زمین مخصوص انسان می‌باشد، زیرا ملایکه‌ها به اساس نداشتن قوه برتریت جویی و نفس نمی‌توانند زمین را آباد کنند.

ج: برای عبادت خالق یکتا خلق شده است. اگرچه همه مخلوقات به خدمت انسان می‌باشند، ولی انسان به خدمت پروردگار خویش می‌باشد.

ابرو باد و مه و خورشید و فلک درکارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

د: او مخلوقی است با هدف: خلقت او هدفمند بوده هدف او مقدس، وسایل وصول به هدف نیز مقدس می‌باشد.

۳- ذوب معدن: عبادت‌ها تکلیف برای تشریف می‌باشند. دین مقدس اسلام این معدن انسانی را با عبادت‌های مختلف ذوب نموده، از او انسان می‌سازد عبادت در اسلام برای ساختن انسان است. انسان با عبادت‌های مختلف به مقام انسانی می‌رسد. زیرا انسان دارای دو بعد انسانی و حیوانی بوده که عبادات نفس اماره بالسوء را به نفس مطمئنه مبدل می‌سازد. انسان مومن با درک حقیقت‌های قرآنی مانند آهن ذوب شده و

آماده ساخته می‌شود، این عبادت است که انسان را از حیوانیت به انسانیت و از انسانیت به برتریت از ملایکه‌ها می‌کشانند.

**۴- قطعه سازی:** دین مقدس اسلام به انسان می‌آموزاند تا خودسازی نماید و مانند قطعه‌ها و پرزه‌های اصیل در ساختار یک جامعه انسانی نقش خویش را ایفا نماید. مرحله خودسازی انسان زمانی آغاز می‌گردد که انسان به عبادتها مشغول شده با ذکر و یاد خداوند داخلش را تزکیه نماید، با انجام سایر عبادات بدنی هر عضو بدن را به بارگاه الهی تسلیم نموده و مانند قطعه‌های یک ماشین آماده می‌گردد تا نقش خود را در پیوستن با دیگران ایفا نماید، این انسان سخنش ذکر بوده و خاموشی اش فکر می‌گردد. عبادت‌ها و تفکیر در مخلوقات الهی انسان را از غلامی نفس کشانده او را به مقام‌های عالی انسانی می‌رساند.

**۵- اتصال این قطعه‌ها:** زمانی انسان از مرحله خود سازی خلاص می‌شود که وی در جامعه انسانی جدا از دیگران نه بلکه با آمیزش و پیوند با دیگران به یک کتله‌ای واحد تبدیل شده که هر انسانی دارای ارزش خاصی در میان جامعه انسانی می‌باشد که این کتله را بنام امت اسلام یاد می‌کنند و هدف کلمه توحید (یک پارچه سازی عالم انسانی) می‌باشد همه برادروار زنده‌گی نموده، هیچکسی بر کسی دیگری به جز تقوا برتری نمی‌داند. به همین سان دیده می‌شود که بسا اوقات موثر بزرگ با همه بزرگی اش با نداشتن یک پرزه کوچک و حتا یک پیچ قابل حرکت نمی‌باشد و به همین سان انسانها نقش هر یک را در جامعه مؤثر دانسته، هیچکس بالای دیگری تمسخر نمی‌کند این انسان با درک حقیقت‌ها می‌داند که در ساختمان فیزیکی انسان با وجود این که چشم برای دیدن است، این چشم نمی‌تواند بدون معده وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، با این که پاها وزن تمام بدن را می‌بردارند ولی نمی‌توانند، بدون چشمان به خوبی ایفای وظیفه نمی‌تواند، بناءً موجودیت بسیار اعضای کوچک بدن در کاربرد ساختمانی فیزیکی انسان بی‌نهایت مؤثر می‌باشد، به همین سان، در جامعه انسانی هراسان نقش مهمی داشته که انسان مسلمان خود را منحیث یک عضوی از جامعه اسلامی فکر نموده و به این اساس هیچگاهی از جامعه خود را دور نمی‌داند، زیرا به اساس اوامر الهی در دعاهای خود نیز منفردانه رها نکرده بلکه همیشه سایر مسلمانان را شامل دعای خود می‌کند و می‌گوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (البقرة/۲۰۱)

**ترجمه:** ای پروردگار ما بده ما را در دنیا خوبی و در آخرت خوبی؛ و نگهدار ما را از عذاب دوزخ.

و در عبادت خود نیز به خداوند به نمایندگی همه خطاب نموده می‌گوید: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**

(الفاتحة/۵)

**ترجمه:** خاص ترا می‌پرستیم و خاص از تو یاری می‌جوییم.

روی این اصل شاعر مسلمان نیز این یک پارچه‌گی امت اسلام را چنین توصیف می‌کند:

بنی آدم اعضای یک پیکرند	که در آفرینش ز یک جوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دیگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بیغمی	نشاید که نامت نهند آدمی

## سوالات فصل ششم

### الف: سوالات تشریحی:

۱. نظر ماتریالیستان در مورد انسان چی است واضح نمایید.
۲. نظریات ایدئالستی در مورد انسان تحریر دارید.
۳. در مورد شخصیت انسان در قرآن کریم معلومات دهید.
۴. مشکل انسان در عصر حاضر چیست؟
۵. راه حل برای همه مشکلات جامعه بشری چیست واضح نمایید؟

### ب: سوالات صحیح و غلط:

۱. یکی از وظایف انسان اعمار زمین است.
۲. انسان یک مخلوق هدفمند است که برای عبادت و بندگی الله (ج) خلق گردیده.
۳. مشکل جامعه بشری در این است که به وسایل دسترسی ندارد.
۴. دنیا وسیله است نه هدف.

### ج: سوالات خانه خالی: خانه خالی‌های ذیل را با ترجمه آیات شریف پر نمایید.

- ۱- (وعلم ادم الاسما، کلها) سوره بقره آیه ۳۱ (.....)
- ۲- قالو اسبحانک لاعلمنا الا ما علمتنا) سوره بقره آیه ۳۲ (.....)
- ۳- ولقد کرمننا بنی ادم) سوره اسرا آیه ۷۰ (.....)

## فصل هفتم

### طبیعت شناسی

#### اهداف آموزشی فصل:

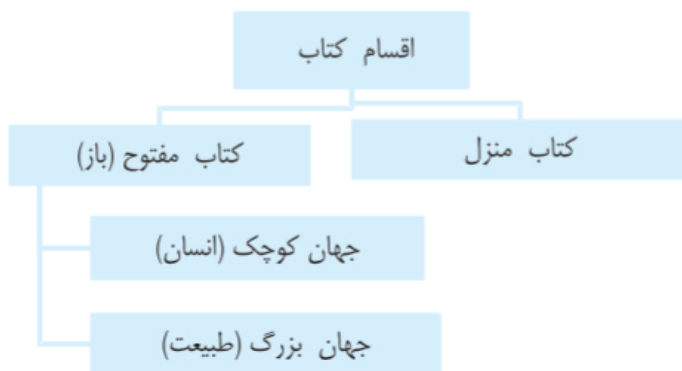
- کسب دانش در مورد طبیعت شناسی در جهان بینی اسلامی
- کسب دانش در مورد ارزش طبیعت در جهان بینی اسلامی
- کسب دانش در مورد رابطه با دنیا از دیدگاه اسلام
- کسب دانش در مورد استفاده از طبیعت و دنیا منحصیث وسیله

#### مقدمه

درین فصل طبیعت شناسی در جهان بینی اسلامی، چگونه می توانیم از طبیعت استفاده کنیم، رابطه با دنیا از دیدگاه اسلام، در مورد جهان بزرگ و کوچک و دنیا منحصیث هدف بحث می شود.

#### ارزش طبیعت در جهان بینی اسلامی

از دیدگاه شریعت اسلامی طبیعت کتاب باز خداوند متعال است به این معنی که خدای عزوجل دو نوع کتاب برای رهنمایی و هدایت بشریت فرستاده است:



نوع اول: کتاب منزل (قرآن کریم): این کتاب که بنام کتاب مقروء (قرائت شده) متلوا (تلاوت شده) کتاب منزل (کتاب نازل شده) یاد می‌گردد قرآن عظیم الشان است که در لوح محفوظ ثبت است و توسط یک ملایکه امانت کار که به نام حضرت جبرئیل (ع) است. بالای شخصی که در تمام عمرش به امانت‌داری شهرت داشت و این لقب را مردم زمانه اش از مومنین و غیرمومنین بالای وی گذاشته بودند و به نام محمد امین (ص) در تاریخ بشریت ثبت است نازل گردیده و او آن را برای مردم جهان با همان امانت تقدیم و تسلیم نمود.

نوع دوم: کتاب مفتوه (کتاب باز): منظور از کتاب مفتوح دو کتاب بزرگی است که به معنای دو جهان است: خداوند متعال می‌فرماید:

سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوْلَمَ يَكْفِرُ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت/ ۵۳)

**ترجمه:** ما نشانه‌های قدرت خود را در آفاق جهان و نفس‌های بنده‌گان نشان می‌دهیم تا برای شان واضح گردد که خداوند حق است به اساس این آیت مبارک نشان‌های قدرت خدای عزوجل در دو بخش وجود دارد که عبارت از دو جهان می‌باشد.

۱- **جهان بزرگ (طبیعت):** این جهان مانند کتاب باز الهی تمامی حقیقت‌ها و شناخت حقایق در آن وجود دارد و هرگاه انسان به طبیعت به نظر دقیق نظر اندازد تمامی آثار وجود خدای عزوجل را در آن می‌بینیم.

### نظری بر طبیعت

بالای هر انسان دانشمند و با عقل لازم است که در ساختار طبیعت نظر افکنده و با تحقیق درین جهان به نتایجی نایل گردد که این نتایج دارای ارزش‌های فراوان هم در زنده گی دنیایی وی داشته و هم راهی را برای شناخت خدای عزوجل و ایمان به جهان دیگر باز می‌نماید.

۱- **جهان کوچک (انسان):** آناتومی و فزیولوژی انسان نیز کتاب باز دیگری است که در هر قسمت آن از حجرات (سلول‌ها Cells) گرفته، تا انساج (tissue) و اعضا و بالاخره سیستم‌ها (Systems) و ساختمان کلی انسان مانند کتاب باز الهی دلیلی اند بر خالق این همه.

### رابطه با دنیا از دیدگاه اسلام

دنیا، مابرداری، داشتن وسایل معیشت و اسباب رفاه در زنده گی از جمله اموری اند که در آیات متعدد قرآنی و احادیث نبوی (ص) گاهگاهی مورد تأیید قرار گرفته و گاهی هم مورد نکوهش و بدبینی بیان شده است که در بسا حالات سبب اختلاف میان ساده اندیشان و کوتاه‌نظران گردیده است.

درینجا باز مشکل دیگری ایجاد می‌شود که هرگاه ترک دنیا نمود، مخالفت با گفته پیامبر اسلام می‌شود که فرموده است:

(لارهبانة فی الاسلام) و هرگاه با دنیا محبت نمود مخالفت با حدیث دیگری می‌شود که (حسب الدنیا راس کل خطیئة)

حقیقت قرآنی اینست که دنیا و تمامی وسایل معیشت و رفاه به اساس دیدگاه انسان دارای منزلت ویا هم سبب بدبختی می‌گردد که دنیا را می‌توان منحیث وسیله استعمال نمود که درین حالت دنیا بهترین پدیده و وسایل دنیوی و راهی برای بهزیستی و سعادت دنیا و آخرت گردد ویا هم دنیا را منحیث هدف استعمال نمود که درینجاست که مشکل ایجاد می‌گردد و لازم است درینجا مختصر توافقی داشته باشیم:

### دنیا منحیث وسیله

هرگاه دنیا منحیث وسیله برای اهداف عالیای انسانی که (قرب بارگاه الهی) می‌باشد. استعمال گردد، دنیا بهترین چیز در زندگی است نصوص اسلامی همیشه دنیا را بهترین وسیله سعادت انسان دانسته است. برای توضیح این مطلب مثالی را بیان می‌کنم. همه می‌دانیم که موتر یکی از وسایل مهم زنده گی است و هرگاه موتوری داشته باشیم و آنرا منحیث وسیله زنده گی استعمال کنیم، بسیاری از مشکلات ما توسط موتر حل می‌گردد و ازینکه در تمامی حالات زنده گی برای ما کمک می‌کند بناءً هیچکسی موتر را چیز بدی گفته نمیتواند ولی باید درنظر داشت که زمانی این موتر به هدف مبدل گردد و برای به دست آوردن آنان انسان از تمامی جنایت ها استفاده کند درین صورت موتر چیز زشتی در زنده گی خواهد بود ویا اینکه با به دست آوردن موتر انسان به یک انسان متکبر و خود خواه مبدل شده، به آن افتخار نموده، ویا هم خودش در خدمت موتر بوده هر وقتی آنرا صافی نموده و قلب خود را با موتر داشته باشد ولی در هنگام ضرورت پای پیاده به شهر رود درین صورت موتر به یک هدف غلط و نادرست مبدل می‌گردد. به همین سان هرگاه دنیا به مثل این موتر استعمال گردد. عین مطلب را افاده می‌کند، آنانی که حقیقت دنیا را درک نموده اند و دنیا را منحیث یک وسیله خوب استعمال می‌کنند، از وقتی که در دنیا برای شان داده شده است استفاده میکنند و از تمامی داشته های دنیوی منحیث وسیله استفاده میکنند دنیا برای آنان بهترین سرمایه است و روی همین علت گفته است که **(الدنيا مزرعة الآخرة)**. دنیا مزرعه یا کشت زار برای آخرت است. همه میدانیم که دهقان برای به دست آوردن گندم از زمین استفاده می‌کند و زمین برای دهقان با ارزش است، ولی هدف دهقان ذات زمین نه بلکه حاصلات زمین است. دنیا هم مانند زمین به نزدیک مؤمن است دنیا را مانند همین زمین استعمال می‌کند، برای دنیا سعی و تلاش می‌ورزد، ولی هدف اساسی وی محصولات دنیاست که برای آخرت بدرد می‌خورد.

ساحران فرعون به صدهاسال مشغول کارهای زشت و جادوگری بودند ولی هنگامیکه حقیقت دنیا را درک کردند و طبیعت، جهان و انسان را شناختند، و دانستند که خدایی وجود دارد که برای موسی <sup>(ع)</sup> معجزه داده است همه به حقیقت تسلیم شدند، آنان در نیم ساعت مسلمان شدند، در همین نیم ساعت به اصحاب موسی <sup>(ع)</sup> مبدل شدند، در همین نیم ساعت منحیث شخصیت های با ایمان قصه شان برای عبرت دیگران در قرآن گریه ذکر شد اکنون نیم ساعت عمر آنان که منحیث وسیله برای رضایت خدای عزوجل استعمال شده بود نسبت به صد سال عمر قبلی آن که منحیث هدف استعمال شده بود با ارزش تر بود.

بناءً به این نتیجه میرسیم که دنیا بهترین وسیله برای به دست آوردن سعادت دنیا و آخرت می‌گردد به شرطی که منحیث وسیله برای رسیدن این هدف استعمال گردد. و دنیا زشت‌ترین موجود برای انسان می‌شود



هرگاه خود دنیا هدف قرار گیرد و تمامی جنایت های برای به دست آوردن دنیا ضرورت گیرد.

**۲- دنیا منحیث هدف:** هرگاه دنیا منحیث هدف قرار گیرد و تمام سعی و تلاش انسان برای به دست آوردن دنیا باشد، درینجاست که دنیا سبب فراموشی اهداف عالی انسان قرار میگیرد که بزرگترین این اهداف شناخت خدای عزوجل و قرب بارگاه وی است.

در اصطلاح شریعت اسلامی دنیا به اساس نامش بسیار دون گفته شده است. و شایسته این است که هدف قرارداده شود، هدف انسان باید بسیار عالی باشد که این بزرگی در رضایت خدای عزوجل است، و هرگاه انسان دنیا را هدف قرار دهد، هدف قرار دادن چیز پست و ضعیف انسانرا به دنائت و پستی رهسپار می کند زیرا درین حالت دنیا در مقابل خدای عزوجل واقع میگردد، و مقایسه نمودن دنیا با خدای عزوجل در حقیقت دنائت و پستی دنیا را ثابت می کند، زیرا دنیا در مقابل خدای عزوجل یک چیز کوچک و اندک و پست است.

اکنون محبت دنیا مخالف با محبت خداست، انسان مومن خدای عزوجل را دوست دارد، با وی محبت می ورزد و قرآن عظیم الشان میفرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (البقرة/۱۶۵)

**ترجمه:** بعضی از مردمان بدون خدا کسان دیگری را با خدا شریک می کنند و آنان را مانند محبت خدا دوست میداشته باشند، ولی کسانی که ایمان دارند، محبت بسیار قوی با خداوند دارند.

روی همین علت است که نصوص اسلامی همیشه برای انسان می فهماند که دنیا را دوست نداشته باشند، زیرا محبت دنیا، دنیا را برای شما هدف می سازد، بلکه خدای عزوجل را دوست بدارید و دنیا را منحیث وسیله بسیار با ارزش و مهم برای رضایت خدای عزوجل استعمال نمایید. مثلاً کسانی که خدای عزوجل را دوست دارند از مصرف نمودن آن حتی در راه خدای عزوجل ممانعت می کنند.

خدای عزوجل می فرماید:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران/۱۴)

**ترجمه:** آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از خاتمها، فرزندان، خزانه های افراشته شده از زر و سیم، اسپان نشانی شده، چهار پایان و زراعت. (این همه) بهره زنده گانی دنیاست و بازگشت به نزد خدای عزوجل است.

این آیت شریف بیان می دارد که برای مردم این امور زینت داده شده تا با همه محبت نموده محبت حقیقی را فراموش نماید، ولی بازگشت حقیقی که شایسته هدف مندی است به نزد خدای عزوجل وجود دارد و انسان را شایسته است تا با محبت به خدای عزوجل از همه این امور مانند وسیله استفاده نموده و با آنها قلباً محبت نداشته باشد.

بناءً در دین مقدس اسلام ترک دنیا مذموم می باشد و بیکاره بودن و از نعمت های خدای دوری نمودن نیز درست نیست و به همین سان محبت با دنیا و آن را هدف قراردادن نیز درست نیست، بلکه دنیا منحیث وسیله رضایت خدای عزوجل منحیث هدف انسان را به فلاح و رستگاری می رساند.



خدای عزوجل می‌فرماید.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران/۳۱)

**ترجمه:** بگو ای محمد (ص)! اگر شما خدا را دوست دارید بناءً متابعت مرا کنید: خداوند شما را دوست می‌داشته باشد و گناهان شما را مغفرت می‌کند و خداوند بخشایندهٔ گناهان و مهربان است. و باز کسانی را خطاب می‌کند که از محبت خدا دوری نموده و از حق بسوی باطل می‌روند خدای عزوجل می‌فرماید:

... وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد/۳۸)

**ترجمه:** و اگر شما (مسلمانان) از دین رو برگردانید قوم دیگری را جانشین شما خواهیم کرد که آنان مانند شما نباشند.

نتایج و آثار هدف قرار دادن دنیا: در عصر امروزی وقتی زندگی کسانی را مورد مقایسه قرار دهیم که دنیا را هدف قرار داده اند، به خوبی مشاهده می‌کنیم که اینگونه اشخاص با وجود این که دارای منازل و مراتب عالی در زنده گی خویش شده اند. وسایل خوب معیشتی را دارا می‌باشند، ولی دنیا آنان را چنان پست و ذلیل ساخته است که قتل هزاران انسان، گرسنگی میلیون‌ها انسان، خرید و فروش انسان‌ها انتشار مخدرات، انتشار فساد اخلاقی، انتشار امراض مختلف نخستین دست‌آوردهای آنان می‌باشد.

## پیدایش طبیعت و اجزای آن

در قسمت پیدایش طبیعت سه فرضیه وجود دارد.

اول: طبیعت و جهان را خالق است که آن را خلق نموده است.

دوم: طبیعت تصادفاً پیدا شده است.

سوم: طبیعت ساخته ذرات ماده و اجزای آنست یعنی عناصر مادهٔ اصلی خودش اندیشیده است.

دقت نموده است و بررسی کرده است و تصمیم گرفته است که اشیای گوناگون این جهان را بیافریند.

از دیدگاه دین مقدس اسلام برای طبیعت خالق است که او را خلق نموده و اکنون هم تمامی تنظیم و

امور آن به دست خالق یکتاست، و همهٔ طبیعت و نظم طبیعت شاهد وجود خالق آن است، ولی فرضیه‌هایی

مانند تصادفی خلق شدن طبیعت و یا هم ایجاد طبیعت توسط اجزای خودش فرضیه‌هایی اند که تمامی

دانشمندان و اشخاص صاحب عقل آن را خارج از دایرهٔ عقل می‌دانند.

## سوالات فصل هفتم:

### الف: سوالات تشریحی:

- ۱- در مورد طبیعت شناسی در جهان بینی اسلامی معلومات دهید.
- ۲- چگونه می توانیم از طبیعت استفاده نماییم؟
- ۳- در مورد رابطه با دنیا از دیدگاه اسلام معلومات دهید.
- ۴- جهان بزرگ یعنی چی واضح نمایید؟

### ب: سوالات صحیح و غلط:

۱. از دیدگاه اسلام طبیعت کتاب باز الله (ج) است.
۲. الله (ج) برای رهنمایی و هدایت بشریت دو نوع کتاب فرستاده است.
۳. جهان کوچک یعنی طبیعت

### ج: سوالات خانه خالی:

- ۱- کتاب مقرو، یعنی (.....)
- ۲- کتاب متلوا یعنی (.....)
- ۳- کتاب منزل یعنی (.....)

## فصل هشتم

# فلسفه عبادات در دین مقدس اسلام

### اهداف آموزشی فصل:

- کسب دانش در مورد فلسفه عبادات در اسلام
- کسب دانش در مورد ارزش عبادات در اسلام
- کسب دانش در مورد فلسفه نماز، روزه، زکات و حج در اسلام

### مقدمه

در این فصل موضوعات که بحث می‌شود حکمت و فلسفه عبادات در اسلام، معنی لغوی و اصطلاحی نماز، روزه، زکات و حج، فضایل عبادات در اسلام، دلایل فرض شدن عبادات متذکره، خصوصیات نماز رسول الله (ص)، جزای بی‌نمازان، نقش روزه در ساختار فرد و جامعه، نقش زکات در ساختار نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه و نقش حج در ساختار فرد و جامعه وی در موضوعات متفرقه بحث خواهد شد.

### حکمت و فلسفه نماز

- ۱- مفهوم نماز
- ۲- فلسفه‌های نماز
- ۳- خصوصیات نماز حضرت محمد (ص)
- ۴- جزای بی‌نمازان

### نماز در لغت و اصطلاح

نماز را در زبان عربی (صلاة) می‌گویند و این واژه در زبان عربی به سه مفهوم آمده است:

۱- **صلاة** از ریشه (صلی) گرفته شده است و مفهوم آن (چیزی که جی را حرارت و گرمی دادن) است تا راست شود و نماز را **صلاة** می‌گویند زیرا انسان به اساس گرفتاری به نفس و خواهشات نفسانی مبتلا به کجی می‌شود و نماز او را به عظمت پروردگار (ج) متوجه نموده، حرارتی را در قلبش بجا آورده و سبب استقامت انسان می‌گردد (**آن صلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر**) نماز انسان را از گناهان و بدکاری‌ها منع می‌نماید که

انسان گرفتار نفس اماره کجی شده است تا به وسیله نماز به آن حرارت و گرمی و عظمت خداوند (ج) رسیده و کجی آن دور شود.

۲- **صلاة** از اصل (صلت) گرفته شده است که به معنای تعلق و رابطه می‌باشد، و صلاة (نماز) ارتباط و علاقه انسان را با خداوند (ج) مخلوقات و هموعانش مستحکم می‌سازد، زیرا انسان بی نماز با پروردگار عالمیان قطع رابطه نموده است و با برگشت به نماز رابطه اش را با خداوند (ج) دوباره مستحکم می‌سازد.

۳- **صلاة** به معنی تحیت (احترام)، دعا و سلام نیز آمده است، زیرا مومنان یکتا پرست، تمامی احترامات خویش را در نماز خود به پروردگار خویش تقدیم می‌دارند و در نماز عرض و نیاز به دربار الهی نموده و با سخن گفتن به پروردگار دعای خویش را نیز برایش تقدیم می‌دارند.

### صلاة (نماز) در اصطلاح قرآن

در اصطلاح قرآن **صلاة** (نماز) به معنی توجه به سوی خدا، بخاطر خداوند (ج) به پا ایستادن به بارگاه خداوند (ج) دعا و زاری کردن به سوی خدا نزدیک شدن آمده است.

**نماز در اصطلاح شریعت اسلامی:** عبارت از عمل مخصوص است که با لفظ (الله اکبر) آغاز شده و با لفظ (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته) ختم می‌شود و دارای ارکان و شرایط خاصی می‌باشد.

**حقیقت نماز:** نماز دارای دو حقیقت است: ۱- صورت ظاهری ۲- معنای باطنی

۱- **حقیقت ظاهر:** ظاهر نماز یک سلسله از حرکات، تلاوت‌ها، ذکرها، دعاها و غیره اعمالی می‌باشد که هر کدام مثل تسلیمی هر عضو بدن انسان به احکام الهی بوده، زیرا این حرکات همه مطابق با دستاویز قرآنی و سنت نبوی انجام می‌شود که همه حرکات اعضای بدن انسان به احکام الهی بوده زیرا این حرکات همه مطابق با دستاویز قرآنی و سنت نبوی انجام می‌شود که همه اعضای بدن را مانند قرآن متحرکی در مقابل پروردگار (ج) تمثیل می‌نماید، ارتباط قلب، زبان، دستان، پاها، چشمان، گوش‌ها و همه اعضای بدن باهم به شکل متحدانه به نیایش پروردگار (ج) مشغول می‌شوند، که این حالتی است که انسان را از حالت عادی خارج شده و گویا مانند پیامبر به طرف معراج در حرکت می‌شود **(ان تعبد ربك کانک تراه فان لم تکن تراه فانه براءک)** خدا را چنان عبادت کن که او را میبینی هرگاه تو دیده نمی‌توانی او ترا می‌بیند.

**حقیقت روح نماز:** روح نماز مومن را از حالت عادی و از ارتباطات دنیوی به سوی پروردگار (ج) بلند نموده و لحظه است که خداوند متعال (ج) سخنان بنده خویش را شنیده و در مقابل هر کلمه اش برای فرشتگان از شخصیت و برتریت انسان و علاقه اش با پروردگار (ج) صحبت می‌نماید.

حضرت ابی هریره<sup>(رض)</sup> می‌فرماید: از رسول الله (ج) شنیدم که فرمود: خداوند (ج) می‌فرماید: نماز را بین خود و بنده ام تقسیم نموده ام و برای بنده ام داده می‌شود آنچه بخواهد.

هرگاه بنده بگوید: الرحمن الرحیم.

الله تعالی می‌فرماید: بنده ام ثنایم را بیان نمود.

هرگاه بنده بگوید: مالک یوم الدین.

الله (ج) می‌فرماید: بنده ام مرا تمجید نمود و گاهی می‌فرماید بنده ام آموزش را به من تفویض نمود. هرگاه بنده بگوید: ایاک نعبد و ایاک نستعین  
 الله (ج) می‌فرماید: این سخن در بین من و بنده ام است و برای بنده ام هرچه بخواهد داده می‌شود.  
 هرگاه بنده بگوید **اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین**.  
 الله (ج) می‌فرماید: این برای بنده ام است و برای اوست آنچه خواسته است.

### فلسفه‌های نماز مومنان

نماز در دین مقدس اسلام دارای ارزش زیاد بوده و حتی در احادیث شریف فرق میان مسلمان و کافر در ادای نماز بیان شده است برای دانستن نقش نماز در دین مقدس اسلام لازم است درین بحث مطالبی را پیرامون فلسفه نماز بیان دارم.

**۱- فلسفه سخن گفتن با پروردگار (ج):** نخستین فلسفه نماز در سخن گفتن با خداوند (ج) بیان شده است زیرا وقتی کسی بخواهد که با خداوند (ج) صحبت کند باید نماز بخواند و هرگاه می‌خواهد که خداوند (ج) با او صحبت نماید قرآن عظیم‌الشان را تلاوت نماید.

مسلمان با عقیده و متدین، برای این که با پروردگار خویش ارتباط داشته و مطابق هدایت الهی روزانه پنج مرتبه با پروردگار خویش با سخن گفتن عرض و نیاز نماید در خواندن نمازهای خویش جدا متوجه بوده با پاکی مادی و معنوی، جسم، لباس مکان و مراعات سایر احکام نماز با خشوع (حضور قلب فکر و اندیشه) و تواضع (فروتنی و شکستگی) در مقابل خداوند (ج) به طرف قبله رو نموده به عبادات خداوند (ج) از طریق ادای نماز فرض واجب، سنت و نقل مطالب قلبی و آرزوهای حیاتی و آخروی خویش را به پروردگار (ج) بیان می‌دارد.

این مومن می‌داند که نماز سخن گفتن را پروردگار (ج) است انسان همیشه با دوست خود سخن می‌گوید برای دوست خود رازهای خود را بیان می‌دارد از دوست خود کمک می‌خواهد به خانه دوست خود رفته و کوشش می‌کند تا رضایت دوست خود را حاصل نماید. عملی را انجام نمی‌دهد که مورد ناخوشی دوستش قرار گردد و ازینکه این مومن می‌داند که (والذین آمنوا اشد حباله) کسانی که ایمان دارند محبت بسیاری قوی با خداوند (ج) دارند بناءً این محبت خویش را با خداوند متعال (ج) همه روزه با عبادت و سخن گفتن با پروردگار (ج) از طریق نماز زیاد می‌کنند.

اما ترک نماز بدین معنا است که با خداوند (ج) قهر و خفه است، نمی‌خواهد با خداوند (ج) گپ بزند لازم است این انسان دوباره با خدا آشتی کند و نماز بخواند، اگر مفهوم نماز سخن گفتن با پروردگار (ج) است، پس نخواندن نماز به مفهوم ترک سخن با خداوند متعال (ج) انسان وقتی با کسی سخن می‌گوید که با او آزرده باشد و یا با او دشمنی داشته باشد.

کسانی که خود را مؤمن می‌دانند و ادعای اسلام می‌کنند، ولی نماز نمی‌خوانند، لازم است تا دوباره به دربار الهی رجوع نموده با خدا آشتی نمایند و این آشتی خود را با خواندن نماز اعلام نمایند.

از این که نماز سخن گفتن با الله (ج) است، هرگاه کسی بعد از نماز قسم بخورد که با الله (ج) سخن گفتم حانث یا گنهکار نمی‌شود و قسمتش درست است از این که نماز سخن گفتن با خداوند متعال (ج) است و بنده با

خدای خود ملاقات می‌کند بالای این انسان لازم است تا متوجه به پاکی بدن و لباس خویش باشد خداوند متعال می‌فرماید: **(خذوا زینتکم عند کل مسجد)** یعنی در هر جایی که نماز می‌خوانید با زینت باشید صحابه کرام وقتی مسجد لباس پاک می‌پوشیدند خود را زینت میدادند عطر می‌زدند می‌گفتند ما به ملاقات الله (ج) می‌رویم. وقتی خداوند متعال (ج) بنده‌گان خود را امر نموده است که روزانه پنج وقت به دربارش رجوع نموده و در مقابل ذات وی ایستاده بنده‌گی و محبت خود را با خداوند ثابت نماید، مخالف این امر دیگری تفسیر ندارد زیرا این که کسی نخواهد با خداوند صحبت نماید.

بعضی از مردمان هستند که نماز را ترک می‌کنند، ولی رحمت خداوند (ج) نهایت زیاد است بازهم برای آنها وقت می‌دهد که با دانستن حقیقت دوباره رجوع نموده و اشتباهات قلبی را با خواندن نمازهای قضائی جبران نمایند ولی کسی که رابطه خود را با خداوند (ج) هفته‌ها ماه‌ها و بالاخره قطع می‌نماید. معنایش همین است که او قطعاً دشمنی خود را با خداوند متعال (ج) اعلام داشته است زیرا در زندگی دنیا دیده ایم کسی که با یکتا از دوستان خود آزرده باشد بالاخره بعد از گذشت یک هفته دو هفته پشیمان شده دوباره باهم هم صحبت می‌شوند، ولی شخصی که با کسی ماه‌ها و سال‌ها صحبت نمی‌کند بدین معناست که او قطعاً با وی دوستی ندارد و نمی‌خواهد با وی در تمامی زنده‌گی دوستی نماید.

اکنون کسانی که نماز را ترک میکنند سخن گفتن با پروردگار را ماه‌ها و سال‌ها ترک می‌کنند در حقیقت ترک دوستی نموده اند و دوام این کار سبب غضب خداوند متعال می‌شود.

ترک نماز یک امر خطرناک خواهد بود زیرا این کار سبب غضب خداوند شده و در روز قیامت زمانی در مقابل خداوند متعال قرار گیرند خداوند با ایشان سخن نخواهد گفت و غضب خداوند موجب داخل شدن به دوزخ می‌گردد **(ما سلکم فی سقر قالو لم نک من المصلین)** (وقتی از دوزخیان پرسیده شود که) چی چیزی شما را در دوزخ انداخته؟ گویند: ما از جمله نماز گذاران نبودیم.

**۲- نماز دوام ارتباط مخلوق با پروردگار (ج):** بسیار مردم خداوند متعال (ج) را می‌شناسند به او ایمان دارند ولی با او ارتباط ندارند آنان را ترک نماز ارتباط خود را با خداوند متعال (ج) قطع نموده اند فلسفه دیگر نماز اینست که نماز ارتباط انسان را با خالقش دوامدار تضمین می‌کند انسان مؤمن در بیست و چهار ساعت عمر پنج بار، در تقسیم که این سجده‌ها لحاظاتی است که مخلوق را با خالقش بسیار نزدیک می‌سازد.

برعکس انسانی که نماز را ترک می‌نماید ارتباط خویش را با خالقش قطع نموده است و خالق خود را فراموش کرده است و اگر بالفرض روزه هم بگیرد بعد از یکسال پروردگار (ج) خویش را بیاد میداشته باشد ولی ارتباط انسان نماز خوان همیشه با خداوند متعال (ج) ثابت و مستحکم است، زیرا وقتی کسی روزانه پنج مرتبه با دوست خود ملاقات نموده به منزلش رود او با یاد نماید ارتباطش بسیار مستحکم می‌باشد.

نماز در نخستین پایه مباحث روی آوردن بنده بسوی پروردگار (ج) است و در دومین مرحله موجب اقبال ایزد منان به بنده است.

هرگاه بنده به بارگاه الهی رو می‌آورد خداوند (ج) نیز او را یا می‌نماید و نماز ممثل بزرگ برای این یادمانیست خداوند (ج) می‌فرماید:

**فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (البقرة/ ۱۵۲)** (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا بجا



آوريد و کفران نکنید).

حضرت زید بن اسلم<sup>(رض)</sup> می فرماید که موسی<sup>(ع)</sup> گفت: پروردگار چگونه شکر را ادا نماید؟ خداوند متعال (ج) فرمود: مرا به یاد داشته باش، این شکرگذاری من است و هرگاه مرا فراموش نمودی کفران نعمتم را نمودی.

چگونه می توانیم خداوند متعال (ج) را به یاد داشته باشیم، بدون شک نماز بزرگترین یاد خداوند متعال (ج) است.

امام ابن کثیر در تفسیر خویش می نویسد در حدیث صحیح روایت شده است که خداوند (ج) می فرماید هرگاه مرا در نفس خود یاد نمود من او را نیز به نفس خود یاد می کنم و هرگاه کسی مرا در جمعی از مردم یاد نمود من او را نیز در جمعی از بهترین ها یاد می کنم.

این تمام معانی در نمازهای منفردانه و جماعت به خوبی حاصل شده می تواند، زیرا بنده خدای خود را نخست با نماز یاد می کند و خداوند (ج) او را یاد نموده ابواب رحمت خود را برویش باز می کند.

**۳- تجدید عهد و پیمان با پروردگار (ج):** یکی از فلسفه نماز اینست که انسان مومن روزانه ۳۲ مرتبه با خداوند تجدید عهد می کند (ایک نعبد) پروردگارا! خاص ترا عبادت می کنیم. (و ایک نستعین) پروردگارا! خاص از تو کمک و استعانت می خواهیم.

مومنی که مفهوم این دو آیت شریف را دانسته و در هنگام نماز با خداوند (ج) تعهد نمود بعد از نماز نیز با این تعهد خود باقیمانده تمامی عبادت های خود را خاص به بارگاه الهی انجام می دهد و هر چیزی را که نامش عبادت است، صرف و هرگاه مشکلی برایش پیدا شود آن را با صبر و طلب کمک، در هنگام نماز به بارگاه الهی پیکش نموده و حل آنرا استدعا میکند (واستعینوا بالصبر و الصلاة) ای مومنان! با صبر و نماز طلب کمک نماید.

با این تعهد خویش در هنگام ادای نمازهای پنجگانه تجدید تعهد نموده و تمامی ۲۴ وقت خویش را با خداوند متعال (ج) متعهد می باشد و هرگاه کسی همیشه با تعهدات خود با خداوند متعال (ج) باقی بماند خداوند متعال (ج) نیز ویرا در میان بنده گان مقرب خویش قرار خواهد داد. (ان شأ الله تعالی)

**۴- فلسفه خشوع و حضور قلبی:** شرط اساسی نماز حضور قلبی است حضرت نبی کریم<sup>(ص)</sup> می فرماید: (لا صلاة الا بحضور القلب) نماز درست نمی شود مگر با حضور قلبی منظور از حضور قلبی اینست که تمام هوش و تفکر انسان در هنگام نماز خواندن متوجه ذات خداوند متعال (ج) می باشد.

از یکی از دوستان خدا پرسیده شد: شما چی قسم نماز می خوانید؟ گفت وقتی من نماز می خوانم فکر می کنم که این آخرین نماز زنده گی من است، خدا می داند که به نماز دیگری فرصت بیابم و یا عزرائیل<sup>(ع)</sup> روحم را قبض می نماید وقتی در نماز می ایستم فکر می کنم که کعبه شریف در پیشرویم جنت به طرف راستم و دوزخ به طرف چپم و خداوند متعال (ج) بالای سرم قرار دارد به این فکر نماز می خوانم.

هرگاه انسان مانند این دوست خدا نماز بخواند حقیقتاً در نمازش خشوع، تواضع، بیچارگی عجز و نیاز پیدا می شود.

خداوند (ج) متعال (ج) می فرماید: (قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون) به تحقیق پیروزی و رستگاری حاصل نمودند مومنانی که در نماز خود خشوع می نمایند.

### ۵- روی آوردن به خداوند و اقبال خداوند به انسان: نماز در نخستین پایه باعث روی آوردن بنده

بسوی پروردگار (ج) است و در دومین مرحله موجب اقبال ایزد منان به بنده است. هرگاه بنده به بارگاه الهی رو می‌آورد خداوند (ج) تیز او را باد می‌نماید و نماز ممثل بزرگی برای این یاد دهانیست خداوند (ج) می‌فرماید:

**(فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (البقرة/۱۵۲))** (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا بجا

آورید و کفران نکنید.)

### ۳- نگهداری از مبتلا شدن به فحشاً و منکر: خداوند متعال (ج) در قرآن عظیم الشان بزرگترین

فلسفه نماز را بیان میدارد که (... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... (العنکبوت/۴۵)) نماز از فحاشی‌ها و کارهای بد منع می‌نماید.

هرگاه مومنی با قلب پر از محبت و آکنده‌تر از عدالت الهی به بارگاه خداوند (ج) ایستاده و تمامی اعضای بدن خویش را مطابق اوامر الهی به حرکت می‌آورد و با تعهدات بیشتر و بیشتر به خداوند متعال (ج) دعای هدایت برای خود و سایر مومنان می‌نماید و تعهد می‌نماید که بدی‌ها را ترک نموده و راه هدایت و انسانیت را در پیش می‌گیرد بدون شک این نماز وی در شخصیت وی تأثیر مثبت نموده در بیرون از نماز مانع وی در فحشاً و منکرات می‌گردد و هر گاه به کدام گناهی رو آورد و چندین نماز را قضا نماید احساس تقصیر نموده و با ایستادن به بارگاه الهی ندامت خود را بیان داشته دست توبه به بارگاه خداوند متعال (ج) بلند نموده به بارگاه الهی دوباره رجوع می‌کند که بازگشت به اعمال نیک و توبه از بدی‌ها نصیب مومنان نمازخوان می‌گردد بر عکس انسانی که نماز نمی‌خواند با ارتکاب گناه‌های بیشتر احساس تقصیر نمی‌کند، زیرا او با ترک نماز هیچ ارتباطی با ذات خداوند (ج) نداشته و شیطان او را هنوز هم به بدی‌ها تشویق نموده تا خودش را شیطان انسانی سازد که غالباً شیطان‌های انسانی در خدمت شیطان‌های جنی می‌باشند.

بعضی‌ها می‌پرسند که دوستانی داریم که نماز می‌خوانند ولی بازهم به کارهای بد مبتلا هستند آیت شریف فوق چگونه بر بعضی‌ها می‌پرسند که دوستانی داریم که نماز می‌خوانند، ولی بازهم به کارهای بد مبتلا هستند آیت شریف فوق چگونه بر آنان تطبیق می‌گردد؟

حقیقت اینست آیات قرآن یکدیگر را تفسیر و توضیح می‌کند آیت شریف دیگری می‌فرماید:

**قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (المؤمنون/۲))** پیروزی نصیب مومنانی می‌گردد که در

نمازهای خود خشوع داشته باشند.

این خشوع در نماز به معنای نماز خوانی با فهم معانی نماز و احساس این که خداوند در مقابل قرار داشته و نماز با حضور قلب بخواند نمازی که دو رکعت آن در پنج الی ده دقیقه خوانده شود. تأثیر مثبتی در شخصیت انسانی میداشته باشد، اما نمازهای عاجل و فوری که در آن احکام نماز مراعات نشده بلکه مجموعه‌ای حرکات فیزیکی بی‌معنا باشد هیچگاهی تأثیر خود را نمیداشته باشد نمازی تأثیر دارد که مثل نماز پیامبر و صحابه کرام خوانده شود و صحابه کرام (رض) زمانی نماز می‌خواندند مانند درختان خشکی در مقابل ذات ذوالجلال قرار میداشتند قلب شان پر از محبت و خوف پر از عشق و صفا و فکر شان معنای هر کلمه دقت نموده در آیات خوف گریه می‌نمودند و در آیات رحمت تقاضای رحمت می‌نمودند.

### ۷- فلسفه قرآن متحرک و ارتباط آن با نماز: بزرگترین فلسفه نماز اینست که انسان مومن زنده‌گی



خارج نماز را مانند زنده‌گی نماز خویش بسازد.

هرگاه به تمامی حرکات یک انسان در هنگام نماز متوجه شویم خواهیم دید که فرد مومن تمامی اعضای بدن خویش را در نماز مطابق احکام قرآنی استعمال می‌کند دستانش، چشمانش، زبانش، قلبش، هوش و فکرش تمامی حواسش به سوی پروردگار بوده و بابسار احتیاط اعضای بدن خویش را مطابق ارشادات الهی به کار می‌اندازد این عملکرد وی او را یک قرآن متحرک می‌سازد اصحاب کران قرآن‌های متحرک بودند، زیرا آنان تمامی حرکات خویش را مطابق قرآن کریم انجام می‌دادند و انسان نماز خوان نیز در حالت نماز قرآن متحرک است زیرا تمامی اعضای بدن خویش را مطابق احکام قرآنی حرکت می‌دهد و هرگاه این نمازخوان در خارج نماز نیز عادت نموده اعضای بدن خویش را مطابق احکام الهی در حرکت آورده او حقیقتاً یک قرآن متحرک می‌شود. نماز تمرین است برای این که انسان در تمامی حالات زنده‌گی قرآن متحرک گردد.

#### ۸- نماز صفت اساسی متقیان بعد از ایمان به غیب: خداوند (ج) می‌فرماید: که قرآن عظیم الشان

هدایت برای متقیان است کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز می‌خوانند و از آنچه برایشان عنایت شده نفقه می‌نمایند. **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (البقرة/۳)**

مطابق این آیت شریف صفت اساسی مسلمانان بعد از ایمان به غیب نماز می‌باشد.

#### ۹- نماز فرمانبرداری به امر بزرگ الهی: خداوند متعال (ج) برای مومنان امر نموده است که باید نماز

بخوانند **وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (البقرة/۴۳)** نماز بخوانید زکات بدهید و یا رکوع کننده‌گان رکوع نمایید. کسانی که نماز می‌خوانند به امر الهی تسلیم شده‌اند و کسی که نماز نمی‌خواند نافرمانی خداوند (ج) را نموده است، زیرا امر قاطع الهی را که به قرآن‌کریم و سنت پیامبر (ص) ثابت گردیده است ترک کرده‌اند.

#### ۱۰- نماز نمونه شکر گذاری به پروردگار (ج): هرگاه انسانی برای ما تحفه ای دهد برای ارجگزاری به

موقف آن شخصی اظهار سپاس امتنان و تشکری می‌نماییم، زیرا این شکرگذاری ما سبب رضایت وی شده برای ما در آینده هاجنین عملی را انجام می‌دهد خداوند (ج) که ذات بزرگ و مهربانی است برای انسان نعمت‌های بسیار گرانبهایی را تقدیم نموده است که هرگاه بخواهیم این نعمت‌ها را محاسبه نماییم برای ما محاسبه آن مشکل خواهد بود **(وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا... (ابراهیم و النحل/۱۸)** بالای ما لازم است که برای تشکری از بارگاه الهی نماز بخوانیم زیرا نماز شکر نعمت‌های الهی می‌باشد.

#### ۱۱- نماز علامه رشد و کمال: نماز کارخانه‌ای سازنده‌گی است یک طفلی که شیر مادرش را می‌خورد در

حقیقت یک غذا کاملی را خورده است و این غذای کامل تمامی ضروریات وجود او را تکمیل می‌نماید و شاید مادر این طفل غذا عادی خورده باشد، ولی خداوند (ج) برای این طفل از همان غذای عادی شیری را تهیه می‌دارد که تمامی ضروریات‌های وجود طفل مانند ویتامین‌ها کلسیم، آب، فسفورس، پروتین و غیره ضروریات آن طفل برآورده می‌شود.

خداوند (ج) برای انسان بسیاری از آثار کمال شخصیت و معنویت انسان را در نماز نهاده است ادب تواضع انتخابات امتیازات، اسلوب نشستن، برخاستن، ایستادن، خم شدن، آمادگی صحی، پاک‌لباس، بدن، مکان و قلب همه در نماز است و این صفات همه برای کمال شخصیت انسان در بعد مادی و معنوی آن تأثیر نهایت مهم دارد.

برای اثبات این امر به طور خلاصه باید مفهوم کمال را دانست کمال نقطه مقابل انحطاط فروکاستن و رکود یا شکست می باشد تکامل و حرکت استکمالی یک موجود عبارت از تغییرات تدریجی است که برای آن حاصل می گردد و بر اثر آنها استعداد که برای رسیدن به یک صفت وجودی کمال دارد به فضیلت می رسد که این موجب رسیدن به خدا می شود.

**۱۲- انس با خدا نماز است:** هرگاه به صورت دقیق به حقیقت نماز فکر نماییم خواهیم دانست که نماز انس گرفتن با خداوند (ج) می باشد زیرا خواندن نمازهای پنجگانه انسان مومن را با پروردگارش نزدیک می سازد او را همیشه با یاد او میداشته باشد.

خداوند (ج) برای موسی (ع) فرمود: (اقیم الصلاه) نماز بخوان و دلیلش را هم بیان داشت که (لذکری) برای اینکه یاد من در تو زنده شود و هرگاه انسان به یاد خداوند (ج) در هنگام نماز مشغول گردد ارتباطش با خداوند (ج) قوی شده و اطمینان قلبی برایش حاصل می گردد.

کسانی که به عوض نماز و مشغول شدن به ذکر و یاد خداوند (ج) مصروف تماشای سریال ها و برنامه های هندوها و بت پرستان می باشند بالآخره خود شان و هم اعضای فامیلشان انس و محبت با بت پرستان می گیرند و در روز قیامت انسان با کسی حشر می گردد که با او انس داشته باشد.

انس با خداوند متعال (ج) زنده گی در زیر سایه رحمت اوست.

**۱۳- حصول قرب خداوند (ج) با نماز:** هدف عالی یک فرد مومن رسیدن به قرب بارگاه الهی می باشد این مسلمان سعی و تلاش می ورزد تا خود را به خدای عزوجل نزدیک سازد و تقرب بارگاه وی را حاصل نماید و هرگاه کسی پنج وقت نماز خویش را به وقت آن ادا نماید به این هدف می رسد برایش قرب و نزدیکی با خداوند (ج) حاصل می گردد.

در حدیث شریف است که بنده وقتی به خدای خود بسیار نزدیک می شود که در حضور خداوند (ج) را سجده نماید.

**۱۴- نماز وسیله ای تقویت روحیه معنوی:** نماز برای یک مو کم سبب تقویت قوه معنوی وی شده او را در ساحات مختلف حیات به معنویت نیرومند و قوی می کشاند وسعت بخشنده و این قوت معنوی و روحی اثری مهمی در پیشرفت مادی آنان داشت ولی ضعف معنویت مسلمانان سبب شد تا در میان خود پارچه پارچه شده و بالآخره در مقابل قوت های استعماری نیز ضعیف شدند.

برای این که روح مسلمانان بار دیگر آغاز به بالندگی نماید لازم است بار دیگر مفهوم عبادت در نظر مومنان جلوه نماید همه درین مورد اتفاق دارند که عامل اصلی تمامی خواری و زبونی مسلمانان در ضعف روحیه معنوی و تفرقه است نماز توانایی آن را دارد که این درد را درمان نماید.

لیکن چه نمازی را خداوند (ج) از مومن خواستار است؟

خداوند نمازی را می خواهد که مشتمل بر روحی باشد که معنای حقیقی نماز در آن تحقیق یابد.

**۱۵- نماز وسیله وقت شناسی:** وقت بزرگترین ثروت انسان می باشد انسان های متمدن همیشه دارای یک تقسیم اوقات منظم در زندگی خویش می باشند و هرگاه به اوقات نماز به صورت دقیق متوجه شویم نماز انسان را برای وقت شناسی و ارزش وقت متوجه می نماید نماز مسلمانان بصورت ۲۴ ساعته نبوده بلکه در طول

شبهانه روز اوقات دقیقی برای خواندن نمازها فرض گردیده است.

مسلمانان نمازخوان این تقسیم اوقات نماز را در سایر اعمال خویش تطبیق نموده برای هر عمل خویش تقسیم اوقات میداشته باشد تا امور شان منظم گردد و هر که برای اجرای وظایف خویش چنین تقسیم اوقاتی مانند تقسیم اوقات نمازها داشته باشد بدون شک در میان هم قطاران در صف نخست و اول نمره‌ها قرار خواهد داشت، زیرا اکثریت بدبختی‌های جوانان محصلان و سایر کارمندان نداشتن برنامه خاص برای زنده گی و نداشتن تقسیم اوقات برای کارهای عملی می‌باشد و به این سبب وقت آنان ضایع شده و بالآخره سبب ناکامی و عقب مانده‌گی آنان می‌گردد.

ای کاش ملت مسلمان ما این درس‌های ایمانی را در نظر گرفته برای پیشرفت کشور مفید واقع گردند.

### ۱۶- نماز ستون دین است:

نماز اصل مهم دین مقدس اسلام است که بعد از کلمه طیبه در جمله بناهای اساسی اسلام قرار داشته و در احادیث شریف حضرت پیغمبر نماز را ستون دین بیان داشته است. هرگاه اسلام به مثابه یک نهادی باشد که آن را به شکل بنای ی در ذهن خود مجسم نماییم اساسی‌ترین بنای این بنیاد نماز است که سایر عبادات را تقویت می‌بخشد.

بنابر این هرگاه کسی بخواهد که خانه اسلامش برپا ایستاده شود نماز بخواند زیرا ترک نماز ستون اساس دینش را ویران می‌سازد.

### ۱۷- شناخت امت محمد (ص) از چهره‌ها:

بازپرسی در مقابل ذات پروردگار (ج) قرار می‌گیرند و هر کسی برای اخذ اعمالنامه خویش منتظر است درین روز پیامبر (ص) امت خویش را شفاعت می‌کند ولی سوال می‌شود که آنحضرت چگونه امت خویش را می‌شناسد؟ و سختی آنروز رنگ اصلی خویش را از دست داده همه سیاه می‌شود تنها چهره نماز خوانان امت پیامبر (ص) و دست‌ها و پا‌های شان که در هنگام وضو شسته شده اند سفید می‌باشد، زیرا اماکنی را که به آن آب وضو رسیده است آفتاب قیامت سیده کرده نمی‌تواند این اشخاص نماز خوان از دور با چهره داستان و پا‌های سفید شناخته می‌شوند و پیامبر (ص) هم آنان را از همین چهره هایشان شناخته به شفاعت آنان می‌پردازد. خلاصه این که نور ایمان هم در دنیا و هم در آخرت در چهره انسان‌های نمازگذار بوده و بی‌نماز هم از نور ایمان در دنیا محرومند و هم در آخرت مانند انسان‌های بی‌ایمان از نور ایمان محروم بوده در چهره‌های شان آثار امت پیامبر آخرین دیده نمی‌شود.

### ۱۸- نماز یک نعمت گرانبهای الهی برای مومنان:

هرگاه به حقیقت و فلسفه نماز توجه کنیم می‌دانیم که نماز فرصتی برای بنده است تا با پروردگار (ج) عرض و نیاز نماید با او صحبت کند فرصت ملاقات با پروردگار (ج) است شما فکر کنید هرگاه یک رئیس جمهور برای کسی وقت دهد که همایش ملاقات نماید او چقدر خوشحال می‌شود که فلان رئیس جمهور با من مسکین ملاقات می‌نماید، درحالیکه روسای جمهوری غالباً با مردمان بیچاره و ناتوان ملاقات نمی‌کنند و بسا اوقات از راهی که روسای جمهور و پادشاهان حرکت می‌کنند کسی را برای عبور هم نمی‌گذارد، ولی بیایید ببینیم که پروردگار (ج) که (مالک یوم الدین) نه تنها فرمانروای دنیا فرمانروای آسمان‌ها و تمامی اجرام سماوی و تمامی مخلوقات است بلکه فرمانروای حقیقی روز قیامت است که در آنروز حتی پادشاه‌ها و روسای جمهور افراد عادی و ساده می‌باشند این پروردگار دو جهان (دنیا و آخرت) برای

یک بنده که شاید بسیار فقیر هم باشد فرصت می‌دهد که با او ملاقات نماید با او صحبت نماید دردهای خویش را به او بگوی.

بناءً نماز یک نعمت گرانبهایی است که برای بنده گان الهی داده شده است و خوشا به حال کسی که ازین فرصت استفاده نموده عریصه خویش را به پروردگار (ج) تقدیم نماید و پروردگار (ج) هم عریض او را مورد قبول قرار داده سعادت دنیا و آخرت را نصیب وی گرداند.

### ۱۹- نماز افتتاحیه خزانه های غیبی الهی برای مومنان: هرگاه انسان بصورت دقیق به عظمت نماز

فکر کند می‌داند که دروازه‌های رحمت الهی زمانی برای انسان باز می‌گردد که انسان در حالت نماز به در بار الهی رجوع نماید.

هرگاه مومن معتقد مشکلی پیدا کند و راه حلی نداشته باشد و یا به مرضی مبتلا گردد فوراً به نماز رجوع نموده و عرض و نیاز خویش را به پروردگار (ج) می‌کند و در نتیجه درک می‌کند که خداوند متعال مالکش را آسان نموده است رحمت و دروازه‌های خزانه‌های غیبی الهی به رویش باز شده است.

خداوند (ج) طیب حقیقی است و دواي مشکلات انسان را در نماز بیان داشته است زمانی انسان به مشکلی مبتلا می‌شود برای رفع مشکلات خویش به نزد طیب می‌رود تا برایش نسخه نوشته و راه علاج مرضش را پیدا نماید در بسا مشکلات که طیبیانی نمی‌توانند با انسان کمک کنند خداوند (ج) برای انسان راه علاج و تداوی را بیان داشته است این علاج الهی در مشکلات نماز می‌باشد (وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ... (البقره/۴۵) باصبر و نماز طلب استعانت نمایید و پیامبر (ص) در هنگام مشکلات به نماز رجوع می‌نمود، زیرا در هنگام نماز تمامی برده‌ها برداشته شده و بین بنده و پروردگارش هیچ مانعی نمی‌باشد این بنده می‌تواند در هنگام نماز مشکلات خود را به ذات پروردگار تقدیم نماید از او کمک بخواهد و راه حل مشکل خویش را به او عرض نماید.

### ۲۰- نماز انسان را با جامعه اش پیوند می‌دهد: اثری دیگری که نماز در حیات مسلمانان ایجاد می‌کند

این است که در عین تقرب الهی او را با جامعه انسانی پیوند داده و نسبت به سایر انسان‌ها بلکه تمام هموعانش ولو غیرمسلمان یک فرد مسؤول با می‌آورد و این است روح نماز و تعبد به خدا که هرگز نمی‌گذارد فرد در مقابل خلق خدا بی تفاوت باقی ماند و احساس مسؤولیت اجتماعی نداشته باشد.

پس در نماز دو اثر عمده نهفته است:

#### الف: اثر فردی که موجب نزدیکی او با خدایش می‌گردد.

**ب:** اثر اجتماعی که او را در جامعه فرد مسؤول بار می‌آورد یعنی نمی‌شود کس اهل نماز و عبادت باشد و در عین حال نسبت به جامعه بشری و هموعان خویش هیچ وظیفه و مسؤولیتی را احساس نکند این احساس بشر دوستی زمانی بیشتر تقویت می‌شود که انسان راهی مسجد که خانه خداست شود و در آنجا با سایر مسلمانان ملاقات نموده در یک صفت با آنها نماز بخواند و به این شکل تمامی قریه مانند یک فامیل از مشکل یکدیگر باخبر شده به کمک و معاونت یکدیگر بپردازند.

### ۲۱- نماز آخرین وصیت پیامبر (ص) است: حضرت رسول الله (ص) در مورد نماز بی‌نهایت تأکید می‌نمود و

آخرین سخنان پیامبر (ص) همین بود که می‌گفت: (الصلاة الصلاة و ما ملکت ایمانکم) در مورد نماز و زیردستان تان خیلی‌ها متوجه باشد.

۲۲- نماز بنیاد عملی دین است: طوریکه درباب عقاید ایمان به وحدانیت خداوند (ص) اساس سرچشمه و محور دین و محور همه موضوعات می باشد به همین ترتیب در بخش اعمال نمای بنیاد عملی دین می باشد روی همین علت در قرآن کریم بر نماز بسیار تاکید صورت گرفته به اندازه‌ای که گویا نماز محور و اساس عملی دین می باشد.

۲۳- **نماز یگانه عبادت همیشگی:** نماز یگانه فرض همیشگی است که بالای همه فرض می باشد تمامی عبادات بر مردمان خاص و در اوقات خاص فرض می باشد مثلاً: حج و زکات صرفاً بر مسلمانان ثروتمند و سرمایه دار فرض است روزه در هر سال یک ماه فرض است، اما نماز یگانه عبادت‌تبیست که بعد از ایمان آوردن بدون هیچ شرطی ادای آن بالای هر مسلمان عاقل و بالغ خواه مرد باشد یا زن مقیم باشد یا مسافر غنی باشد یا فقیر صحت باشد یا مریض همه روزه پنج وقت فرض است و تنها استثناً برای خانم‌های در حالت (حیض و نفاس) می باشد.

۲۴- **فلسفه فرضیت نماز در مکان خاص:** هرگاه نماز را با سایر عبادت‌ها مقایسه کنیم در نخستین مرتبه تمامی عبادت‌ها در زمین ولی نماز در زمان عروج رسول الله (ص) در آسمان‌ها و آنهم در سدره المنتهی جایی که دعوت بزرگ الهی برای پیامبرش بود فرض گردیده است. فرضیت نماز در چنین مقام منزلت نماز را به خوبی واضح می سازد و ازینکه رسول الله (ص) در هنگام معراج چنین توشه را حاصل نمود بناءً نماز معراج هر مومن به بارگاه الهی به مقام شامخ جایی که تقاضای هر مومن می باشد است نماز انسان مومن را به عالیترین مقام نیل به سعادت‌ها و گفتگو با پروردگار می کشاند او را از منازل پایان به عالیترین منازل عروج می دهد.

۲۵- **نماز خلاصه عبادت تمامی فرشته‌گان:** هنگامی که رسول الله (ج) از آسمان‌ها می گذشت و فرشته‌گان را می دید که به اشکال مختلفی به عبادت خدای عزوجل مشغول بودند گروهی در حالت قیام گروهی در حالت نشسته و قعدہ گروهی در حالت رکوع جماعتی در حالت سجده.

این منظره زیبا قلب رسول الله (ص) را به عبادت ذات یکتا مانند فرشته‌ها کشاند و درینجا امید نمود که کاش مانند آنان به عبادت خدای عزوجل در چنین حالاتی مشغول می بود و کاش چنین شانسی برای امتش نیز میسر می شد خدای عزوجل این درخواست رسول الله (ص) را چنان لبیک گفت که حکم الهی در ادای نماز بر وی نازل شد و نماز شامل تمامی عبادت‌های مختلف ملایکه‌ها از قیام قعدہ رکوع سجده بوده و کسی که نماز را ادا می کند تمامی اعمال فرشته‌گان را ادا نموده است و خود را به یک فرشته نه بلکه با تمامی فرشته‌گان همگون ساخته است و به این اساس از حالت مادیت برون شده به حالت معنویت چنان با بارگاه الهی قرار می گیرد که گویی فرشته است بدون بال.

۲۶- **نماز موجب عهد میان مومنان است:** در حدیث شریف از حضرت انس (رض) روایت است که رسول کریم (ص) فرمود: کسی که نماز ما را بخواند و قبله ما را استقبال نماید و حیوان ذبح شده به دست ما را بخورد او در عهد با خدا و پیامبرش می باشد بناءً در شکستن این عهد کاری نکند.<sup>۱۳</sup>

<sup>۱۳</sup> حدثنا عمرو بن عباس قال حدثنا ابن المهدي قال حدثنا منصور بن سعد عن ميمون بن سياه عن انس بن مالك قال قال رسول الله (ص) من صلي صلاتنا و استقبال قبلتنا و اكل ديبحتنا فذلك المسلم الذي له ثمة الله و دمه رسوله فلا تخفروا الله في



**۲۷- در نماز چندین امر پروردگار (ج) ادا می‌گردد:** هرگاه به حقیقت نماز نظر اندازیم می‌بینیم که در نماز ارکان مختلفی وجود دارد که خداوند (ج) بر هر کدام بطور جداگانه امر نموده است بناءً ادای نماز چندین حکم الهی را لبیک گفتن است، مثل:

- اقیموا الصلاة (نماز را برپا دارید)
- وارکعوا مع راکعین (به همراهی رکوع کننده‌گان رکوع نماید).
- واسجد واقرب (سجده نما وجود را نزدیک ساز)
- الذین یذکرون الله قیاماً وقعوداً (کسانی که در حالت ایستاده و نشسته به یاد خدا مشغولند)
- فسبح بحمد ربک (به ثنای پروردگارت تسبیح بگو)
- عظموا ربکم (پروردگارتان را به عظمت یاد نماید)

**۲۸- نماز روزنه برای توبه و برگشت بسوی نیکی‌ها:** گناه چیزی نیست که در لحظاتی انجام پذیرد بلکه گناه‌ها و معصیت‌ها وقت زیاد انسان را در بر می‌گیرد که احياناً یک گناه سبب می‌شود که نمازهای زیاد انسان قضا و ترک گردد.

هرگاه کسی به اهمیت نمازها پی برده باشد و همیشه نماز خویش را به وقت آن ادا نماید و بداند که پیامبر (ص) فرموده است که **(من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر)** هرکه نماز را قصداً ترک نماید کافر می‌گردد و به گفته علماء اگر کافر حقیقی نشود بلکه مرتکب گناه بزرگی شده و خود را به کفر و دوستی شیطان نزدیک ساخته است این انسان مؤمن اگر چه به اساس وسوسه‌های شیطانی و خواسته‌های نفس روزی فریب شیطان را خورده و اطاعت از نفس ظالم خویش نموده است و برعلاوه این معصیت چند نماز خویش را ترک کرده است پشیمانی بزرگی برای وی رخ داده و فوراً به درگاه الهی توجه نموده توبه می‌کند گریه می‌کند از خداوند (ج) مغفرت می‌خواهد و همین نماز سبب می‌شود که او پشیمانی خویش را ازین گناه بیان داشته و در آینده تصمیم گیرد که بار دیگری به این معصیتی دست نرزد.

زیرا او بالأخره می‌داند که با مرتکب شدن یک گناه چندین گناه را مرتکب شده است وی از صحبت پروردگار خود محروم شده است، زیرا مشغولیت وی به گناه او را از ملاقات با دوستش مانع شده است.

**۲۹- نماز راهیست برای دوستی با خداوند متعال در دوران جوانی:** بر هیچ کسی پوشیده نیست که زمان جوانی و نوجوانی مرحله زنده‌گی ساز و اساسی در حیات یک انسان می‌باشد یکی از روانشناسان می‌گوید: (در نوجوانی مسئله شخصیت و هویت باشدت تمام از تو وارد میدان می‌شود پس نوجوانی و جوانی یکی از مراحل و مراتب باور هستی است که طی آن ساخت‌های قطعی شخصیت و هویت بزرگسال تثبیت شده با دوباره مطرح می‌گردند). روی این هدف دین مقدس اسلام توجه جوانان را نخست از به باورهای اعتقادی و اخلاقی سوق می‌دهد تا جوانان نخستین هسته‌های زنده‌گی خویش را به باورمندی و آرامش معنوی آغاز نمایند.

اکثراً جوانان در حالت نوجوانی و جوانی نهایت دقیق و احساساتی می‌باشند آنها می‌خواهند در جامعه در میان دیگران دوستانی داشته باشند و گاهی هم می‌شود که آنان بخاطر یک دوست خوب همه هستی خویش را فراموش کرده و بخاطر دوست خود جان می‌سپارند اصلاً علاقمندی برای دوستیابی برای اینست که انسان در

زنده‌گی خویش به هم‌رازی ضرورت دارد که در زمان درد و رنج، مشکلات و مصیبت‌ها، ناکامی‌ها و لغزش‌ها، آن دوست عزیز خویش را محرم رازهای خویش گردانیده تمامی اسرار زنده‌گی خویش را به وی بیان دارد و دوست وی همه مشکلات وی را با حوصله‌مندی شنیده و برای حل مشکلات وی مشاور خوب و رهنمای صادق باشد ولی بسیار واقع شده که دوستان مادی و مجازی نه تنها در مصیبت‌های یاور انسان نشده بلکه سبب بسیاری بدبختی‌ها شده است آنانی که مبتلا به مخدرات شده اند علتش مجالس و دوستی با انسان‌های مبتلای به مخدرات و یا تاجران مخدرات بوده اند و آنانی که به جرایم اجتماعی مبتلا شده اند علتش مجالس و دوستی‌ها همان رهنمایی‌ها و مجالس دوستان نا اهل بوده که آینده این جوانان را بر باد نموده است در عقب هر جنایت دست یک دوست ناسالم بوده است این جوان در بسیار اوقات به اساس این احساسات جوانی به خطرهای مواجه شده است که در نتیجه نا امید شده و از زنده‌گی و اقارب خویش نفرت داشته است.

هرگاه جوانی از آوان جوانی به معرفت الله (ج) مبادرت ورزیده و خالق خویش را بشناسد او را دوست خویش بداند و محبت شدیدی با ذات الله (ج) داشته باشد این دوستی و محبت وی با ذات پروردگار (ج) او را به سعادت دنیوی و نیکی‌های آخرت می‌رساند هرگاه می‌خواهد با این دوست خود سخن گوید قرآن عظیم‌الشان را با فهم معانی آن خوانده و درک می‌نماید که در هر مشکلی این دوست با وی است دوستی است قوی، توانا، قادر، انتقام‌گیر، مشکل‌کشا و مدد رسان.

این دوستی با پروردگار (ج) او را از بسیاری دوستان مجازی مستغنی ساخته او می‌تواند که در سایه بارگاه الهی به تمامی مقاصد خویش نایل آید.

آنکس که ترا شناخت جان را چی کند  
فرزند و عیال و خانمان را چی کند  
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی  
دیوانه تو هر دو جهان را چی کند

روی همین علت است که جوانی که از جوانی به یاد خداوند مشغول باشد با خداوند متعال دوستی کند مستحق بزرگترین رتبه و چوکی در روز قیامت می‌شود روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال دنیا است درین روز این شخص تحت سایه رحمت الهی می‌باشد.

**۳۰- رکوع سری برای تعظیم پروردگار:** شیطان همیشه در سعی و تلاش است که عظمت مخلوق را در قلب انسان انتقال دهد و بنده را از یاد خداوند دور ساخته او را به تعظیم به مخلوقات بکشاند رکوع در نماز بیان عظمت خداوند متعال است و انسان نماز خوان در پنج وقت به عظمت پروردگار اقرار می‌نماید و از این که بت پرستان و مخلوق پرستان در مقابل معبودان باطل ایستاده سر تعظیم را خم می‌کنند بنده‌گان مخلص خداوند سر تعظیم را صرف به بارگاه الهی می‌کنند و در هر رکوع می‌گویند: سبحان ربی العظیم (پاک است پروردگار با عظمت).

خلاصه کلام در فلسفه رکوع اینست که هیچ بنده ای برای خدا به حقیقت رکوع نکنند مگر آن که خداوند (ج) او را و جمال خویش بیاراید و در سایه کبریای خود در آورد و جامه برگزیده گانش را به وی بپوشاند رکوع

مرحله اول و سجده مرحله دوم هر کسی معنا و حقیقت اولی را بجا آورد شایستگی دومی را یافته پس باید رکوع خضوع و خشوع کامل باشد تا سجده به متابعت آن کامل گردد.

از بیع بن خثیم روایت کنند که با یک رکوع شب را به صبح می‌رساند و چون به صبح می‌رسید قامت راست می‌کرد و می‌گفت: آه مخلصان پیشی گرفتند و ما از راه مانیدم.

پس از مومن! رکوع خود را کامل کن با اینکه پشت خود را راست داری و ازین پندار که به قدرت و همت خود به خدمت او قیام کنی و این امکان ندارد جزء به یاری او.

قلب را از وسوسه‌های شیطان و فریب‌ها و نیرنگ‌های فراری ده که خداوند (ج) بنده‌گان خویش را که در برابر سرخم کنند بلند می‌کند و آنان را به هر اندازه که عظمتش بر باطن‌های شان پرتو افگند به حقیقت فروتنی می‌رساند و در برابر خود هدایت می‌فرماید.

و معنای کشیدن کردن در رکوع اینست که در ایمان به خدا استوارم اگرچه گردنم زده شود و معنای سر برداشتن از رکوع و گفتن (سمع الله لمن حمده) اینست که هر مسلمان به این عقیده است که ذات خداوند (ج) حمد و ثنای ما را می‌شنود وقتی سر تعظیم به بارگاه او خم نمودیم و زبان را به عظمت وی گشودیم همه را شنیده و هر حمد را خودش بطور مستقیم پاداش می‌دهد و این اقرار عملی به صمدیت (بی‌نیازی) خداوند است و هیچگاهی این انسان مومن به پیش دیگران نرفته از واسطه جویی‌ها صرف نظر نموده بلکه اعمال نیک خود را وسیله تقرب به بارگاهی الهی قرار می‌دهد.

### ۳۱- سجده نشانه از کمال بنده‌گی: سجده سر بر آستان قدس ربوبی ساییدن است و چشم از خویشستن

بستن بزرگترین موقعیت بدن که سر است آن را بر خاک نهادن و خود را حقیر شمردن است.

روح سجده رهایی دل از امور مادی فانی و قطع امید از علایق دنیوی است.

حقیقت سجود اتصال به معبود است و وصال به مقام محمود بنده به پروردگارش.

بهترین حالت قرب به خداست که در مورد آن ذات اقدس متعال فرموده (واسجد واقتراب) سجده کن و تقرب

بجوی.

چون قرب در سجود نهفته است به همین دلیل می‌توانیم ادعا کنیم که نشانه کمال بنده‌گی در سجود است و

در روایت آمده است که: خداوند (ج) حضرت ابراهیم را در اثر سجده‌های طولانی به مقام خلیل الله رسانید.

و اما سر سجده آنچنانچه از روایات بر میآید اینست که انسان در مقابل معبودش ادعای هرگونه تکبر و

خودبینی را نفی و همه عظمت و کبریا را از آن او میداند.

روایت است که مردی پیش پیامبر<sup>(ص)</sup> آمد و گفت: ای رسول خدا! گناهان من بی‌شمار است و عمل نیک

من اندک، پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: سجده فراوان به جا آور زیرا سجده گناهان را دور می‌سازد چنانچه باد برگ درخت

می‌ریزند.

خلاصه کلام درین باب اینست که حضرت علی<sup>(رض)</sup> در باره فلسفه سجود سوال شد فرمود:

سجده اول به این معناست که خدایا اصل ما از خاک است.

معنای سر برداشتن از سجده اینست که خدا یا ما را از خاک خارج کردی.

معنای سجده دوم اینست که خدایا دو باره ما را به خاک بر می‌گردانی.



سر برداشتن از سجده دوم به معنای اینست که خدایا یک بار دیگر در قیامت از خاک بیرون مان خواهی کرد.

**۳۲- تشهد نشستی در مقابل خداوند:** باطل پرستان در هر جایی در مقابل معبودان باطل نشسته تمامی احترامات پاکی ها و عبادات خویش را برای آنان انجام می دهند، ولی مومنان حقیقی هیچکس را شریک خداوند ننموده بلکه در مقابل پروردگار خویش با نهایت احترام نشسته تمامی احترامات پاکی ها و درودها مخصوص ذات پروردگار (ج) می داند و به آن اقرار می کند.

بنده مومن این الفاظ را در حالتی ادا می نماید که ذات خداوند (ج) را مافوق همه دانسته سپس به تشهد شروع می نماید که این تجدید و تکرار شهادت به یگانگی خداوند (ج) و رسالت حضرت محمد (ص) است که به او بنده خدا و رسولش می داند که در واقع تأکید بر ایمان و اسلام است.

بنده همانطور که در مقام گفتار و قول اظهار بنده گی می کند باید معنای آن کلام را با صفای ضمیر پیوند دهد و با همه وجودش خدا را بنده گی نماید چون باید بداند که همه امور در دست اوست هیچ اراده جزء خواست وارده او قادر به انجام هیچ کاری در نظام هستی نیست.

خلاصه این که یکی از اسرار مهم تشهد اینست که بنده در مقابل پروردگار نشسته و اکنون به حالتی جدیدی تجدید احترام و اظهار بنده گی به بارگاه الهی می کند.

بنده زبان را هماهنگ با قلب و گفتار را هماهنگ با کردار و اقوال و عبودیت را از اکثر پرستی به نظام توحید و یکتا پرستی انتقال می دهد همچنان این بنده درود و سلام بر رسول کریم (ص) می فرستد و از بارگاه الهی رحمت افزون برای وی استدعا می کند.

همچنان خود و بنده گان صالح را نیز در سومین مرحله به یاد داشته سلامتی و رحمت الهی را برای آنان نیز استدعا می کند.

با کلمه شهادت عبادت را مخصوص خداوند دانسته و محمد (ص) را بنده و رسول خدا گفته برای هر یکی مطابق مقام و منزلتش احترام می کند مقام الهی مقام عبودیت است و مقام پیامبر مقام بنده گی و رسالت است. و در ختم نماز معانی تشهد را سرمشق زنده گی خویش می سازد که عبارت اند از:

- التحيات لله (تمامی احترامات خاص مر خدا راست).
- والطيبات: پاکی ها نیز مخصوص خداست.
- والصلوات: نمازها و عبادات نیز مخصوص خداست.
- درود و سلام فرستاده الهی.
- دعای سلامتی برای برای خود و سایر مومنان.
- اعتراف به تخصیص عبادت به بارگاه الهی فقط.
- اعتراف به بنده گی و رسالت حضرت محمد (ص).

### خصوصیت و ویژه گی های نمازهای حضرت محمد (ص)

هر مسلمانی بدون این که در مورد حقیقت های نماز معلومات حاصل نماید، سعی و تلاش می ورزد تا

نمازهای خویش را بدون کم و کاست انجام دهد، اما برای این که نمازش صحیح شود و هم مورد قبول بارگاه الهی قرار گیرد لازم است تا خصوصیات نماز حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را درک نموده نمازهای خویش را مطابق نمازهای حضرتش ادا نماید، زیرا نجات مسلمان تنها و تنها به یک وسیله حاصل می‌گردد که آن پیروی از قرآن عظیم الشان و سنت رسول الله<sup>(ص)</sup> است.

نماز مقبول که دارای صفات و فلسفه‌های مختلف و تأثیر زیاد در حیات انسان دارد همان نمازیست که پیامبر<sup>(ص)</sup> آنرا ادا نموده و برای صحابه کرام فرموده که (صلوا کما رایتمو اصلي) شما همان‌سان نماز بخوانید که مرا مشاهده می‌کنید که نماز می‌خوانیم صحابه کرام<sup>(رض)</sup> در نماز پیامبر<sup>(ص)</sup> دو بخش را مشاهده نموده و آن را در احادیث مختلفی روایت نموده اند که درین مبحث شایسته است تا در هردو را بصورت مفصل تشریح و توضیح نماییم.

۱- شکل ظاهری نماز پیامبر<sup>(ص)</sup>

۲- روح نماز پیغمبر<sup>(ص)</sup>

**الف:** شکل ظاهری نماز حضرت عباده بن صامت<sup>(رض)</sup> گفت که از پیامبر<sup>(ص)</sup> شنیدم که می‌گفت: خداوند متعال پنج وقت نماز را فرض نموده هرکسی که وضوی آن را درست انجام دهد و نمازهایش را در وقت ادا نماز رکوع و خشوع آن را کاملاً ادا کند، عهد خداوند (ج) است که او را ببخشد و هر که این را نکند هیچ عهدی بر خداوند متعال (ج) ندارد هرگاه بخواد او را می‌بخشد و هرگاه نخواهد او را عذاب خواهد نمود. ازین حدیث شریف معلوم می‌شود که پیغمبر<sup>(ص)</sup> در نمازهای خویش چهار نقطه را مراعات می‌کرد:

### شکل ظاهری نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم



(۱) **وضوی صحیح و درست:** بعضی از مردم وضوع می‌کنند ولی به اساس تنبلی یا وارخطایی بسیاری از

احکام وضو را فراموش می‌کنند وقتی وضو درست نشد نماز هم درست نمی‌شود.

اگرچه انسان می‌تواند با یک وضو چندین نماز را بخواند ولی رسول کریم<sup>(ص)</sup> با وجود داشتن وضوی برای نمازهای فرض و هر وقت وضو می‌نمود. حضرت انس بن مالک<sup>(رض)</sup> می‌فرماید که پیامبر<sup>(ص)</sup> برای هر نماز وضو می‌گرفت.

(۲) **وقت:** وقت مهمترین عنصر در نماز است بعضی‌ها در مراعات وقت نماز بی‌نهایت غافل می‌باشند آنقدر نماز عصر را تأخیر می‌کنند که نزدیک می‌باشد غروب کند و یا هم در وقت قصه‌ها نماز را فراموش کرده چند وقت نماز از نزدشان قضا می‌گردد خصوصاً در مجالس عروسی و محافل بسیاری مردمان ضعیفاً لایمان این کار را می‌کنند.

**۳) ادای ارکان نماز:** پیغمبر (ص) قیام ایستادن رکوع بلند از رکوع سجده نشستن در بین دو سجده، قعدہ، نشستن در التیحات) و سایر بخش های نماز را چنان با آرامش و ترتیب و صبر ادا می کرد که بزرگترین مثال آن در مساوات میان رکوع، سجده، بلند نمودن سر از رکوع و نشستن در بین دو سجده می باشد.

در عصر امروزی ما می بینیم که بسیاری از مسلمانان در نمازهای خود در هنگام بلند شدن از رکوع و نشستن در میان دو سجده بی نهایت تیزی و تنبلی می کنند: در حالتی که رسول کریم (ص) چهار چیز را همگون انجام می داد یعنی به همان اندازه که رکوع می کرد در هنگام بلند شدن از رکوع به همان اندازه توقف می کرد. همچنان به همان اندازه در سجده و در نشستن میان دو سجده توقف می کرد که این چهار امر باهم مساوی می شدند. حضرت بر (رض) می فرماید که رکوع، سجده میان دو سجده و وقت نمود سر از رکوع پیامبر (ص) بدون از قیام و قعدہ قریب به مساوات بودند.

ازین حدیث شریف معلوم می شود که پیامبر (ص) در بلند شدن از رکوع به نشستن در سجده بی نهایت اختیار می نمود که حتی آنان را مشابه با سجده و رکوع انجام می داد. پس بیایید مانند رسول کریم (ص) نماز بخوانیم.

امام قرطبی در ذیل تفسیر این آیت شریف می فرماید:

محل خشوع قلب می باشد و هرگاه قلب انسان با خشوع شد تمامی اعضای بدن نیز به خشوع می باشد. در حدیث شریف است: پیامبر (ص) شخصی را دید که در نماز با ریش خود بازی می نمود، آنحضرت (ص) فرمود: هرگاه قلبش خشوع می داشت اعضای بدنش نیز خشوع می داشت **(لو خشع قلب هذا خشعت جوارحه)**. لازم است که نماز خوانان محترم در نماز خویش حضور قلبی داشته باشند در خبر است که **(لا صلاة الا بحضور القلب)** نماز درست نمی شود مگر با حضور قلبی.

همچنان فقط همان مقدار از نماز به حضور پروردگار (ج) برای قبولیت تقدیم می شود که در آن حضور قلبی وجود داشته باشد زمانی حضور قلبی با پروردگار (ج) باشد قلب از مشغولیت به دیگران منصرف شده تنها به ذات اقدس متعال (ج) می شود انسان درین حالت خود در پیشگاه خالق خویش قرار داده او را خطاب کرده با او مناجات می نماید و وقتی چنین حالتی را در خود بیابد برزگترین سعادت نصیب وی می گردد. اما کسانی که نماز را بدون حضور قلب ادا می کنند آن را مثل یک قرض به بسیار سرعت خوانده و لذت حاصل نمی کنند.

محبت محبوب زمانی حاصل می گردد که قلباً با او راز و نیاز نماییم.

ولی هرگاه حدیث حضرت انس را بخوانیم تعجب ما بیشتر خواهد شد که ما درین عمر چقدر نماز خود را مخالف نمازهای پیامبر می خوانیم بیایید این حدیث شریف را خوب با دقت بخوانیم: حضرت ثابت می گوید که حضرت آن برای ما نماز پیامبر (ص) را تشریح نموده نماز می خواند و وقتی که سرش را از رکوع بلند می نمود آنقدر ایستاده می شود که ما فکر می کردیم که فراموش نموده است.

درینجا می بینیم که حضرت انس برای مسلمانان بیان می داشت که حضرت محمد در نمازهای خود آنقدر بعد از رکوع ایستاده می شد که فکر می کردند که حضرت انس فراموش نموده است ولی در حقیقت فراموش نکرده بود بلکه ایستادن بعد از رکوع در نماز باید به همین سان باشد.

و در حدیث دیگری عین کار را در هنگام نشستن بین دو سجده نیز انجام می‌داد. به اساس این ارشادات وقتی صحابه کرام کدام شخصی را می‌دیدند که در نماز های خویش در ادای رکوع سجده و سایر امور تنبلی نموده آن را به تیزی انجام می‌دهند آنان را متوجه ساخته و برای شان می‌فهماندند که چهار رکعت نماز را در دو دقیقه خواندن مخالف روش پیامبر (ص) بوده و نماز آنحضرت چنین نبود: حضرت ابی وایل از حضرت حذیفه (رض) روایت می‌کند که او شخصی را دید که در نماز خویش رکوع و سجده را به شکل درست انجام نمی‌دهد، وقتی نمازش را تمام نموده برای من حذیفه گفت: که تو نماز نخوانده..... می‌کنم که برایش گفت: هرگاه به چنین حالت وفات یافتی به غیر از سنت پیامبر وفات نموده.

حضرت پیامبر چنان نماز بخوانید که در هر قسمت نماز بسیار با صبر و حوصله می‌بود هر صرف را از مخرج آن ادا می‌نمود و به معنای آن کلمات و آیات نماز متوجه می‌بود. حضرت ابن جبیر که یک تابعی بزرگ است می‌فرماید: که من از حضرت انس (رض) شنیدم که می‌گفت که من بعد از حضرت رسول الله (ص) پشت هیچکس نماز نخواندم که نمازش مشابه نماز حضرت نبی کریم (ص) باشد نسبت به نماز این جوان (عمر بن عبدالعزیز). حضرت ابن جبیر در مورد نماز حضرت عمر بن عبدالعزیز می‌فرماید که وقتی تسبیحات رکوع و سجده را اندازه نمودیم به اندازه ده بار تسبیح بود منظور حضرت ابن جبیر و حضرت انس اینست که حضرت عمر بن عبدالعزیز مثل پیامبر (ص) نماز می‌خواند علتش همین بود که در رکوع به اندازه ده بار سبحان ربی العظیم و در سجده به اندازه ده بار سبحان ربی الاعلی توقف می‌نمود.

ازین احادیث معلوم می‌شود که نماز پیغمبر (ص) بسیار با خشوع و تواضع یعنی آهسته و در هر بخش نماز با فکر دقیقی بود و کسی که در نماز عجله کند مانند نول زدن مرغان در سجده تیزی نماز را درست ادا نکند حروف را از خارج آن ادا ننماید و در نماز خشوع و تواضع نکند نمازش درست نمی‌شود.

**۴: خشوع:** موضوع خشوع مربوط بخش معنوی نماز می‌گردد که در آنجا خوا.....

**۷۲: روح نماز پیامبر (ص):** روح نماز عبارت از خشوع در نماز می باشد و خشوع عبارت از خواندن نماز با بسیار شکستگی، عجز، نیاز و عذر می‌باشد البته به شرطی که هوش، فکر و قلب انسان متوجه خدای یکتا باشد. خداوند متعال (ج) می‌فرماید: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (المؤمنون/۲)** پیروزی را مومنانی حاصل نمودند که در نمازهای شان با خشوع هستند.



ابن کثیر می‌فرماید: حضرت ابن عباس<sup>(رض)</sup> فرمود: خاشعون ترساننده‌گان و سکون کننده‌گان را گویند. حضرت علی بن ابی طالب<sup>(رض)</sup> می‌فرماید که: منظور از خشوع، خشوع قلب می‌باشد. ابن کثیر علاوه می‌کند که خشوع در نماز برای کسانی حاصل می‌گردد که قلب خود را برای نماز خواندن فارغ نماید و از سایر امور انصراف نموده قلب خود را مصروف نماز دارد و نماز را نسبت به تمامی افکار خویش برار بداند.

هرگاه کسی بخواهد نمازش درست و مورد قبول خداوند متعال قرار گیرد باید تا حد توان کوشش نماید که در نمازش فکرش را متوجه عبادت خداوند ساخته و از افکار بیرون نماز خود را وقایه نماید حضرت نبی کریم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: **(لا صلاة الا بحضور القلب)** نماز درست نمی‌شود مگر به حضور قلبی منظور از حضور قلبی اینست که تمامی هوش و فکر انسان در هنگام نماز خواندن متوجه ذات خداوند متعال (ج) می‌باشد. هرگاه کسی نمازش را با ترس و خوف خداوند متعال بخواند. متوجه حرکات خود می‌باشد از احادیث معلوم می‌شود که نماز پیغمبر<sup>(ص)</sup> بسیار با خشوع و تواضع آهسته آهسته و در هر بخش نماز با فکر آرامی بود و کسی که در نماز عجله کند مانند نول زدند مرغان است. هرگاه در سجده تیزی نماید، کلمات را درست ادا نکند، حروف را از مخارج آن ادا ننماید و در نماز خشوع و تواضع نکند نمازش درست نمی‌شود.

### کیفیت نماز بعضی از صحابه و دوستان خدا

از یکی از دوستان خدا پرسیده شد که شما چی قسم نماز می‌خواند؟ گفت وقتی من نماز می‌خوانم فکر می‌کنم که این آخرین نماز زنده گی من است خدا می‌داند که به نماز دیگری فرصت بیایم و یا عزرائیل<sup>(ع)</sup> روحم را قبض نماید وقتی در نماز می‌ایستم فکر می‌کنم که کعبه شریفه در پیشرویم، جنت به طرف راستم و دوزخ به طرف چپ و خداوند متعال (ج) بالای سرم قرار دارد، به این نماز می‌خوانیم. هرگاه شخصی مانند این دوست خدا نماز بخواند در نمازش خشوع، تواضع، بیچاره‌گی، عجز و نماز پیدا می‌شود.

حضرت پیامبر چنان نماز می‌خواند که در هر قسمت نماز بسیار با صبر و حوصله می‌بود هر حرف را از مخرج آن ادا می‌نمود و به معنای کلمات و آیات نماز متوجه می‌بود.

صحابه کرام<sup>(رض)</sup> چنان نماز می‌خواندند که انسان نمی‌تواند صفات آن را به چند لفظی تمثیل نماید. حضرت عبدالله بن زبیر<sup>(رض)</sup> وقتی در بیت الله نماز می‌خواند، کبوترهای حرم شریف فکر می‌کردند که او درخت خشکی است بر سر ایشان می‌نشستند، زیرا که در مقابل هیبت و عظمت خداوند (ج) ایشان به مانند درخت خشکیده بطور کلی بی حس و بی حرکت می‌ایستادند.

در روایتی است که روزی در پای حضرت علی بن ابی طالب<sup>(رض)</sup> خاری خلیده بود که از فرط درد هیچکسی نمی‌توانست آن را بکشد و طبعاً در آن زمان ادویه انسیتیزی نیز وجود نداشته بناءً همه حیران بودند که چگونه مشکل را حل نمایند. شخصی که نماز آنحضرت را به دقت مشاهده نموده بود و حقیقت نمازش را می‌دانست فرمود: شما می‌توانید این عملیات را در هنگام نمازش انجام دهید زیرا حضرت مبارک در نماز چنان غرق فکر و اندیشه الهی می‌شود که متوجه هیچ چیزی نخواهد شد و در هنگام سجده خار را از پای مبارکش کشیدند،

حضرتش هیچ احساس نکرد و بعد از ختم نماز دانست که پایش را جراحی نموده اند. حضرت صفوان آنقدر در سجده‌های خویش مداومت می‌کرد که رنگ پیشانی اش متغیر شده بود و پوست پیشانی اش ساییده شده بود.

### حکم با عجله نماز خواندن

حضرت ابو هریره <sup>(رض)</sup> می‌فرماید، که یک شخص داخل مسجد شد پیامبر <sup>(ص)</sup> در یک گوشه مسجد نشسته بود آن شخص نماز خواند و به نزد پیامبر <sup>(ص)</sup> آمد و سلام نموده پیامبر <sup>(ص)</sup> گفت: و علیک السلام برو نماز بخوان زیرا تو نماز نخوانده‌ای. آن شخص رفت دوباره نماز خواند به نزد پیامبر <sup>(ص)</sup> آمد و سلام نمود. حضرت پیامبر <sup>(ص)</sup> گفت: و علیک السلام برو نماز بخوان تو نماز نخواندی در مرتبه سوم و یا بعد از آن پیامبر <sup>(ص)</sup> برای من گفت: وقتی که برای نماز بر خیزی وضو را به شکل درست انجام ده. بعد به طرف قبله ایستاده الله اکبر بگو. بعد از آن هر چیزی از قرآن یاد داری بخوان. بعد از آن رکوع بکن تا این که در رکوع خوب اطمینان حاصل نمایی. بعد از آن سرت را بلند نما تا این که خوب راست ایستاده شوی. بعد از آن سجده نما تا این که خوب با اطمینان سجده نمایی. بعد از آن سرت را بلند نما تا با اطمینان بنشینی. بعد از آن سجده نما تا این که خوب سجده نمایی. بعد از آن بر خیز و بنشین تا این که مطمئن نشسته باشی. در روایت دیگری است که:

بعد از آن ایستاده شود تا این که خوب راست ایستاده شوی و به همین شکل نماز را تمام نما.

**سوال:** چرا پیامبر <sup>(ص)</sup> به آن صحابی مبارک که نماز خوانده بود گفت: برو دوباره نماز بخوان؟

**جواب:** آن شخص به عجله نماز خواند و در وقت سجده و سایر بخش‌های نماز با اطمینان و آرامش نماز نخوانده بود ازین سبب پیامبر <sup>(ص)</sup> چنان نماز را نادرست پنداشت به او امر نمود تا دوباره به شکل درست نماز بخواند زیرا نماز با شتاب و عجله درست نیست.

درین حدیث شریف پند است برای کسی که به تیزی و عجله نماز می‌خواند مشکلات آتی برای شان است: نماز شان درست نمی‌باشد.

نماز شان مورد قبول پروردگار نمی‌شود.

نماز شان مطابق نماز پیغمبر <sup>(ص)</sup> نیست.

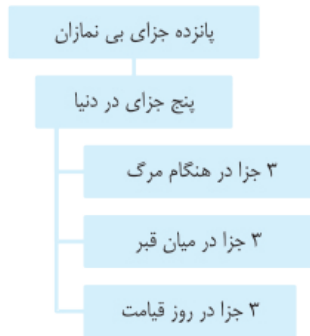
### جزای بی‌نمازان

به اساس ارشادات قرآنی اکثریت دوزخیان بعد از کافران و مشرکان بی‌نمازان اند قرآن کریم می‌فرماید: **رفی**



جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (المدر/۴۳)

درین آیت شریف بیان شده است که از مجرمان پرسیده می شود که چه چیز شما را در دوزخ انداخت، در جواب آنان می گویند که ما از جمله نماز خوانان نبودیم.



برای انسان بی نماز و کسانی که در نماز کاهلی و سستی می کنند و نماز را قصداً ترک می نمایند از طرف خداوند (ج) چهارده جزا مقرر شده است. پنج جزا در دنیا، سه جزا هنگام مرگ، سه جزا بعد از مرگ در میان قبر و سه جزا در روز قیامت.

### پنج جزا در دنیا

- (۱) زنده گی وی برکت برداشته می شود.
- (۲) نور مومنان از چهره اش برداشته می شود.
- (۳) از هیچ عملی برایش اجر داده نمی شود.
- (۴) هر قدر دعا نماید دعایش قبول نمی گردد.
- (۵) دعای بنده گان نیک نیز در حق او قبول نمی شود.

### سه جزا هنگام مرگ

- (۱) بی نماز با ذلت و خواری قبض روح می گردد.
- (۲) بی نماز گرسنه می میرد.
- (۳) به وقت مرگ چنان تشنه خواهد مرد که اگر تمام دریاهاى دنیا بنوشد تشنگی اش از بین نمی رود.

### سه جزا بعد از مرگ در میان قبر

- (۱) قبر بی نماز چنان تنگ می شود که قبرغه هایش به هم می چسبید.
- (۲) آتش در قبر بی نماز شعله ور می شود.
- (۳) ماری بر وی مسلط می گردد تا او را در هر وقت نماز عذاب نماید.

### سه جزا در روز قیامت

- (۱) حساب اعمال او به سختی گرفته خواهد شد.
- (۲) حق تعالی بر او به قهر و غضب خواهد بود.

۳) بی نماز ذلیل شده در جهنم داخل خواهد شد.

## حکمت و فلسفهٔ روزه

درین فصل موضوعات ذیل را مورد تحقیق قرار خواهیم داد.

- رمضان در لغت و اصطلاح
- نقش رمضان در ساختار فرد و جامعه

## رمضان در لغت و اصطلاح شریعت اسلامی

**رمضان در لغت:** رمضان از کلمه (رمضا) گرفته شده که به معنای شدت حرارت می‌باشد.

عرب‌ها می‌گویند: (رمضا الیوم) گرمی امروز بسیار شدت گرفته، همچنان می‌گویند: (رمضان النصل) شمشیر را در بین دو سنگ هموار گذاشت سپس آن را خوب مالید، تا خوب هموار گردد. علت تسمیه رمضان را دانشمندان اسلامی به معنای آن سوق می‌دهند و می‌گویند که این ماه را رمضان نامیدند، زیرا (لا نه یرمض الذنوب ای بحرقها بالاعمال الصالحة) زیرا گناهان را با اعمال نیک می‌سوزاند و بعضی هم گویند از این که دلها با کثرت شنیدن از شادات و موعظه‌ها چنان گرفته می‌شوند و گرم می‌گردند مثل این که ریگ‌ها و سنگ‌ها در وقت گرمی، حرارت قوی میداشته باشند و بعضی‌ها گویند که کلمه رمضان از کلمه (رمضت الشی) چیزی که میان دو سنگ آرد شود. بدین معنا که گناهان انسان در میان اعمال صالحه زیاد متلاشی می‌گردد و از بین می‌روند.

**رمضان در اصطلاح شریعت اسلامی:** رمضان ماه نهم از ماه‌های مبارک سال قمری بوده که در بین ماه شعبان و شوال واقع بوده و گرفتن روزه در آن بالای هر مومن یکتا پرست فرض می‌باشد. ماه نزول قرآن و در آن شبی است که از هزار ماه عبادت برتریت دارد، این ماه بخشایش گناهان و خلاصی گنهکاران از عذاب الهی می‌باشد.

**صوم (روزه) در لغت:** صوم در لغت خودداری و خاموشی از انجام عملی را گویند و همچنان برای خود داری از خوردن، نوشیدن، نکاح، راه رفتن، سخن و غیره استعمال می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

امام قرطبی می‌فرماید: که معنایش امساک (خور را نگهداشتن) و ترک انتقال از یک حالت به حالت دیگر می‌باشد و همچنان برای خاموشی نیز صوم گویند زیرا خاموش نگهداشتن زبان از سخن گفتن است. آیت شریف در مورد مریم می‌گوید: (...إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا... (مریم/۲۶) من برای خداوند متعال (ج) روزه گرفته‌ام، یعنی سکوت از سخن گفتن را اختیار نموده‌ام.

**صوم (روزه در اصطلاح شریعت اسلامی):** عبارت از نگهداشتن نفس انسان از خوردن‌ها، نوشیدنی‌ها، خواهشات شهوانی و امور منفی اخلاقی می‌باشد که با نیت از طلوع فجر صادق تا زمان غروب آفتاب دوام میداشته باشد.

روزه کامل روزهٔ است که تمامی اعضای بدن از تمامی امور منفی و ناروا محافظت گردد. چرا که پیامبر می‌فرماید: که هر که سخن بد و عمل به بدی‌ها را ترک نکند، خداوند ضرورتی به ترک خوراک و نوشیدنی‌هایش



ندارد. (من لم يدع قول الزور والعمل به فليس لله حاجة في أن يدع طعامه و شرابه)

### رمضان ماه نزول قرآن عظیم الشان

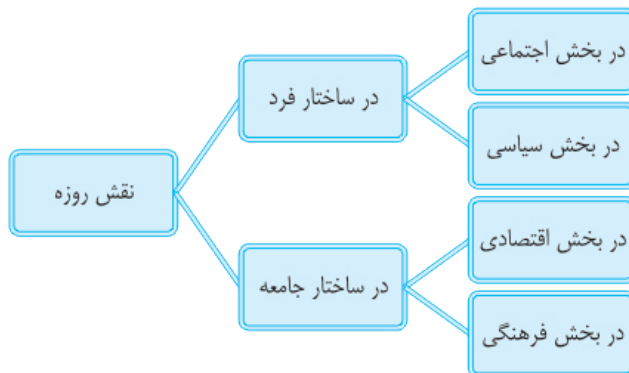
ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن عظیم الشان است، بزرگترین تحفه الهی برای هدایت بشریت درین ماه نازل گردیده است خداوند (ج) می فرماید: **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ... (البقرة/۱۸۵)** ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده که هدایت است برای مردم و دلایل روشن برای هدایت و فرق کننده میان حق و باطل است.

امام احمد<sup>(رض)</sup> به روایت از واثله ابن الاسقع می فرماید که رسول الله (ص) فرمود: صحیفه های ابراهیم، تورات، انجیل، همه در ماه مبارک رمضان نازل شده اند.

علامه ابن کثیر<sup>(رض)</sup> در تفسیر **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... (البقرة/۱۸۵)** می گوید: خداوند متعال ماه مبارک رمضان را نسبت به سایر ماهها توصیف نموده است زیرا قرآن عظیم الشان درین ماه نازل شده است و همچنان که این ماه برای نزول سایر کتابهای الهی نیز اختیار شده است ولی فرق صرف همین است که صحیفه های تورات، زبور و انجیل یک مرتبه نازل شده ولی قرآن عظیم الشان در ماه مبارک رمضان بصورت کامل در بیت العزه در آسمان دنیا نازل گردیده که این شب نزول شب قدر در ماه مبارک رمضان بود خداوند متعال می فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (القدر/۱)** و فرموده **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ... (الدخان/۳)** سپس در مدت بیست و سه سال به شکل متفرق مطابق واقعات بالای پیغمبر<sup>(ص)</sup> نازل شده است.

### نقش روزه در ساختار فرد و جامعه

به اساس ارشادات قرآنی و با استفاده از احادیث نبوی<sup>(ص)</sup> روزه ماه مبارک رمضان یکی از ارکان اساسی دین مقدس اسلام بوده که در جمله پنج بنای اساسی اسلام رکن سوم دین اسلام می باشد روزه مبارک رمضان اگر چه در ظاهر نگهداشتن اعضای بدن از خوراکها، نوشیدنیها و شهوت رانیها می باشد، ولی هر گاه به مفاهیم آن عمیق شویم و در مورد آن از نگاه حقیقت های فلسفی این حکم اسلامی فکر نماییم رمضان و روزه گرفتن درین ماه دارای بعضی از مزایای بسیار مهمی است که می توان آن را در نقاط ذیل مورد مطالعه قرار داد.



## نقش روزه

روژه ماه مبارک رمضان و سایر روزه‌های واجب و سنت مانند سایر احکام و دستورات اسلامی نقش مهمی را در زنده‌گی انسان مومن بازی نموده که این نقش‌ها هم در ساختار شخصیت از دیدگاه مادی و معنوی و هم از دیدگاه اجتماعی آن تاثیر مهمی را بجا می‌گذارد که درین بحث ابن مطالب را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

## نقش روزه در ساختار شخصیت فردی انسان

روزه در ساختار شخصیت فرد مومن نقش بسیار مهمی داشته و انسان را منحیث یک فرد مومن در دو بخش مادی و معنوی آن ترتیب می‌کند.

**الف در بخش معنوی:** هر مومن خدا پرست را لازم است که برای ارتقای سطح معنویت خویش همیشه سعی و تلاش ورزد، زیرا اساس دین مقدس اسلام به معنویت گذاشته شده است و یک مومن حقیقی تمامی زنده‌گی خویش را به معیارهای معنوی آراسته می‌سازد.

خداوند (ج) برای رشد سطح معنوی مومنان راه‌های زیادی را بیان داشته است تا انسان مومن در جانب مادی وجودی خویش و استفاده از مادیات در بخش معنویت نیز پیشگام باشد روزه ماه مبارک رمضان یکی از راه‌های رشد معنویت مومنان می‌باشد و این امر را در نقاط ذیل می‌توان بیان داشت.

### ۱- معنویت اخلاقی یا ارتقای سطح اخلاق به عالی ترین مقام آن:

اخلاق اسلامی همان اخلاقی را گویند که مطابقت با احکام و ارشادات اسلامی داشته باشد اگر چه هر فرد مومن در ارتقای سطح خویش همیشه سعی و تلاش ورزیده و از ارشادات اسلامی برای این هدف استفاده می‌کند، ولی کسانی که خود را آراسته به ۱۰۰ فیصد اخلاق اسلامی می‌سازند مراحل اخلاقی را نیز مد نظر داشته و سعی می‌ورزند که به همان مرحله عالی آن خود را نایل سازند ماه مبارک رمضان یکی از راه‌هایی است که برای رسیدن به این مرحله انسان مومن را آماده می‌سازد.

اکنون لازم است نخست این مراحل را مورد مطالعه قرار دهیم و سپس نقش ماه مبارک رمضان را در آن ارزیابی نماییم.

- **اخلاق خوب (جید):** اخلاقی است که انسان دارای صفات عالی اخلاقی باشد.
- **اخلاق عالی (جید جدا):** با وجود متصف بودن خود انسان به صفات عالی اخلاقی ضرر وی برای دیگران نرسد و هیچگاهی در مقابله با مردم آسیبی متوجه دیگران نشود، در بسا حالات است کسانی که اخلاق خوب دارند و احکام و ارزشات الهی را بالای خود خوب تطبیق می‌کند، ولی در معامله با دیگران بعضی از امور را فراموش می‌کنند.

**اخلاق اعلی (ممتاز):** اخلاقی را گویند که با وجود این که خودش دارای صفات عالی است و به دیگران نیز ضروری نمی‌رساند بلکه در هنگام ضرر رسانیدن دیگران نیز عکس‌المعل منفی نداشته و چنانچه در ماه مبارک رمضان انسان به عالی‌ترین مقام اخلاقی می‌رسد که **(فان شاتمه احد و قاتله آبی صالم مرتین)** هرگاه کسی با او جنگ نماید و یا دشنامش دهد برایش می‌گوید که من روزه‌دار هستم.

قوت و توانایی انسان زمانی در جامعه ثابت می‌گردد که او در هنگام توانایی‌ها خدا را فراموش نکرده و اخلاق خود را به معیارهای عالی آن رساند. انسان زمانی دارای اخلاق بسیار عالی می‌باشد که در هنگام غضب خشم خود را تحت تأثیر عقل خویش قرار داده خشمگین نشود و زمانی به مراحل عالی اخلاقی می‌رسد که در هنگام جنگ و دشنام دادن دیگران صبر نموده زبان خود را از گفتن سخنان زشت حفظ نموده و در مقابل آن شخص عکس‌العمل فیزیکی نشان نداده بلکه در همین لحظات سخت و دشوار که برای بسیاری انسان‌های ضعیف‌الاخلاق بسیار مشکل می‌باشد، ولی انسان‌هایی که اخلاق شان مثل اخلاق رسول الله (ص) شده است این عملکرد را در ماه مبارک رمضان جامه عمل پوشانیده و خود را برای نیل به این اخلاق عالی عادت می‌دهند.

حضرت ابی هریره (رض) می‌فرماید که رسول الله (ص) فرمود: روزه سپر است، انسان روزه دارد نه به زشتی‌ها رو آورد و نه هم به گناه مبادرت ورزد و هرگاه کسی با او بجنگد و یا دشنامش دهد برایش دو مرتبه بگوید: من روزه‌دار هستم.

عن ابی هریره (رض) قال رسول الله (ص) **قال الصیام جنه فلا برفث و لا یجهل و ان امر و قاتله او شائمه فلیقل انی صائم مرتین والذی نفسی بیده خوف قم الصائم اطیب عند الله تعالی من ربیح المسک یشرب طعامه و شرابه و شهوته من اجلی الصیام لی و انا اجری به و الحسنه بعشر امثالها البخاری / حدیث ۱۷۶۱**

**ترجمه:** قسم به ذات که که نفس محمد در تصرف اوست بوی دهان روزه‌دار به نزد خداوند متعال (ج) از بوی مشک بهترست او خوراک نوشیدنی و سایر شهواتش را برای خداوند متعال (ج) ترک می‌کند خداوند متعال (ج) می‌فرماید که روزه برای من است و من مکافاتش را می‌دهم و هر نیکی ده چند ثواب داده می‌شود.

**۲- کورس عملی برای انسان سازی:** دانشمندان تمامی رشته‌ها برای زیر دستان خود کورس‌ها عملی را سالانه ترتیب می‌نمایند که متخصصین آن رشته با استفاده از این کورس‌ها برای تقویت مسلک خویش در آن اشتراک می‌ورزند و این تقویت مسلک در بقیه اوقات سال برای آنان زمینه رشد بیشتر و خدمات عالی را امکان‌پذیر می‌سازد ماه مبارک رمضان یک کورس علمی برای انسان سازی است، زیرا انسان مومن درین ماه تمامی اعضای بدن خویش را مطابق احکام الهی آماده ساخته و حتی در حالاتی که تنها می‌باشد و تمامی امکانات استفاده از خوردنی‌ها نوشیدنی‌ها و شهوت برایش مساعد باشد بازهم با به یاد داشتن خداوند متعال (ج) ازین اشتباهات خود را محافظ می‌کند در هنگام جنگ و اشتباه دیگران فوراً برای جانب مقابل که او را دشنام داده است می‌گوید که من روزه‌دار می‌باشم درین ماه مسلمان حقیقی حتی از خوردن خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حلال و پاک پرهیز می‌کند و بعد از رمضان به فکر می‌باشد که من درین ماه از حلال‌ها خود را محافظت نموده و در سایر ماه‌ها سعی و تلاش می‌ورزد تا از حرام‌ها خود را محافظ کند خداوند متعال (ج) فلسفه حقیقی روزه را در متقی ساختن بنده‌گان بیان داشته است **(لعلکم تتقون)**.

این ماه رمضان است انسان را به شرطی که روزه اش را مطابق احکام الهی و ارشادات نبوی (ص) بصورت کامل و درست انجام داده باشد بسوی تقوا می‌کشد او را چنان متقی می‌سازد که با سپری نمودن این کورس یکماهه بقیه ماه‌های سال نیز مثل رمضان به احکام الهی مصروف می‌گردد.

**۳- تربیه نفس و ارتقای آن به نفس مطمئن:** روزه ماه مبارک رمضان یک سیستم تربیوی برای تربیه نفس انسان می‌باشد در حقیقت نفس انسان ارتباط داشتن با محیط فاسد و دوستان گمراه و سایر خواهشات به

نفس (اماره بالسوء) تبدیل می‌شود.

این نفس انسان را همیشه به بدی‌ها سوق داده او را از حقیقت عبادات دور می‌سازد، ولی انسان مومن کوشش می‌کند که این سیستم منفی خویش را با عبادت‌های پی در پی از حالت علاقمندی به گناه به نفس (لواحه) مبدل سازد.

نفس لواحه نفسی است که زمانی انسان کار بد می‌کند نفسش او را از داخل ملامت می‌نماید و برایش می‌گوید که در اشتباه است به این معنای که وجدانش را زنده ساخته در هنگام ارتکاب و یا نزدیک شدن به گناه احساس ملامتی و شرم می‌نماید.

انسان مومن باز هم با عبادات بیشتر کوشش می‌کند تا نفس خود را به مراحل عالی وی رسانده او را به نفس (مطمئنه) برساند نفس مطمئنه نفسی است که درک حقیقت‌های زنده‌گی و ارتباط قوی با خالق یکتای متعال کاملاً مطمئنانه زنده‌گی می‌کند او می‌داند که اکنون ذات بزرگ با وی است در تمامی مشکلات او را یاری می‌رساند و این ارتباط قوی با خالق جهان اطمینانی را نصیب وی می‌کند که بسیار انسان‌های بی‌دین با میلیون‌ها رفاهیت مالی حاصل نمی‌توانند.

نفس مطمئنه همان نفسی که در روز آخرت برایش خطاب می‌شود که **(یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی)**.

**ترجمه:** ای نفس مطمئنه بسوی پروردگارت برگرد در حالیکه تو از خدایت راضی هستی او نیز از تو راضی است در صف بنده‌هایم داخل شو و به جنتم داخل شو.

**۴- رمضان ثبوت حقیقی برای خداشناسی:** رمضان برای هرکسی ثابت می‌کند او چقدر خدا شناس است زیرا در لحظات روز انسان در حالات خلوت با خود می‌باشد که می‌تواند هر کاری را انجام دهد، بخورد، بنوشد، شهوت‌رانی کند، ولی زمانی او در تنهایی خدا را به یاد داشته و از ترس خداوند متعال (ج) خود را حفظ می‌کند برایش به ثبوت می‌رسد که او حقیقتاً خدا را شناخته است و خداوند متعال (ج) را حاضر و ناظر خود می‌داند.

زیرا کسانی که خدا را نمی‌شناسند شاید در مقابل مردم از خوردن و نوشیدن خودداری نمایند، ولی در حالت تنهایی به گناهان دست بزنند.

**۵- حاکمیت بخشی برای مبارزه بر خواهشات:** ماه مبارک رمضان برای انسان قدرت می‌بخشد تا بر علیه خواهشات نفسانی و شهوانی خویش آماده مبارزه گردد.

حضرت علقمه <sup>(رض)</sup> می‌فرماید که **قال لنا النبی (ص) یا معشر الشیاب من استطاع منکم البأه فلیتزوج و من لم یستطع فعليه بالصوم فانه له و جا.** نبی کریم <sup>(ص)</sup> برای ما گفت: هر کسی از شما که توانایی داشته باشد ازدواج نماید و هرکسی که نمی‌تواند بر وی لازم است که روزه بگیرد زیرا روزه برای وی وقایه است.

این حدیث پیغمبر <sup>(ص)</sup> برای روزه نفلی است که برای جوانانی که توانایی مصرف و نفقه را نداشته باشند لازم است تا روزه بگیرند که از ارتکاب گناهان شان وقایه شود، ولی روزه ماه مبارک رمضان نیز درسی برای حاکمیت باقیمانده ماه‌ها می‌تواند از امور حلال استفاده کند.

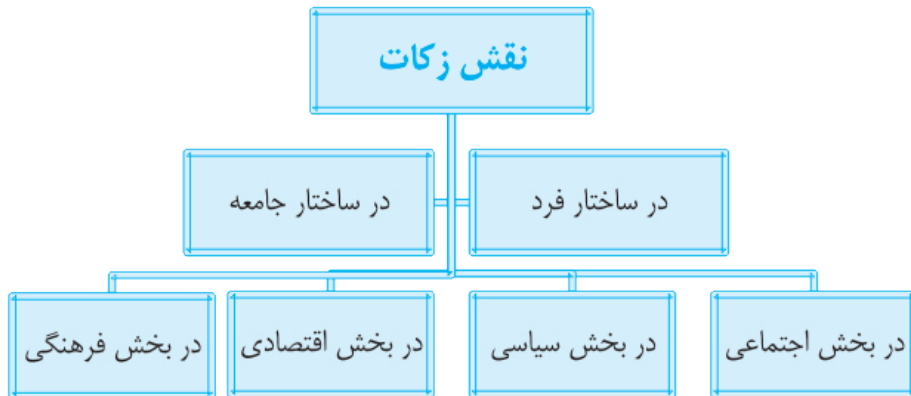
**۴) ذوب نمودن برای کادر سازی:** در درس‌های جهان اسلامی خواندیم که انسان مومن توسط

عبادت‌های ذوب می‌گردد تا مانند پارچه‌هایی گردد که برای ساختن یک جامعه مکمل اسلامی آماده باشد روزه مبارک رمضان در ذوب انسان‌های برای کادرسازی بی‌نهایت مهم و ارزشمند بوده و هرگاه کسی روزه ماه مبارک رمضان را به همان شرایط حقیقی آن بگیرد از وی یک کادر با ایمانی ساخته می‌شود که برای خدمت رسانی به جامعه انسانی هر لحظه آماده خدمت می‌باشد.

**ب: در بخش جسمی:** دکتوران و اطباء مسلمان برای منافع مادی رمضان در صحت و جسم انسان بحث‌های بسیاری جالبی دارند.

## حکمت و فلسفه زکات

- تعریف زکات در لغت و اصطلاح
- نقش زکات
- فضایل زکات



**نقش زکات:** زکات یکی از ارکان مهم دین مقدس اسلام است که در بخش مالی و اقتصادی قابل تطبیق بوده و آثاری در ساختار فرد و جامعه اسلامی دارد که می‌توان آن را در نقاط ذیل مورد مطالعه قرار داد:

**۱- در ساختار فرد:** هر گاه به آیات قرآنی که مسلمانان را به نماز امر می‌کند توجه و دقت نماییم در پهلوی هر آیت قرآنی حکمی در مورد زکات نیز موجود است نماز که از دیدگاه معنویت ارتباط انسان را با خداوند متعال (ج) مستحکم می‌سازد.

زکات این رابطه را در بخش مادی و مالی آن مستحکم می‌سازد زیرا بسیاری از عیوبی است که سبب فاصله میان بنده و خدایش می‌گردد.

به گونه مثال محبت مال، بخل، دزدی، قطاع‌الطریق، اختلاس، رشوت و سایر عیوب خطرناک از همین نقاط مالی داخل وجود انسان می‌گردد.

هرگاه مسلمانی احکام الهی را مراعات نموده زکات اموال حلال و پاک خود را تقدیم نماید درینجاست که او از محبت افراطی به مال به محبت دیگری انتقال می‌کند، که محبت خداست این مومن ثابت می‌کند که برای

رضایت خداوند متعال (ج) از مال خود گذشته آن را در راه خداوند متعال (ج) مصرف نموده است پس چگونه رو به مال حرام نماید.

زکات اموال ایمان مومن را قوی تر می سازد، زیرا در بسا حالات انسان‌ها ریا کار می‌توانند که صدها رکعت نماز ریایی بخوانند و هر لحظه به نقل‌گذاری شروع کنند، ولی برعکس آن مصرف پول در راه خداوند متعال (ج) نشان می‌دهد که او واقعاً محبت با پروردگار خویش داشته و از لذیذترین چیز در زنده‌گی خویش برای رضایت وی صرف نظر نموده است بناءً زکات انسان را به امور ذیل می‌کشانند.

**الف:** تقویت ایمان با مصرف نمودن اموال در راه خداوند متعال (ج)

**ب:** دوری از بخل

**ج:** محبت با فقراً

**د:** دوری از کسب اموال حرام

## ۲- نقش زکات در ساختار جامعه انسانی: فرق میان جامعه انسانی و سرزمین حیوانات (جنگل) در یک

نقطه اساسی نهفته است که انسان برای دیگران و حیوان برای خود زنده‌گی می‌کند.

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

هرگاه در جامعه انسانی هرکسی بخاطر منفعت شخصی خود سعی و تلاش ورزیده و به برپادی دیگران و یا حد اقل بی‌توجهی به دیگران مشغول گردد شخصیت انسانی خویش را از دست می‌دهد روزه ماه مبارک رمضان برای ساختار جامعه اسلامی زکات را فرض نموده است تا انسان برای خیر اندیشی برای دیگران از اموال حلال و پاک خویش مصرف نماید و مقداری از پول خود را برای ساختار جامعه به کار اندازد.

### الف: در بخش اجتماعی:

هرگاه در یک جامعه احساس همکاری و عاطفه بین مردم موجود باشد اغنیاً مشکلات فقراً را در نظر داشته برای حل مشکلات شان راهی را سراغ نمایند و برای از بین بردن فقر و آثار فقر سعی و تلاش ورزند، بدون شک درین جامعه آثار و اسباب جرم و گناه تا آخرین حد آن ضعیف می‌گردد، زیرا بسیاری از جوامع علت اساسی بدون شک درین جامعه آثار و اسباب جرم و گناه تا آخرین حد آن ضعیف می‌گردد، زیرا در بسیاری از جوامع علت اساسی بسیاری از جنایت و جرایم بیکاری و فقر می‌باشد زکات یکی از وسایل بسیار مهم برای از بین بردن فقر و رهیایی برای حل مشکلات فقیران و نیازمندان می‌باشد. وقتی اغنیاً زکات اموال خویش را به شکل درست و حقیقی آن مطابق احکام الهی به حکومت اسلامی تقدیم نمایند و حکومت ازین اموال برای مبارزه با فقر و بیکاری استفاده نماید درینجا چند منفعت در جامعه رخ می‌دهد.

- در مقابل اغنیاء حس بد بینی فقرا از بین می‌رود زیرا آنان می‌دانند که او برای شان کمک نموده است.
- دامنه فقر بروز بر چیده شده و هرکسی می‌تواند زنده‌گی نورمال داشته باشد.
- وقتی دولت از مال زکات برای تاسیس مراکز تعلیمی و سرپرست بینویان استفاده کند دامنه بی‌کار و بیسواد از بین می‌رود.
- دوستی و محبت میان افراد جامعه بیشتر می‌شود، زیرا اغنیاء با فقرا همدردی نموده اند و محبت آنان را



کسب نموده اند.

**ب: در بخش سیاسی:** یکی از مشکلات مهم حکومت‌ها مبارزه با فقر بیکاری بیسوادى و بیچاره‌گى می‌باشد این حکومت‌ها نمی‌توانند احتیاجات مردم را بصورت کامل مرفوع سازند و به این شکل احیاناً مجبور می‌شوند تا از دیگران کمک گیرند که این کمک‌های خارجی در بسا حالات سبب استعمار آن کشور شده به عوض این که برای آنان نفع بیاورد. سیادت سیاسى آنان را از بین می‌برد زکات بهترین وسیله اقتصادی برای حکومت اسلامی می‌باشد.

حکومت‌های اسلامی می‌توانند با استفاده از قانون الهی زکات اموال اغنیاء را جمع‌آوری نموده و مبارزه خویش را علیه فقر، بیکاری، بیسوادى یتیمان، بی سرپرستی بیوه‌گان رفع مشکلات وارثین شهدا و معلولین عملاً آغاز نمایند.

در دین مقدس اسلام حکومت اسلامی مکلفیت دارد که یک اداره را به عنوان اداره جمع‌آوری زکات تأسیس نماید این اداره فورمه‌های ثبت دارایی رعیت خویش را ترتیب نموده و مطابق آن سالانه زکات مال آنان را جمع‌آوری نموده مطابق احکام الهی در مصرف آن پردازد که این کار حکومت دارای منافع ذیل می‌باشد:

- در صورتیکه حکومت اموال زکات را رسماً جمع‌آوری نماید هیچ سرمایه‌دارى نمی‌تواند که از ادای آن دورى نماید بناءً حقوق فقرا به صورت خوب محافظت می‌شود.
- حکومت می‌تواند به شکل منظم در مبارزه با فقر برنامه‌های عملی داشته باشد.
- حکومت می‌تواند برای مبارزه با بیسوادى نیز برنامه‌های عملی داشته باشد.
- حکومت دارای بودیجه بسیار قوی مالی بوده ضرورتی به خیرات خواهی از دیگران نمی‌شود.
- هرگاه حکومتی بتواند که مشکلات رعیت خود را مرفوع سازد امنیت و استقرار در آنجا نیز حاکم می‌شود.

**ج: در بخش اقتصادی:** مشکل اقتصادی تمامی کشورهای جهان را عایدات و مصارف آن تشکیل می‌دهد، اقتصاد دانان جهان در پی این دو امر افتاده اند که نخست عایدات کشور خویش را چگونه بالا برند و همچنان در مصرف آن چگونه سعی و تلاش ورزند تا مصارف بیجا اقتصاد آن را ضربه نزنند هرگاه کشورهای اسلامی قوانین زکات را برای تقویت بنیه اقتصادی دولت‌ها عملاً تطبیق نمایند بزرگترین پشتوانه اقتصادی برای آنان می‌باشد و هرگاه مصارف اموال را مطابق احکام اسلامی داخل چوکات اسلامی تثبیت نمایند و مانع مصارف بیجا گردند، این کار نیز از رفتن میلیون‌ها میلیون دارایی کشور در امور مبتذل و فله‌ها و سریال‌های بیجا مصرف نخواهد شد.

### خلافت عمر بن عبدالعزیز الگوی اقتصاد اسلامی

حضرت عمر بن عبدالعزیز<sup>(رض)</sup> که بنام پنجمین خلیفه اسلامی معروف است اساس حکومت خویش را بر بنیاد تقوا و تطبیق تمامی احکام اسلامی بناءً نهاد او که می‌گفت: هرگاه حیوانی در فراز کهسارها بغلطد خداوند (ج) از من خواهد پرسید که ای عمر چرا راه را برایش آباد نموده بودی.

عمر بن عبدالعزیز<sup>(رض)</sup> در زمان خلافت خویش قانون اقتصادی اسلامی را که زکات یکی از دعایم آن می‌باشد تطبیق نمود و نتیجه این شد که مامورین بیت المال وزارت مالیه در تمامی شهر برای دریافت فقیری در حرکت بودند و در تمام سرزمین اسلامی فقیری یافت نمیشد که برایش کمکى صورت گیرد.

**د: در بخش فرهنگی:** فرهنگی اسلام فرهنگ اخوت و برادری است فرهنگ تکافل اجتماعی سعی و تلاش برای حل مشکلات دیگران است.

تو کز محنت دیگران بیغمی      نشاید که نامت نهند آدمی  
زکات این فرهنگ اسلامی را به شکل عملی آن در میان مردم پخش و نشر می‌کند.

### فلسفه‌های زکات

**فلسفه کی لا یكون دولة بين الاغنیاء:** در دین اسلام مال و پول احکامی دارد که این اموال به اساس ارشادات الهی تنها در دست ثروتمندان نمانده بلکه انسان غنی مجبور است که سالانه ۲/۵ فیصد مال خود را برای فقراً بدهد این مال وی از طرف دولت اسلامی به شکل قانون و اجباری از وی اخذ می‌شود و برای فقراً و مساکین مصرف می‌گردد هرگاه تجاری که میلیاردها دالر داشته باشد و زکات آن را حکومت‌های اسلامی به شکل رسمی ازین تجاران بگیرد تمامی اموال به دست اغنیاء نمانده بلکه برای فقراً نیز فرصتی داده می‌شود که از این استفاده نماید.

**فلسفه حفظ حقوق بینویان:** در نظام‌های دست ساخته بشر اگر چه ادعای حقوق انسان و بشر دوستی گوش‌ها را همیشه طراوت می‌بخشد، ولی در ساحه تطبیق علمی آن بشر هنوز هم به فقر و بیچاره‌گی مبتلا می‌گردد فقیران هنوز هم به فقر و غربت مبتلا می‌شوند و مالداران هرچه بیشتر خون ملت‌ها را می‌مکند. این نظام‌ها گاهی تحت نام سوسیالیزم و کمونیزم سرمایه را در انحصار دولت‌ها می‌گذارد و رهبران دولت تمام سرمایه را مطابق پلان‌های خویش به مصرف رسانده حق ملت را می‌بلعند و گاهی هم این نظام‌های ساخت بشر بنام پول‌الیزم برای سرمایه داران حق می‌دهند که از هر راهی که باشد پول به دست آورند و در مقابل آن هیچ مسوولیتی هم در مقابل فقراً و طبقه محروم جامعه نداشته باشند.

قانون زکات اسلامی که یکی از اساسات بنیادی پنجگانه دین مقدس اسلام است که انکار آن کفر بوده و یکی از فرائضی است که بدون ادای آن حلال انسان ناپاک می‌گردد اغنیاء مجبورند که این مقدار را دونیم فیصد مال می‌شود سالانه تسلیم فقیران نمایند و هر قدر اندازه سرمایه زیاد گردد به همان اندازه مقدار زکات بیشتر می‌گردد که تقسیم عادلانه این اموال میان فقرا و بینویان این مشکل را از جامعه اسلامی نابود می‌سازد.

با جاری ساختن نظام زکات حقوق فقراً و مساکین حفظ شده برای آنان یک سرمایه خاصی در دولت می‌باشد و این سرمایه به منفعت آنان مطابق ضرورت‌های آنان مصرف‌های آنان مصرف می‌گردد این نظم سبب می‌شود که فقراً با دریافت امکانات بالآخره در صف اغنیاء قرار می‌گیرند.

**فلسفه نفقه اموال مهمترین بخش دین:** هر عبادتی تاثیر ویژه خود را در حیات مومنان دارد و گاهی هم امکان دارد که کسی در عبادت‌های بدنی و بی‌مصرف در نخستین صف قرار داشته باشد، ولی ایمان وی زمانی تکمیل می‌گردد که این فرد مومن بر علاوه این عبادات بدنی در تقدیم اموال برای رضایت پروردگار که عبادات مالی است نیز سهم فعال داشته باشد و خداوند (ج) در قرآن عظیم الشان زکات را در پهلوی نماز ذکر نموده است تا انسان مومن برای اثبات ادعای بنده‌گی خویش هر دو را به شکل متوازی البته در صورت توانایی انجام دهد



(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ (البقرة/۴۳).

پاکی اموال با ادای زکات صورت میگیرد نماز برای پاکی جسم انسان از نگاه مادی و معنوی موثر است ولی عبادت زمانی مقبول بارگاه پروردگار قرار میگیرد که جسم انسان از مال حلال و پاک تغذیه شده باشد لباس و جای عبادت نیز پاک و تمیز باشند همان قسمی که برای پاک ساختن گوشت یک حیوان حلال به ذبح نیازمند هستیم به همین سان برای پاک نمودن اموال به دادن زکات نیاز داریم.

برای تزکیه نفس اعمال نیک لازم است. (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (الشمس/۹)

برای تزکیه حیوان به ذبح ضرورت است. (وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ... (الأنعام/۱۲۱)

برای تزکیه مال به زکات نیاز است.

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

(التوبة/۱۰۳)

**تطبیق نظام زکات وظیفه رهبران اسلام است:** مهمترین اساس اقتصاد اسلام را جمع زکات و مصرف آن بصورت قانونی مطابق شریعت اسلامی برای مستحقان و فقراً می باشد هرگاه مسؤول یک حکومت حقیقتاً این نظام را مراعات نماید و آن را بصورت درست جمع آوری نماید و در امور خیر و نیک که به نفع مستحقین و مسکینان باشد او حقیقتاً مسؤولیت خویش را در مقابل ملت خویش انجام داده است خداوند (ج) در مورد این گونه اشخاص می فرماید:

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

(الحج/۴۱) کسانی اند که زمانی برای شان امکانات در زمین دهیم نماز را برپا می نمایند و زکات هم می دهند به کارهای نیک مردم را امر می کنند و از کارهای بد منع می نمایند و عاقبت و انجام کار به خداوند متعال (ج) ارتباط دارد:

هرگاه یک مسؤول دولت این چهار اساس قرآنی را مراعات نماید حقیقتاً نظم حکومت خویش را بصورت شرعی و ایمان ترتیب و تنظیم نموده هم سعادت نصیب خودش می شود و هم نصیب اتباعش این چهار حکم در آیت فوق به خوبی بیان شده است که عبارت اند از:

۱) **برپا نمودن نماز:** هرگاه مسؤولین دولتی در برپا نمودن نماز که ارتباط انسان را با خدایش محکم می سازد سعی ورزند و اتباعش با خداوند متعال (ج) ارتباط داشته باشند هیچگاهی این مردم مخالف دستگیر الهی عملی را انجام نمی دهند، زیرا آنان همیشه با خدا ارتباط میداشته باشند و هرگاه کسی با خدا ارتباط داشته باشد همیشه خودش مراقب اعمال خود بوده از ترس خداوند (ج) به کسی ظلم و تجاوز نمی کند.

۲) **دادن زکات و تنظیم امور زکات:** هر گاه مسؤولین یک حکومت در برنامه های اقتصادی خویش زکات را مطابق احکام الهی برنامه ریزی نمایند بسیاری از مشکلات اقتصادی دولت ازین طریق مرفوع می گردد.

۳) **به نیکی ها امر نمودن:** هرگاه مسؤولین دولتی متوجه این امر بوده و مردم را به کارهای نیک دعوت نموده و تمامی وسایل اطلاعات جمعی دولتی و آزاد به دعوت مردم به سوی نیکی ها مصروف باشند و

تمامی برنامه‌های هنری پارچه‌های تمثیلی برنامه‌های تفریحی و فلم‌های خویش را در خدمت امر به نیکی‌ها قرار دهند. حقیقتاً می‌توانیم که جامعه را به سوی نیکی‌ها و برتریت‌های اخلاقی کشانند.

**۴) نهی از بدی‌ها:** بسیاری از مردم مفهوم حقیقی نهی از بدی‌ها را ندانسته و فکر می‌کنند مجبور ساختن مردم به عبادت با خشونت‌ها عبارت از نوعی ازین حکم اسلامی می‌باشد، در حالیکه این چنین نبوده هدف اصلی منع مردم از بدی در تمامی ساحات عملی زنده‌گی انسان می‌باشد هرگاه در منزل کسی بیسوادی منتشر باشد و خواهران برادران و سایر اعضای فامیلش به این کار منفی و مرض هلاک کننده مبتلا باشند این شخص کوشش نموده و با برنامه‌های درسی ایشان را با سواد بسازد و آنان را برای آموزش علم و دانش تشویق نماید در حقیقت نهی از منکر نموده است.

هرگاه مسوولین دولتی برای از بین بردن جنایت‌ها و جرایم سعی و تلاش ورزند آنان یک پدیده منفی جامعه را محو نمایند در حقیقت نهی از منکر نموده اند.

### فضایل زکات

**زکات یکی از علامات رستگاری مومنان:** در آغاز سپاره ۱۸ در مورد مومنانی که فلاح و رستگاری نصیب آنهاست آیات قرآنی بیان شده است که از جمله کسانی را نیز بدین صفت بیان داشته است که زکات اموال خویش را می‌دهند **وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (المؤمنون/۴)**

**زکات دهنده گان امیدواران رحمت الهی اند:** خداوند (ج) برای مومنان داشته که شما این سه کار را بکنید که شاید به رحمت الهی نایل گردید که اینها عبارت اند از:

**نماز گذاران:** زکات دهنده‌گان و کسانی که اطاعت پیامبر را می‌کنند.

**وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (النور/۵۶)**

زکات سبب زیادت اموال می‌گردد:

**(وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ**

**الْمُضْعِفُونَ (الروم/۳۹)**

**زکات اندازه محبت انسان را با خداوند (ج) ثابت می‌کند:** هرکسی به زبان خویش ادعای محبت الهی را می‌نماید چون مال برای هر شخصی ذاتاً محبوب است به همین خاطر در امتحان انسان تقدیم اموال به ویژه زکات فرض گردانیده شده است که در آن اندازه محبت مردم با خداوند (ج) ثابت می‌گردد.

**زکات وسیله پاک نمودن انسان از صفت بخل:** منظور از فرضیت زکات پاک‌گی انسان از صفت بخل می‌باشد این خاصیت بسیار هلاکت کنند در وجود انسان می‌باشد که مومن حقیقی را نمی‌شاید که دارای چنین خصلت باشد حضرت محمد (ص) می‌فرماید: سه چیز هلاک کننده انسان است:

۱. حرص و بخلی که اطاعت آن شود.

۲. خواهش نفس که از آن پیروی شود.

۳. رأی خود را از همه برتر دانستن

**شکرانه نعمت مال با زکات ادا می‌گردد:** خداوند (ج) نعمات زیادی برای انسان داده است که باید شکر

همه ادا گردد و شکر نعمت مال به واسطه تقدیم زکات ادا می‌گردد.

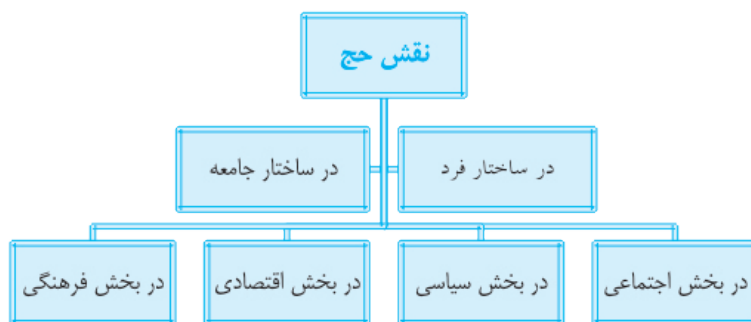
## حکمت و فلسفه حج

درین بخش موضوعات ذیل را مورد تحقیق قرار خواهیم داد.

۱- حج در لغت و اصطلاح

۲- نقش حج در ساختار فرد و جامعه

۳- فضایل حج



**نقش حج:** حج یکی از بنای‌های پنجگانه اسلامی است، این وجیهه الهی نقش مهمی را در ساختار و جامعه

انسانی بازی می‌کند که می‌توان آن را بصورت مفصل مورد مطالعه قرار داد:

۱- **نقش حج در ساختار فرد:** حج انسان مومن را به عالیترین مراحل ایمانی می‌کشانند که می‌توان آن را

چنین تحلیل نمود:

- **معنویت درین مراسم:** حج بیت الله شریف قبل از همه یک سیر معنوی است که روح انسان مومن را از مادیت و گرایش‌های شیطانی به سوی عبادت ذات خداوند متعال (ج) و رجوع از گناهان بسوی نیکی‌ها و تسلیمی به بارگاه الهی می‌کشانند که این معنویت حج را در امور ذیل می‌توان به خوبی مورد مطالعه قرار داد:

- **سیری بسوی خدا:** نخستین اثر حج را می‌توان در یک نگرش کلی سیر وجودی انسان به سوی خدا، نمایش رمزی فلسفه خلقت بنی آدم و تجسم عینی آنچه درین فلسفه مطرح است... (۱)

هرگاه به حقیقت حج نظر اندازیم این در حقیقت یک سیری است بسوی خداوند (ج) مسیری بسوی تاریخ انسانیت و مسلمانان سیری به سوی شخصیت‌های ارزنده و تاریخ ساز، سیری است بسوی محبت و عشق و سیری است به سوی اصل انسان.

درین سفر هر انسان چون ممثلی حیات بشر را تمثیل می‌کند حیات شخصیت‌های تاریخی را تمثیل می‌کند گاهی حیات ابراهین گاهی حیات سارا گاهی حیات اسماعیل گاهی دردها و رنج‌های همه را و گاهی.. و گاهی.

درین صحنه‌های مختلف این انسان مومن مانند نقش رهرو را بازی می‌کند، ولی نه نقش ظاهری بلکه با محتوا و معانی دقیق آن این شخص خود را از زنده گی خویش دور نموده و آنچه‌آن که آن ممثل در فلمی

خود را فراموش نموده در نقش دیگری می‌درخشد و تمامی سوره‌ها را عملاً بالای خود تطبیق می‌نماید به همین سان این شخص مومن تمامی صحنه‌های تاریخ بشریت را یکبار تمثیل می‌کند، ولی با یک تفاوت که نقش او نقش اساسی و محوری است نقش او تنها یک شخص را نه بلکه او در نقش همه اشخاص است او تمامی تاریخ را به تنهایی خود تمثیل می‌کند در تمامی نقش‌ها تمثیل می‌کند و باز او تنها نقش ظاهری را که شاید چند صحنه از مادیت باشد نه بلکه او نقش اساسی معنوی همه را تمثیل می‌کند او در معانی هر صحنه غرق می‌شود او با یک فرق که گریه اش مانند گریه فلمسازان ساختگی و خیالی نیست بلکه هرگاه می‌گیرید حقیقتاً می‌گیرید هرگاه محبت می‌ورزد محبتش بخاطر صحنه‌سازی نه بلکه برای خودسازی است درینجا این نقش را برای دیگران و نمایش برای دیگران بازی نمی‌کند بلکه این نقش را برای اصلاح خود برای انتقاد بر خود برای یاد دهی خود برای دانستن تاریخ خود تاریخ انسانیت تاریخ انسان سازی و بالاخره این صحنه برای دیگران نه... بلکه برای خود صحنه‌ها می‌سازد.

یک فرق و آن فرق اساسی او تمامی حادثات تاریخی را در ظرف چند روزی تمثیل می‌کند، ولی صحنه‌های وی ساختگی نیست لباس وی ساختگی نیست جای تمثیل وی ساختگی نیست بلکه همه حقیقت‌ها و واقعیت‌ها ست او درین چند روز به یاد دیگران و سپس با یاد دیگران به یاد خدای عزوجل می‌شود.

## ۲- نقش حج در ساختار جامعه: حج در ساختار جامعه انسانی می‌توان نقش‌های ذیل را به ارمغان بیاورد:

**نقش اجتماعی حج:** مسلمانان برای حل مشکلات روزانه خویش به مساجد منطقه رفته و روزانه پنج مرتبه از احوال یکدیگر با خبر می‌شوند و هرگاه کسی را دو سه مرتبه غایت از نماز جماعت ببینند فوراً در مورد او بازپرسی می‌کنند و مشکلی که برای وی پیش شده در حل آن تصمیم می‌گیرند دامنه این شناخت‌ها و حل مشکلات‌ها در روزهای جمعه توسعه بیشتر یافته زیرا مسلمانان به مسجد جامع شهر رفته و در آنجا باهم یکجا نماز جمعه را ادا می‌کنند که ادای نمازهای جمعه با این وسعت سبب شناخت و تفاهم بیشتر میان مردمان یک شهر می‌گردد.

و از این که در نماز جمعه شرط است که به امامت رهبر و یا یکتا از نماینده‌گان ادا گردد بناءً در حضور یابی امام مسلمانان (خلیفه- امیر المومنین) در ادای نمازهای جمعه و خواندن خطبه توسط وی، مسلمانان می‌توانند مشکلات کشور خویش را در این روز با خلیفه مسلمانان در خانه خدا بدون دروازه‌های منع مراجعین و سکرتریت به شکل مستقیم صورت می‌پذیرد.

ولی برای حل مشکلات جهانی مسلمانان سال یکبار کنفرانس باید دایر گردد که در آن همه مسلمانان از تمامی جهان باهم یکجا شده و برای حل مشکلات جهانی خویش تصمیم‌گیری نمایند و به این صورت نماینده هر کشور مشکلات و پرابله‌ها خویش را به گوش جهانیان رسانیده و به این شکل دیگران در رفع این مشکلات با ایشان همکاری گردند بناءً حج وسیله اساسی برای تفاهم میان ملت‌ها و تمامی مسلمانان جهان می‌باشد، ولی دشمنان اسلام با درک این حقیقت سعی و تلاش ورزیدند که مراسم حج را صرف در عبادات و رفتن به اماکن مقدسه تخصیص داده و رهبران سیاسی را غلام خود ساخته آنان را به این وا داشتند که در جریان مراسم حج از تشکیل کنفرانس‌ها و مجالس اسلامی ممانعت نموده و مانع جلسات سیاسی مسلمانان که اصلاً باید درینجا مطرح می‌شد گردند.

همچنان برای جلوگیری از رفتن مسلمانان به حج در مصارف حج نرخ‌های بسیار گزافی را تعیین نموده اند که بسا اوقات دلبستگی خانۀ الهی نمی‌توانند به ساده‌گی به شرف زیارت بیت الله نایل گردند.

**ب: نقش سیاسی حج:** حج نشانه عملی ملل متحدی است که اساس آن توحید و یک پارچگی ملت‌ها جهان می‌باشد.

دین مقدس اسلام با فرض نمودن حج به شکل عملی به مردم نشان می‌دهد که به اساس توحید ملل متحد ایجاد گردیده است که در آن حق ویتو برای چند کشور ابر قدرت نباشد بلکه تمامی ملت‌ها یکسان از حقوق خویش استفاده نمایند اگرچه در عصر امروزی ما سازمانی به نام ملل متحد داریم ولی مشکل آن اینست که در آن حق ویتو سرف چند کشور ابر قدرت داده شده است حج برنامه خاصی است که زمانی ملت‌های مختلف با رنگ‌های مختلف (سیاه پوست، سفید پوست نیبه پوست و سرخ پوست) کشورهای مختلف باهم یکجا شده و بخاطر از بین بردن اختلافات و سمبول‌های هر کشور و لباس‌های افتخاری همه یک لباس متحدی را در تن می‌کنند و یک شعاری به زبان می‌آورند که **(لَبِیکَ اللَّهُمَّ لَبِیکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبِیکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمَلِکَ لَا شَرِیکَ لَکَ)**.

این حقیقت یگانه ساری ملت‌ها در حج بصورت پراکتیک و عملی آن برای همهٔ جهانیان قابل مشاهده است اگر جشن هندوها بخاطر هندوهای هندوستان است و یا هم در مراسم بت‌پرستی چینی‌ها تنها مردم چین شرکت می‌کنند، ولی در مراسم عبادت رب العالمین هیچ کسی حق ندارد که نسبت بر دیگران برتریت داشته باشد رسول الله (ص) بعد از فتح مکه هیچ قریشی مکی عربی هاشمی را امر نمی‌کند که در بام کعبه رود بلکه سیاه پوست حبشی غیر عربی و غیر قریشی و غیر هاشمی را که می‌تواند نشانه از سمبول توحید ابراهیمی باشد به بام کعبه بالای می‌کند و برایش امر می‌کند که ندای توحید را بلند نما چه خوب است این حقیقت از زبان یک دانشمند که هنوز شرف توحید را حاصل نکرده ولی حقیقت‌ها را دانسته است درینجا ذکر نماییم:

یکتن از پروفیسوران هندوستان (راما کرشنا راو) رئیس بخش فلسفه کالج هنرهای مهارانیش شهر میسور هندوستان کتابی در مورد محمد (ص) نوشته است می‌گوید: (بعد از فتح مکه پیامبر خدا به بلال (رض) امر می‌کند تا به بام کعبه بالا شود و ندای الله اکبر را از آنجا بلند کند بلال حبشی با لبان پهن و عریض خود به بام کعبه بالا می‌شود بام که در نظر اسلام بسیار مقدس و در عین حال تاریخی هست در این وقت غرور و تکبر عرب اوج می‌گیرد و می‌گویند: این غلام حبشی در بام خانه خدا بلند می‌شود و اذان می‌دهد روز خوش نبیند.

اما پیامبر خدا (ص) از بین بردن غرور تکبر نخوت و خود خواهی آمده بود اینجا است که پیامبر (ص) یک خطبه می‌دهند که در آن چنین می‌گوید: تمام حمد و ستایش مر خدای را است که پروردگار عالمیان است و شکر او را بجا بیاوریم که ما را از گفتاری‌ها و جهل جاهلیت نجات داد ای مردم بیاد داشته باشید که تمام مردم به دو گروه تقسیم شده اند مردمان خدا ترس و متقی که در نزد خداوند (ج) مرتبه عالی دارند و مردمان شقی القلب که در نزد خداوند (ج) بد بخت و بی‌اهمیت می‌باشند تمام مردم فرزندان آدم هستند و آدم از خاک به دنیا آمده است.<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۴</sup> پیامبر اسلام توانست که شاگردان مکتب توحید و نبوت را چنان تربیه نماید که همه مانند دانه‌های شانه یکسان بوده و هیچکسی بر کسی دیگری برتریت نداشته و تنها برتریت به تقوا بود.



پروفیسور رام کرشنا می گوید: ( سال یکبار تمام جهان به چشمی سر مشاهده می کنند که اختلافات رنگ، بو و نژاد از بین می رود و هر انسان منحصیث انسان در پهلوی یکدیگر قرار می گیرد چه این انسان از اروپا باشد یا امریکا با از هندوستان باشد و یا از چین خلاصه ار هر جای دنیا که باشد به مکه می رود و در آنجا مانند اعضای یک فامیل جمع می شوند به یک قیافه و یک شکل در یک لباس و با یک صدا خالی و فارغ از هر نوع تکبر و غرور با سر برهنه شعار می دهد **(لیک اللهم لیک لا شریک لک)** اینجاست که در دنیا هیچ چیزی وجود نمی داشته باشد که قابل تمییز و فخر باشد بجز ذات پاک او تعالی که هر حاجی با این تأثیر به خانه خود بر می گردد که خدا لا شریک هست و ما بنده او هستیم) وی علاوه می کند: (قسمی که پروفیسور هرگروچی گفته است که ملل متحدی را که پیامبر خدا تشکیل داده بود در هیچ ملل و اقوام دیگر سابقه نداشته و اقوام مختلف از آن درس آموختند او علاوه می کند هیچ ملتی از ملل دنیا به جز از اسلام در تشکیل امم متحده هم پیدا شده نمی تواند).

**ج: نقش اقتصاد حج:** هرگاه مسؤولیت خانه خدا به شکل مخلصانه انجام میشد، رهبران اسلام می توانستند از مصارفی که حجاج غنی در هنگام ادای مراسم حج می پرداخت به نفع سایر مسلمانان کار می کردند و عایدات سالانه حج و عمره را که به میلیون ها دالر می رسد برای کشورهای فقیر و مصیبت زده مصرف می نمودند و به این شکل دامن فقر و بیچارگی ملت ها به کلی از بین می رفت.

همچنان در هنگام حج اموال تجارتی زیادی به فروش می رسد و هرگاه مسؤولین هریستان فیصله می نمودند که در زمان حج تنها اموال مسلمانان به آنجا قابل فروش باشد درین موسم میلیاردها افغانی به نفع کشورهای اسلام می بود.

ولی با تأسف که تیل فروشان آل سعود اموال مسلمانان را مدالی ساخته در سینه های آمریکایی هایی که در جنگ خلیج عراق را ویران نموده آویزان نمودند و یا هم طیاره ها و وسایل جنگی فرسوده شده و تاریخ زده غربی ها را به میلیون ها دالر خریداری نموده برای سرکوبی نهضت های اسلامی در آنجا استعمال می کنند، ولی در هنگام جنگ با دشمنان اسلام مانند صدام در زیر خانه پت شده که افراد خودشان با گرفتن چند هزار دالر او را به دست امریکایی ها می دهند.

**د: نقش فرهنگی حج:** در میان ملت های جهان فرهنگ هایی مختلفی وجود دارد که این امور فرهنگی به شکلی سالگره ها مراسم تجلیل ها و سایر امور به سطح کشور و یا هم چندین کشور می باشد حج بیت الله شریف منحصیث یکی از مراسم و مناسک مهم دین مقدس اسلام نقش مهمی را در فرهنگ اصیل اسلامی بازی می کند. در آنجا مسلمانان تمامی جهان با نژادها، مذاهب، زبان ها، قومیت ها و اعتبارات مختلف حضور حاصل نموده و همه مانند برادران و خواهران در اطراف کعبه شریف ساحه منی عرفات و سایر مناطق حج با یک لباس و یک شعار مصروف عبادت پرورگار خویش می شوند. درینجا مهمترین فرهنگ اسلامی که عبارت از مساوات و برابری میان بشریت است به خوبی جلوه گر می شود دراینجا صرف یک فرهنگ وجود دارد و آنهم فرهنگ ایمانی است که بر پایه های توحید استوار است.

در اینجا فرهنگ اختلاف از بین رفته و همه بدون در نظر داشت زبان نژاد و جنسیت به عبادت پروردگار می پردازند.

اجتماع اسلامی منحصر به کدام مرزی نبوده بلکه یک مسلمانی که رب‌العالمین را عبادت نمود و هر وقتی می‌گوید: **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (الناس/۱)** به این اساس همیشه سعی و تلاش وی برای پیوند دادن ملت‌های مختلف جهان برای بهبود جامعه انسانی می‌باشد اکنون حج این فرهنگ عمیق انسانی را در میان ملت‌ها زنده ساخته و تمامی مرزهای جغرافیایی نژاد مذهبی حزبی زبانی و قومی را از بین برده همه را با یک شعار یک لباس و یک مکان جمع نموده همه بدون در نظر داشت تمامی اختلافات مراسم شان را ادا می‌کنند.

در مراسم حج فرهنگ اسلامی که به اساس اخوت و وحدت ملت‌ها نهاده شده است به گونه بسیار عالی آن تمثیل می‌گردد.

و هرگاه در بقیه اوقات نیز این فرهنگ مراعات گردد تمامی خشونت‌ها و بدبینی‌ها از بین رفته همه مسلمانان می‌توانند جامعه اسلامی را به جهانیان تقدیم نمایند که الگو برای انسان سازی و انسان زیستی باشد.

### فلسفه حج

فلسفه لباس سفید اگر چه بعضی از مادی پرستان به لباس‌های ظاهری افتخار نموده و شخصیت خود را در پوشیدن لباس‌های فاخر می‌دانند و خود را نسبت به دیگران برتریت می‌دهند. برای این که در هنگام ملاقات جهانی مسلمانان پوشیدن لباس‌های فاخر می‌دانند و خود را نسبت به دیگران برتریت می‌دهند برای اینکه در هنگام ملاقات جهانی مسلمانان پوشیدن لباس‌های مختلف مومنان را از حقیقت‌ها به سوی امور مادی مصروف نسازد برای همه توصیه شده تا یک لباس سفید بر تن کنند تا هیچ کسی احساس کمی و یا برتری ننماید و همچنان رنگ سفید را برای به یاد داشتن روز محشر که همه سفید پوش اند و در قبر نیز با لباس سفید می‌روند و این یاد‌های روز محشر و قبر در حقیقت روح معنوی انسان را از مادیت بیرون کشیده و بسوی ملکوت و معنویت رهسپار می‌سازد و بدین سان تمامی مسلمانان با یک لباس به سوی یک هدف به حقیقت‌ها خود را نزدیک می‌سازند.

**فلسفه اخلاقی حج:** یکی از احکام مهم قرآنی که دانستن آن بر مسلمانان جدا لازم است اینست که خداوند متعال (ج) خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... (البقرة/۲۰۸)** ای مسلمانان در دین مقدس اسلام بطور مکمل داخل شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنند مفهوم این آیت مبارکه است انسان مسلمان کوشش نماید خود را مسلمان کامل بسازد و مسلمان کامل کسی است که تمام احکام الهی را بطور کامل درک نموده بدان عقیده نماید و برای عملکرد آن سعی و تلاش ورزد دین مقدس اسلام دارای سه اساس مهم است:

۱) بخش عقدی (فکر اسلامی)

۲) بخش عملی

۳) بخش اخلاقی

بخش اخلاقی اسلام عبارت از رابطه انسان را با خالق و مخلوق به اساس آداب حیا طریق درست سخن گفتن احترام متقابل و مراعات علاقمندی‌های دیگران می‌باشد. این اخلاق اسلامی اکثریت غور مسلمانان را به



دین مقدس اسلام کشاند پیامبر (ص) و صحابه کرام (رض) چنان اخلاق اسلامی را مراعات می نمودند که هزاران انسان غیر مسلمان شیفته اخلاق خوب آنان شده و بخاطر همین اخلاق پیامبر و صحابه گرایش خویش را به دین مقدس اسلام اعلان نمودند.

وقتی پیامبر (ص) می گوید: **(انما بعثت لاتم مکارم الاخلاق)** من برای تمام نمودن مکرم ترین بخش های اخلاق نازل شده ام بدین معناست که حضرتش اعلان می دارد که در حقیقت وظیفه اش درین رسالت دعوت به اخلاقیات است.

زیرا هر عمل انسان که منفی اخلاق گردد آن عسل بی فایده و بی ارزش است مثلاً زمانی کسی رهسپار خانه الهی می گردد لازم است تا در راه رسیدن به خانه خدای یکتا ادب اسلامی را از آغاز سفر مراعات نماید و به این اساس از سخنان شهوت انگیز و با سخنانی که فاسقان در مجلس خود رد و بدل می کنند اجتناب ورزد زیرا هر عمل اسلامی که عاری از اخلاق باشد بی فایده و باطل می گردد به گونه مثال:

نماز - اخلاق = عدم قبولی نماز (زیرا در نماز ستر عورت که جزء اساسی اخلاق است فرض می باشد).

زکات - اخلاق = عدم قبول زکات: زیرا در قرآن کریم ذکر است: **(لا تبطلوا صدقاتکم بالبن و الاذی)**

حج - اخلاق = عدم قبول حج زیرا در قرآن کریم ذکر است **(ولا رفث و لا فسق و لا جدال فی الحج).**

**فلسفه یادی از حضرت ابراهیم خلیل (ع):** فلسفه حج را می توان با نام حضرت ابراهیم و یادی از خاطره های وی آغاز نمود. ابراهیم که او را پدر پیامبر دانند او را بانی کعبه، او را قربان کننده نخستین. کی را قربانی نمود؟ پسرش را توجه جگرش را. در کدام عمر؟ آیا در عمری که می توانست پسران دیگری به دنیا آورد و قربان نمودن یک فرزند ساده و آسان و یا این که این قربانی در هنگام پیری وی که دیگر امید فرزندی نه بلکه امید فرزند دیگری نداشت درین هنگام که او آماده قربانی است آیا همه همصحبان وی آماده قربانی اند؟؟ نه بلکه او زمانی آماده قربانی می شود که همه به گمراهی و هلاکت در حرکت اند همه ضد خدا و دین خدا اند همه فامیل ها مختلف فامیل او اند همه دست به دست هم داده در جوانی او را در آتش نمرود انداختند... او درین ماحول وحشت و تاریکی... تسلیم این همه ناهنجاری های جامعه نشده و مانند متفلسفان عصر خود را با جامعه نه آراست ... او در مقابل فرعون های جامعه قد بر افراشت... او برای عقیده توحید از دست و زبان کار گرفت... او منکرات را با دست و زبان از بین برد... او به بتکده بت پرستان رفت... و بت های شان را شکست... و باز برای قناعت آنانی بتی از بت های آنان را مثال و نمونه قرار داد... او به شکل عملی و پراکتیک درسی برای همه تقدیم نمود که عقل انسان... دانش انسان... بر تربیت انسان... عظمت انسان... کرامت انسان... کجا می رود؟؟ زمان سر سجده به مخلوق نهد... هرگاه بتی را پرستش کنیم... کرامت خود را در مقابل آن بت از دست داده ایم... باز نگوئیم که ما اشرف المخلوقات هستیم... هرگاه سر تسلیم به انسانی خم نماییم... و زبان استدعا و همکاری و مدد رسانی و مشکل کشایی به انسانی باز نماییم... خود را باخته ایم... شخصیت خود را باخته این... کرامت خود را از دست داده ایم... و تمامی کرامت خود را نثار آن شخص نموده... خود را از دایره انسانیت و اشرفیت به دایره ومحور حیوانیت و خود بازی قرار داده ایم... ابراهیم در لحظات سخت و دشوار حیات خویش... در میان آتش نمرود... در میان قهر جامعه... در میان بدبختی های جامعه انسان باز هم تسلیم کسی نمی شود... حتا شخصیت خود را در نزد فرشته ها پایین نیاورده و زمانی فرشته به نزدش می آید... در کدام حالت؟؟؟ در میان آتش... از او می پرسد که آیا

می پرسد که آیا کمکی می‌خواهی؟؟؟ نیازی دارد؟ چون موحد است... یکتا پرسد... خدا شناسی... منعقد.  
می‌گوید: بلی... ولی شما نه.

باز فرشته بزرگتری چون جبریل به نزد وی می‌آید و می‌گوید: ای ابراهیم درین حالت چی می‌خواهی؟؟ و چی پیامی داری؟ و کمی در کارست/ باز برایش می‌گوید: که بلی به همه چیز ضرورت دارم ولی از تونه. ابراهیم می‌داند که فرشته‌ها مخلوق اند. فرشته‌ها بنده اند. بنده هر قدر مشرف و مکرم گردد... بنده هر قدر محبوب و مقرب باشد... بنده هر قدر عزت و کرامت داشته باشد... بنده هر قدر وظیفه بزرگ در کرسی‌های آسمانی داشته باشد... بازهم بنده است.

با سپری نمودن امتحان فزیک امتحان ابراهیم ختم نشد... او بازهم امتحان می‌دهد... این بار امتحان سخت‌تر نسبت به امتحان اولی... امتحان عقیده... امتحان مدد خواهی... امتحان کمک خواهی... امتحان ایاک نعبد و ایاک نستین... بسا انسان‌ها در امتحانات سخت فزیک پیروز می‌شوند، ولی در امتحان عقیده و اندیشه... در امتحان خدا پرستی و یکتا پرستی... مغلوب می‌گردند... در هنگام مشکلات رخس را مطابق گفته‌های شیطان... از بارگاه ذات یکتای عزوجل... به سوی انسان ضعیفی می‌گردانند... در هنگام مشکلات... خدای یکتا را فراموش نموده... و استعینوا بالصبر والصلوة را فراموش نموده... ایاک نستین را فراموش نموده... از انسانی... از مخلوقی... از فرشته‌ای... از پیامبری... از شخصیتی... و بالاخره از کسی که خود به کمک نیازمند است کمک می‌خواهد.

ولی ابراهیم<sup>(ع)</sup> در میان آتش نمرود نه آتش عادی... آتشی که همه اهل شهر و حومه در آن هیزم ریخته اند. باهم عقیده اش را فراموش نکرده... بازهم ایمانش را از دست نداده بلکه با یک ایمان قوی درین امتحان کامیاب می‌گردد... ابراهیم<sup>(ع)</sup> با تمامی فهم و عقیده راسخ جواب ملایکه‌ها را می‌گوید: که بلی ای دوست من درین لحظات سخت و دشوار به کمک نیاز دارم... به مددگاری ضرورت دارم... به نجات‌دهنده ضرورت دارم... ولی آن کس تونستی... به تو... به کسی نیاز دارم که سوال کننده را قبل از سوال می‌داند... مشککش را قبل از بروز مشکل می‌داند و حل مشکلاتش را قبل از درخواست وی آماده نموده است... به کسی نیاز دارم که وسایل در نزد وی هیچ اند... یک حکم... یک امر... فقط حکم وی در میان (کاف) و (کن) است اذاً اراداً شیئاً یقول به کن فیکون.  
به او نیاز دارم نه به تو...

به کسی نیاز دارم که حکمش بر جامدات نیز تطبیق می‌گردد.

به کسی نیاز دارم که امرش حتماً تنفید می‌شود.

بدون وسیله.

بدون تأخیر.

به کسی نیاز دارم که حکمش نه تنها حلی برای یک مشکلی بلکه حکم او مشکل همه مشکلات است.  
در اینجا حکم الهی به آتش می‌رسد (یا نار... ای آتش... کونی بردا... سرد شو... و سلاما... و سلامت نگهدارنده... علی ابراهیم).

در اینجا باز مفسران به تعجب می‌افتند. چرا درین حکم، واژه سلام... نیز به کار رفت؟؟؟ و خود جواب می‌گویند که هر گاه به آتش تنها گفته می‌شد که (بردا... سرد شو) این آتش بی‌خبر از حقیقت‌ها چنان سرد میشد که در دامان خویش ابراهیم<sup>(ع)</sup> را از سردی می‌کشت، ولی خدای عزوجل آتش را برای ابراهیم<sup>(ع)</sup> نه تنها سر

نمود، بلکه مسخر نمود، او را امر نمود که سرد شود، ولی نه چنان سردی که ابراهیم<sup>(ع)</sup> را هلاک نمایی، بلکه سرد شو در خدمت ابراهیم<sup>(ع)</sup> باش.

این حاجی که سفر حج را در پیش دارد و به مقام ابراهیم رفته نخستین رکعات نماز را ادا می‌کند. درین مقام خود را در لباس ابراهیم<sup>(ع)</sup> قرار می‌دهد و درین مقام در مقابل صاحب مقام خدای ابراهیم<sup>(ع)</sup> خدای نوح، خدای اسماعیل، خدای پیامبران، خدای عیسی و موسی خدای همه جهانیان قرار گرفته و عقیده توحید ابراهیمی را تمثیل می‌نماید خود را چون ابراهیم موحد و یکتاپرست می‌سازد خود را تسلیم هیچ کسی نمی‌سازد و توجه اش تنها به ذات (ج) او می‌داند که کعبه یک مخلوق است و مخلوق عبادت نمی‌شود کعبه صرف که سمبول توحید است قبله است ولی سجده به صاحب قبله می‌شود همه یک طرف رو می‌آورند، ولی به انصراف سجده نمی‌کنند سجده به خدای عزوجل می‌کنند. نماز خواندن در عقب دیواری سجده به آن دیوار نیست سجده به صاحب دیوار است کعبه یک جسم جامد است او نمی‌تواند برای کسی نفعی را جلب کند خود مخلوق است خودش نیازمند است. این مسلمان اکنون در مقام ابراهیم<sup>(ع)</sup> قرار دارد عقیده ابراهیمی دارد او چشمان و دست و قلب و زبان را به سوی ذات (ج) باز نموده با اینکه در مقابلش این همه صحنه‌های و جاهای مقدس قرار دارند اینهمه را فقط به یاد ابراهیم<sup>(ع)</sup> باعقیده ابراهیمی تمثیل می‌کند او در مقابل حجرالاسود ایستاده و با عقیده پیروان مکتب ابراهیمی به یاد سخنان حضرت ابراهیم رفتند که می‌گفت: ای سنگ سیاه تو هیچ نفع و ضرری برای من کرده نمی‌توانی قسم به خداست که هر گاه رسول خدا ترا نمی‌بوسید من هیچگاه ترا نمی‌بوسیدم این حاجی بازهم به سوی این سمبول‌ها دیده به یاد شخصیت‌ها شده و عقیده توحید را از زبان آنان می‌گیرد و به یاد خدای عزوجل به حرکت می‌شود.

در جهان دو قطب هابیل و قابیل از قدیم‌الزمان بعد از پیدایش جهان ظهور نموده و قابیل منحیث سمبول شر و دشمنی خواست در مقابل پاکی و صفایی هابیل قد علم نماید و زمانی نتوانست به سادگی به اهداف شوم خود رسد خواست از راه قتل و تجاوز حق هابیل را تصرف نماید این سمبول شر بعد از گسرتش انسانیت به سه سمبول شیرین که عبارت (سمبول اقتصاد که همیشه در خالی نمودن جیب‌های دیگران نقش دارد با سمبول زور که در سلطه و قدرت و یا حکمیت سیاسی با روز گردن‌ها را در تصرف خود قرار داده و خون ملت‌ها را ازین طریق ریخته اند و آنان را برده و غلام خود ساخته اند و سمبول سومی هم تزویر است که بعضی از فروخته شده‌گان حقیقت‌های دینی را به نفع دو سمبول شیرین تفسیر و توجیه نموده و عقل و اندیشه ملت‌ها را مخدر ساخته و به این شکل این سه سمبول ظلم همیشه در مقابل ملت‌ها قرار داشته که قرآن عظیم‌الشان شمول زر یا اقتصاد ظالمانه در لباس قارون تمثیل نموده و سمبول شیرین سلطنتی را که با زور ملت خویش را به برده‌گی کشانیده بود در لباس فرعون و سمبول تزویر رادر شخص بلعم باعور بیان داشته که این سه سمبول شیرین در مقابل حضرت موسی قرار داشتند ولی موسی به درک حقیقت‌ها و استفاده از منابع وحی الهی توانست بالای هر سه سمبول شر غالب شده یکی در خاک غرق نمود و دیگری را در بحر و سومی را در لابلای حقیقت‌های تاریخی سرنگون نمود و بالاخره پرچم حق و توحید به جای آنها به اهتزاز درآورد.

ولی بعد از رفتن موسی<sup>(ع)</sup> این سمبول‌های شیرین در طول تاریخ بشریت دوام داشت و نخستین بنیادگذار مکتب توحید سمبولی را برای یکپارچه سازی ملت‌ها در حجاز بنیان‌گذاری نمود ابراهیم<sup>(ع)</sup> مانند سایر مصلحان جهان مکتب فکری جدیدی را به اساس ارشادات الهی پی‌ریزی نمود و نهضت شناختن جهان نیست و نهضتی

بر خلاف مسیر تاریخ بشر نبود کردن انحصارها و مرزها و قدها و بنده‌گی‌ها و بردگی‌ها و برتری طلبی و در عین حال ایجاد وحدت جهان وحدت انسان با جهان وحدت انسان با انسان اینست که نهضت ابراهیم<sup>(ع)</sup> این همه عظمت و اینست که انسان‌ها هر سال و هر نسل دعوت می‌شوند که در گوشه به نام خاطره ابراهیم جمع شوند و از اعمال جدی او تقلید نمودند و اشاره بکنند و به این شکل همیشه نسل‌های بشری که به نام مسلمان مسؤول انجام و ادامه رسالت ابراهیم هستند پیوند خودشان را با ابراهیم حفظ کنند و هر سال به اینجا بیایند و با او تجدید عهد کنند این تجدید عهد با مسؤولیت بی‌نهایت سنگینی را به دوش انسان روشن و آگاه می‌گذارد مسؤولیت بزرگی که با ابراهیم آغاز شد و به عنوان بازگشتن و برگرداندن مسیر تاریخ بشر به دوره‌ها بیلی به دوره برابری انسانی برادری انسانی و نفی همه عوامل شرک یعنی مذهب انحرافی شد انسانی است) جهان بینی و ایدیولوژی تألیف دکتور علی شریعتی.

**فلسفه سعی میان صفا و مروه:** تاریخ اسلام زنان قهرمانی داشته که برای رسیدن به حقایق همیشه در سنگرهای مبارزه بر ضد کفر و شرک خون خود را نثار نموده اند سپاه نخستین شهید اسلام بر ضد ابوجهل قد علم نموده و خون خود را فدای اسلام نمود و زمانی هم خانم ابراهیم در صحرای خشک مکه برای دریافت قطرات آب برای یگانه فرزند خویش که بعدها لقب ذبیح الله را قهرمانانه حاصل می‌کند در میان صفا و مروه سیر و حرکت می‌کند خدای عزوجل این حرکت این زن مومنه را و خواسته هایش را قبل از بلند نمودن دست دعا برآورده می‌سازد و در زیر قدم‌های اسماعیل چشمه مقدسی را فوران می‌دهد که حجاج بیت الله شریف با سعی میان صفا و مروه شهکاری‌های این زن قهرمان را تمثیل نموده می‌خواهند خود را در قطار محاسبه نمایند.

**فلسفه هفتم قربانی:** زمانی حجاج بیت الله شریف و همراهی آنان سایر مسلمانان به قربانگاه رفته و حیوانی را بخاطر رضایت خدای یکتا تقدیم می‌کنند در حقیقت همان سنت ابراهیمی را به یاد می‌داشته باشند که چی قهرمانانه حاضر شد پسرش را قربانی بارگاه الهی نماید او درس خدانشناسی را چنان عاشقانه به شکل عملی آن تطبیق می‌نماید که محبت خدا را بر محبت فرزند ترجیح داده آماده می‌شود او را در راه خدا قربان نماید و به همین شکل این قهرمانی‌ها نه تنها به ابراهیم منحصر نشده بلکه درین حالت قهرمانی‌های اسماعیل آن طفل با ایمان و اندیشه نیز در ذهن حجاج ظهور می‌کند.

او به یاد اسماعیل می‌شود اسماعیل که با وجود وسوسه‌های شیطانی بازهم آماده است تا خون خود را در راه خدا بریزی زنده‌گی اش را قربانی ذات یکتا نماید برای پدرش می‌گوید: **(یا ابت افعل ماتومر ستجدی ان شأ الله من الصابرين)** ای پدر هرچه امر شده ای انجام ده و مرا ان شأ الله از جمله صابران خواهی یافت.

در آیت شریف فضیلت اسماعیل بیان می‌شود او برای پدر نمی‌گوید که هر چه می‌خواهی بکن بلکه برایش می‌گوید هر چی امر شده ای بکن زیرا او به حکم خدای یکتا تسلیم می‌باشد و می‌داند که پدر موحدش کاری نمی‌کند که در آن ظلم باشد بلکه هر قدم وی تطبیق عملی ارشادات الهی است برای پسر می‌گوید که بر من فرمانی آمده است تا ترا قربان بارگاه الهی کنم و پسر نیز به این قربانی حاضر شده برای پدر می‌گوید که هر چه امر شده ای انجام ده و مرا صابر خواهی یافت و به این شکل هر دو پدر و پسر از امتحان الهی به در آمده و گوسفند از جنت برای قربانی فرستاده می‌شود و زمانی مسلمانان قربانی می‌کنند تصمیم دارند و تصمیم می‌گیرند که هرگاه تقدیم پسران شان در راه خدا مطلوب باشد از آن دریغ نمی‌کنند و هرگاه خود شان در هنگام ضرورت



به قربانگاه الهی برده شوند حاضرند، زیرا درین حالت حجاج درس می‌گیرند که چگونه یک نوجوان آماده می‌شود که خود را قربانی راه خدا نماید آنان در همانجا همان خاطره را دوباره زنده می‌کنند آنان در هنگام ذبح حیوان به یاد آن دو پدر و پسر می‌شوند که هر کدام درس‌هایی از توحید و فداکاری گذاشته اند درینجاست که حاجی با تقدیم قربانی عهدی جدیدی با خدای خود می‌بندد که او چون اسماعیل<sup>(ع)</sup> هر لحظه آماده قربانی است او چون ابراهیم<sup>(ع)</sup> محبت خدا را بر محبت اولاد برتریت داده و هرجایی که محبت الهی مطرح شود تمامی محبت‌ها را فراموشی نموده به یاد پروردگار یکتا از همه چیز خواهد گذشت.

همین قربانی درس فداکاری است که مسلمانان افغانستان در جنگ با روس‌ها و دشمنان اسلام فرزندان خود را به جبهات قربانی فرستادند و می‌فرستند و زمانی خنسأ آن خانم صحابی چهار پسرش را در میدان جهاد شهید می‌یابد شکر خدای عزوجل را نموده و به قربانی نمودن پسران در راه خدا افتخار می‌کند.

**فلسفه نهم نام گذاری بیت الله:** کعبه مقدس‌ترین مکان برای مسلمانان است سمبول توحید بیت الله و قبله مسلمانان می‌باشد، ولی ساختمانی کعبه را که حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و اسماعیل<sup>(ع)</sup> بنا نمودن اند. ساختمان مادی آن از خاک و گل عادی می‌باشد و کعبه شریف با وجود این که خانه خدا گفته می‌شود، ولی حقیقتاً خداوند متعال (ج) از داشتن خانه پاک و منزل می‌باشد این لقب برای کعبه فقط برای عظمت و احترام آن داده شده است زیرا محل عبادت و طاعت و سمبول توحید و یکپارچگی امت اسلام می‌باشد هیچکسی کعبه را عبادت نمی‌کند و کعبه برای کسی نفع و ضرری رسانده نمی‌تواند.

یکتن از دانشمندان اسلام در مورد کعبه شریف چنین ابراز نظر می‌کند (یک مسئله بسیار اساسی در زیارت خانه خدا این است که من احساس کردم و قاعدتاً شما هم همگی احساس کرده اید ما تمام عمرمان را به طرف این خانه نماز خوانده ایم تمام لحظات زنده گی مان را به طرف این جهت تقدیس کردیم، تعظیم کردیم، تجلیل کردیم و برای ما مسلمان‌ها جهت قبله یعنی جهت کعبه از جهات جغرافیایی یعنی شمال و جنوب و مشرق و مغرب عالم پر معناتر و باارزش‌تر است و اصولاً کعبه مثل این که قلب عشق‌های اما ایمان‌های ما عقاید ما و همه فرهنگ ما و همه تاریخ ما و همه روح و معنویت و عاطفه ماست کعبه یک آدرس است و تمامی تقدس آن هم در همین آدرس بودنش است و همه عظمتش هم به این است که این آدرس را خداوند تعیین کرده است و هرجای دیگر هم می‌توانسته تعیین بکند نه این سنگ‌ها تقدس دارد و با سنگ‌های دیگر کوه‌ها فرق می‌کند و نه حتا خود حجرالاسود ذاتاً با سنگ‌های آسمانی دیگر تغییر و فرق دارد ارزش این خانه به خاطر این است که این خانه آدرس برای این که انسان جایگاه خودش را در این زنده گی و روی زمین و در این جهان گم نکند ارزشش این است که این خانه به نام توحید ساخته شده خود خانه نه ارزش هنری دارد، نه ارزش اقتصادی دارد، نه ارزش معماری دارد، نه ارزش ذاتی دارد و هیچ فقط یک ارزش اعتقادی بزرگ مافوق بشری و بشری دارد و آن این که به نام یک فکر ساخته شده توحید به دست یک انسان ساخته شده و او بنیان‌گذار توحید و همدست او فرزند او بوده ذبیح توحید قربانی توحید).

بناءً به اساس عقیده توحید کعبه صرف سمبول توحید برای مسلمانان بوده آنان در هنگام نماز خویش فقط روی خود را به طرف یک قبله نموده و متحدانه به عبادت پروردگار می‌پردازند آنان به ذات پروردگار سجده می‌کنند و شرط هم نیست که انسان در هنگام نماز در مقابل کعبه بایستد بلکه به هرجایی که باشد و در هر

کشوری نماز می‌خواند صرف روی خود را به همان جهت نموده نماز خود را ادا نمایند این یک قبله داشتن یکپارچه‌گی مسلمانان را نشان می‌دهد و همین سمبول توحید آن را به حقیقت یک پارچه ساختن امت اسلام سوق می‌دهد زمان رفتن به حج همه به اطراف این خانه طواف نمایند تا گردش مردمان مختلف با رنگ‌های مختلف دلیلی باشد که دین مقدس اسلام فرق‌های نژادی قوی و طبقاتی را برتریت تقوا تبدیل نموده و کسی رسانیده نمی‌تواند هیچ کسی کعبه را پرستش نمی‌کند هیچ کس به کعبه سجده نمی‌کند.

**فلسفهٔ اعلامیه جهانی اتحاد ملت‌ها:** زمانی مسلمانان به طرف کوه عرفات باهم یکجا ایستاده به ارشادات الهی گوش می‌دهند به شکی که بعد از ادا نماز صبح روز نهم ذی‌الحجه در (منا) البته بعد از طلوع آفتاب همه حاجیان (لا اله الا الله و الله اکبر و تلبیه) گویان به طرف عرفات حرکت می‌کنند و به عرفات می‌روند نماز پیشین و دیگر را در مسجد (نمره) می‌خوانند و در وقت نماز پیشین امام خطبه می‌خواند درین خطبه در مورد اتحاد تمامی مسلمانان جهان ارشاداتی توسط خطیب بیان می‌شود و تمامی مسلمانان جهان دست به بارگاه الهی بلند نموده و مانند یک جسم همه مراسم این روز را ادا می‌کنند.

**فلسفهٔ طواف:** زمانی مسلمانان به طواف بیت الله شریف می‌پردازند و مانند پروانه‌ها عاشقانه به اطراف کعبه می‌گردند یک حقیقت عجیب برای انسان آشکار می‌گردد و آن این که تصویر این گردش به اطراف کعبه مانند گردش عقربه‌های ساعت است که در طول ۲۴ ساعت یک لحظه توقف نمی‌کند و مانند ضربات قلب انسان خاموشی ندارد به همان سان مومنان در اطراف خانه کعبه در طول ۲۴ ساعت در گردش و طواف اند و این کار برتریت اسلام را در عبادت خدای یکتا ثابت می‌سازد، زیرا در تمامی ادیان عبادت‌ها در اوقات مخصوص بوده ولی در دین مقدس اسلام عبادت هیچگاه قطع نمی‌گردد و طواف همیشگی کعبه دلیلی بر این حقیقت است. عبادت در دین مقدس اسلام در سایر بخش‌ها چنانچه قبلاً یادآور شدیم نیز ۲۴ ساعت حیات ادا می‌گردد فلسفه این عبادت را شخصی از یک دانشمند مسلمان پرسید که شما چی وقت عبادت می‌کنند؟ او گفت: ما مسلمانان در ۲۴ ساعت عمر خویش عبادت می‌کنیم.

آن شخص گفت: پس شما هیچ خواب نمی‌کنید؟ دانشمند اسلامی گفت: ما خواب خود را به طریقه پیامبر (ص) می‌کنیم. بناءً خواب ما هم در عبادت محاسبه می‌شود. گفتهٔ این دانشمند فلسفه حقیقی عبادت را در دین مقدس اسلام بیان می‌دارد، زیرا در دین مقدس اسلام همه اعمال یک مسلمان مطابق احکام الهی در طول ۲۴ ساعت زنده‌گی‌اش ادا می‌گردد و هیچ وقتی نیست که بدون عبادت سپری گردد.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) ازدواج نماید عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) تجارت نماید عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) دعوتی تهیه نماید عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) غذا بخورد عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) با خانم و اعضای فامیل خویش اخلاق خوب نماید عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) کدر به دست آوردن نفقه حلال برای خود و فامیل خویش سعی نماید

عبادت نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) سوار موتر شده آداب اخلاقی نشستن در موتر را مراعات نماید عبادت

نموده است.

هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) با همسایه های خویش معامله خوب نماید عبادت نموده است.  
 هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) با اقارب خویش رفت و آمد نماید عبادت نموده است.  
 هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) سخن گوید عبادت نموده است.  
 هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) نشست و برخواست نماید عبادت نموده است.  
 هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) به والدین خویش احترام نماید عبادت نموده است.  
 هرگاه کسی مطابق طریقه پیامبر (ص) و زنهای صحابه مثل بی بی سمیه، بی بی عایشه؛ بی بی فاطمه، بی بی مریم، بی بی هاجر و بی بی اسماء عمل نماید لباس بپوشد از دواج نماید عبادت نموده است.

**فلسفه زمزم:** یک حقیقت بسیار مهم که دانستن آن برای هر مسلمان بسیار ضروری می باشد اینست که مدد خداوند زمانی برای انسان مومن ۱۰۰ فیصد می رسد که وابستگی این انسان از اسباب مادی و از سایر مخلوقات قطع گردد. زمانی حضرت ابراهیم را پدر کاکاها اقارب و تمامی دوستانش به آتش افگندند و ابراهیم (ع) تنها ماند و در آتش نمرود غوطه ور شد. ملکی آمد و برایش گفت که کمک می خواهی؟ و ضرورت به مدد داری؟ گفت: بلی ولی برای خودت نه. وقتی پیامبر اسلام از مردم قریش نا امید شد راه خود را به طرف طایف گرفت. شاید آنان گوش شنوا و چشم بینا داشته باشند و حقیقتها را با قلب دانا درک نمایند، ولی در آنجا بدتر از قریشان برده گان و اطفال را به سوی محمد (ص) و همراهش زید بن ثابت روان کردند تا هردو را سنگ باران نمایند و خون از نعلهای مبارک پیامبر اسلام به زمین ریخت درین هنگام مدد بزرگ الهی بوی رسید و او را به مهمانی به بارگاه الهی کشاند و به عرش برد به همان سان فلسفه زمزم نیز همان مدد الهی است که زمانی بی بی هاجر با فرزند شیر خوارش از تمامی انسانها قطع علاقه و امید نمود و به بارگاه الهی رو آورد و آن طفل معصوم در شیر خواری آبی برای حیات نداشت و مادر بیچاره به این طرف و آن طرف سرگردان می دوید.

خدا عزوجل مدد خود را فرستاد و از زیر قدمهای اسماعیل چشمه آب در جریان افتاد و این آب که آب مدد الهی در لحظات دشوار و قطع امید از انسانها جاری شده است نام مقدس به خود گرفته و طعمش نیز لذیذ نیست تا مردم نه بخاطر لذت بلکه بخاطر قدسیتش آن را بنوشند.

### فلسفه حج

به اساس ارشادات قرآنی و با استفاده از احادیث نبوی (ص) حج را یکی از ارکانهای اساسی دین مقدس اسلام می یابیم که در جمله پنج بنای اساسی اسلام رکن پنجم دین مقدس اسلام می باشد حج اگر چه در ظاهر یکی از عبادات اسلامی به شمار می رود، ولی از نگاه حقیقتهای فلسفی این حکم اسلامی دارای بعضی از مزایای بسیار مهمی است که با اندک ژرف نگری به این حقیقتها پی می بریم اهمیت مراسم حج را می توان در نقاط ذیل مورد مطالعه قرار داد:

- معنویت سیاسی حج
- نقش اقتصادی حج
- نقش اجتماعی حج
- نقش فرهنگی حج



**سوالات فصل هشتم:****الف: سوالات تشریحی:**

- ۱- فلسفه عبادات در اسلام چیست واضح نماید.
- ۲- نماز در لغت و اصطلاح چه مفهوم دارد بنویسید.
- ۳- در مورد حقیقت نماز معلومات دهید.
- ۴- در مورد فضیلت نماز ترجمه یک آیت شریف تحریر نماید.
- ۵- روزه را تعریف نماید.
- ۶- در مورد حکمت و فلسفه روزه معلومات دهید.
- ۷- ذکات را تعریف نماید.
- ۸- حکمت فرضیت ذکات چیست واضح نماید.
- ۹- در مورد سزایی بی نمازان معلومات خود را تحریر نماید.
- ۱۰- حکمت و فلسفه حج مختصراً بنویسید.

**ب: سوالات صحیح و غلط:**

۱. یکی از معانی صلوات درود و دعا است.
۲. حج در لغت به معنی قصد آمده است.
۳. روزه تنها منع شدن از نوشیدن و خوردن است و بس.
۴. نماز با الله اکبر شروع و با درود ختم می شود.
۵. رمضان در لغت شدت حرارت آمده است.

**ج: سوالات خانه خالی: خانه خالی های زیر را به ترجمه آیات متبرکه پر نماید:**

۱. (ان الصلاة تنهى عن الفحشا والمنکر) الايه .....
۲. (فاذکرونی اذکرکم و اشکروالی ولا تکفرون) سوره بقره ایه ۱۵۲ .....

## مآخذ و مراجع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- صحیح البخاری
- ۳- صحیح المسلم
- ۴- سنن ابن ماجه
- ۵- ترمزی
- ۶- سنن نسایی
- ۷- جهان بینی اسلامی از استاد عبدالظاهر داعی
- ۸- جهان بینی اسلامی و عقیده اسلامی از پوهندوی عبدالواحد جهید
- ۹- عقیده اسلام متکی بر قرآن و حدیث از حافظ استاد محمد ربانی خطیبی
- ۱۰- عقیده اسلام در پرتو قرآن از نعمت الله وثیق
- ۱۱- اصول دعوه از عبدالکریم زیدان
- ۱۲- حلال و حرام از دوکتور یوسف قرضاوی
- ۱۳- چپترنوت های استادان ثقافت اسلامی از پوهنتون سلام و پوهنتون مرکزی کابل



